

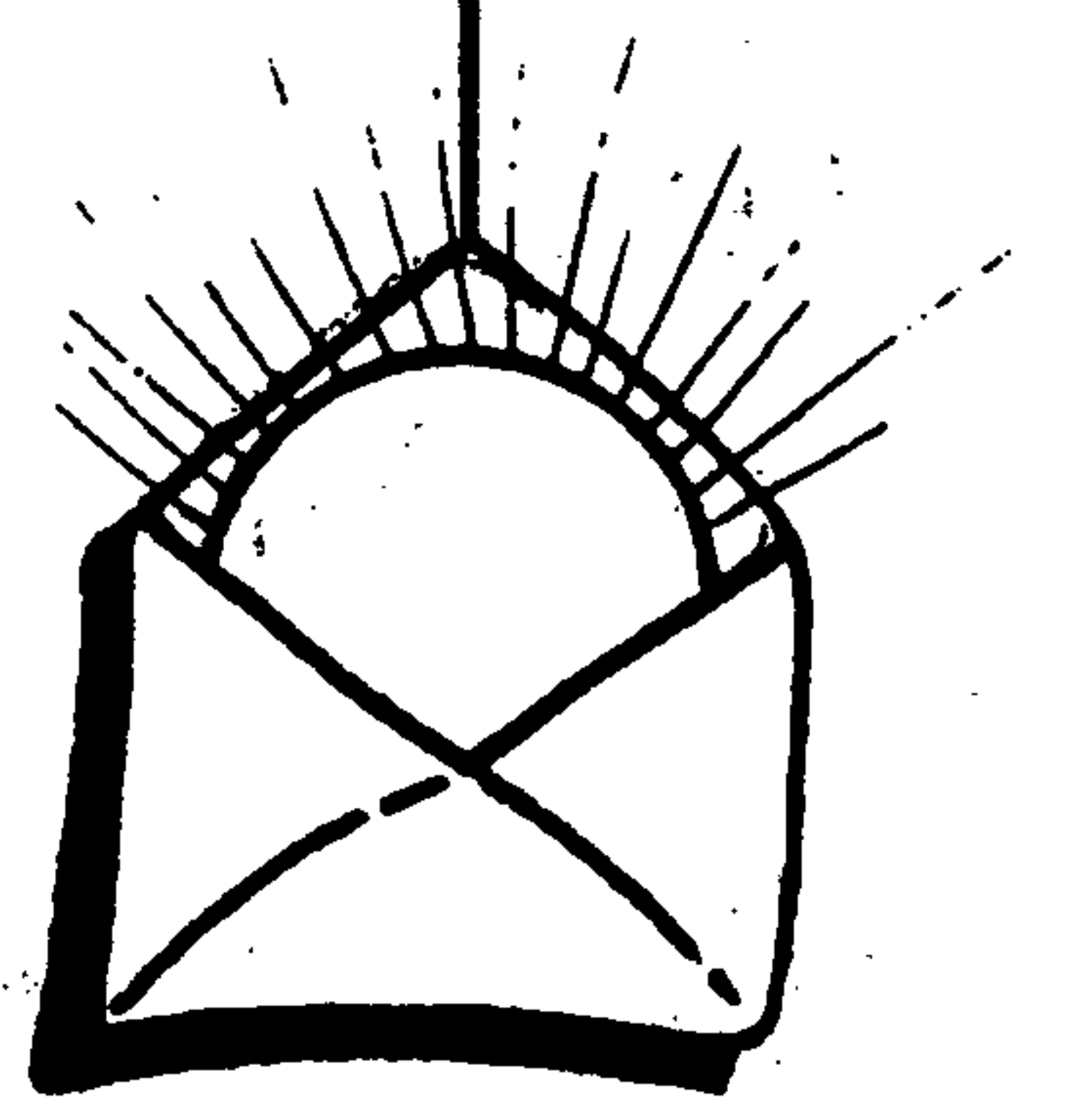
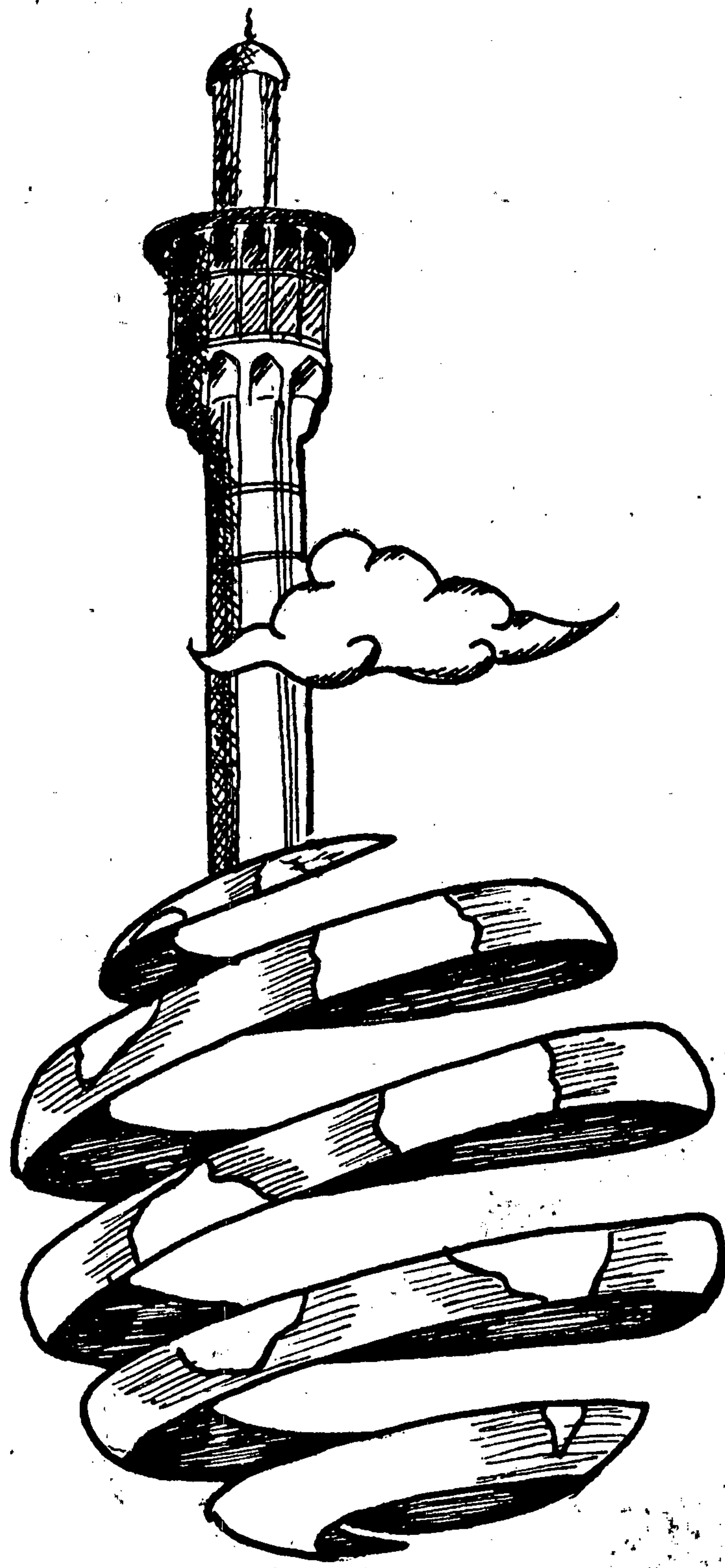
**اشاره:**

بحث «جهانی شدن» یکی از مفاهیمی است که در دهه پایانی قرن بیستم، بسیاری از جریانات و پدیده‌ها را تحت الشعاع قرار داده و به بحث روز تبدیل شده است. در عین حال شیعه با ارائه نظریه حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، بحث جهانی بودن این حکومت را به صورت دقیق و پیش‌تر مطرح کرده است.

در این نوشتار، ضمن ارائه مبانی، تعاریف، ویژگی‌ها و نشانه‌های «جهانی شدن»؛ به مبانی، اهداف، ویژگی‌ها و برنامه‌های «حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)» اشاره شده است. همچنین مقایسه‌ای بین آنها صورت گرفته و وجوه برتر حکومت جهانی مهدوی بیان شده است.

# جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)

رحیم کارگر



انظر

۱۴۲

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ  
 امروزه دنیا، شاهد تحولات و دگرگونی‌های گسترده و شگفت‌آوری، در عرصه اقتصاد،  
 ارتباطات، فرهنگ، سیاست، معاهدات و امور بین‌الملل، در راستای «جهانی شدن» است. شالوده  
 افکار و اندیشه‌های سیاسی، سمت و سوی تعهدات و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی، ماهیت  
 برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها، ادبیات و فرهنگ غالب جوامع، جهت‌گیری  
 سرمایه‌گذاری و خدمات اعتباری و مالی، شبکه ارتباطات و انفورماتیک و... به تدریج، بر  
 اساس «جهانی شدن»، «جهانی سازی» و «جهانی کردن» شکل می‌گیرد و پیوستگی و یکپارچگی  
 میان آنها بیشتر می‌شود.

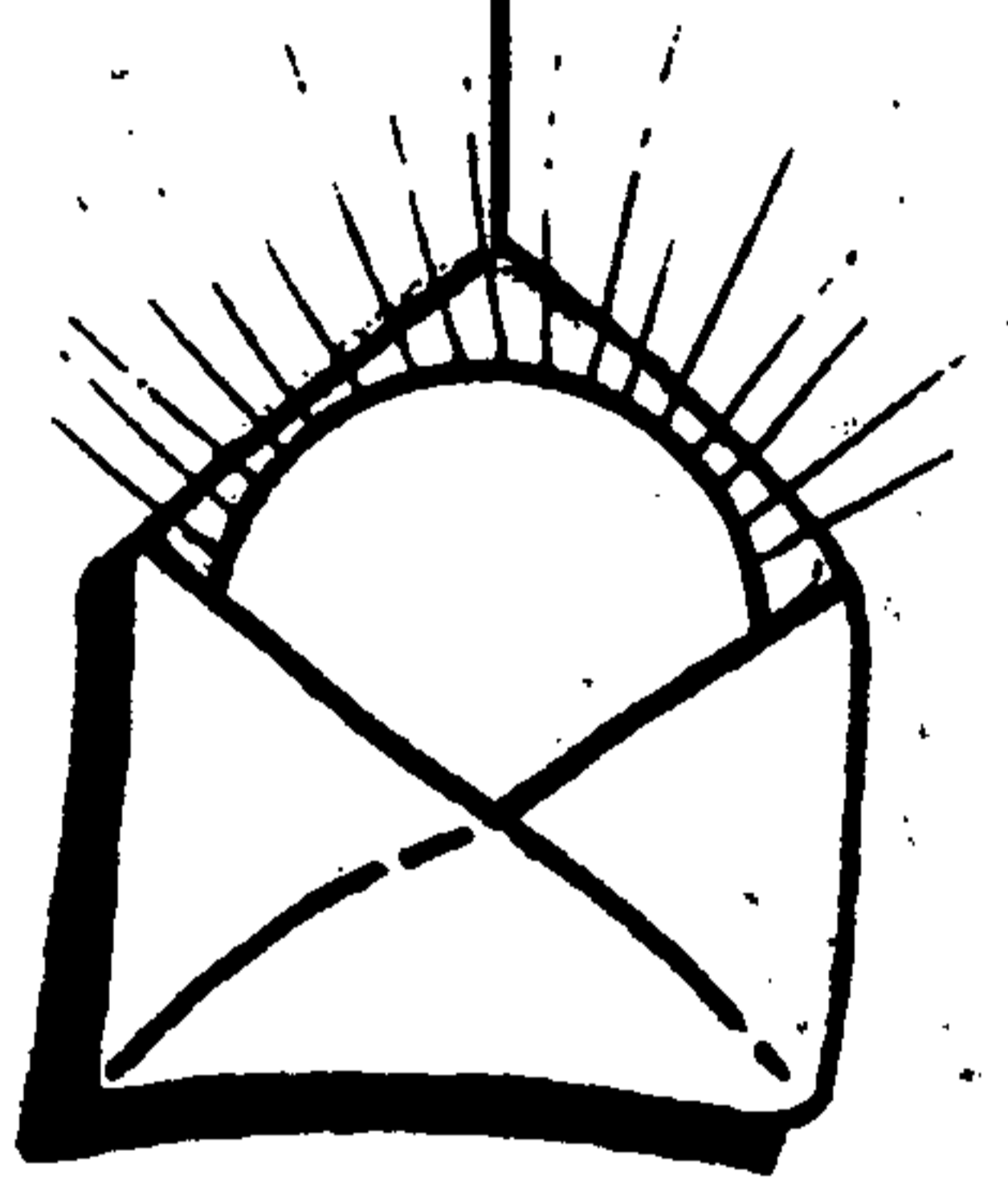
قطعی و روشن است که اینک، یکی از نظریات مهم در عرصه بین‌الملل، ارتباطات، فرهنگ،  
 اقتصاد و سیاست، «جهانی شدن» است. حتی می‌توان گفت که: «از یک لحاظ، نظریه «جهان  
 گرایی» (جهانی شدن) نظریه‌ای بلامنازع است. تحولات صورت گرفته در ابزار و شیوه‌های  
 ارتباطات و جابه‌جایی‌های منابع و مردم، آشکارا می‌توانند بر انهدام حد و مرزهای اجتماعی،

تأثیر گذاشته؛ همبستگی و یکپارچگی بیشتری را موجب کردند. این فرایندها، از قرن‌ها پیش وجود داشته است.<sup>۲</sup>

پدیده جهانی شدن، رویدادی ناگهانی و جدید نیست؛ بلکه از گذشته - به شکل‌های مختلف - وجود داشته و اکنون سرعت آن بیشتر شده است. گسترش ارتباطات جهانی، به واسطه پیشرفت‌های فنی، افزایش نهادهای سیاسی، اقتصادی و تجاری بین‌المللی، پیدایش سازمان‌های صنعتی و مالی چندملیتی و افزایش قدرت بازارهای ارزی، به عنوان اجزای اصلی فرایند جهانی شدن است. تأسیس سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، انتشار نظریه دهکده جهانی مارشال مک لوهان (۱۹۶۵)، انتشار نظریه موج سوم آلوین تافلر (۱۹۷۸)، پایان جنگ سرد (۱۹۸۹)، اتحاد پولی یازده کشور اروپایی (۱۹۹۸)، گسترش روزافزون سازمان‌ها و اتحادیه‌های اقتصادی (نظیر آسه آن، نفتا و اکو)، ادغام بازارهای مالی، ادغام بانک‌های بزرگ جهان، تأسیس «گات» (GAT) و در پی آن «سازمان تجارت جهانی» (WTO) در ۱۹۹۵ و... همگی از پیش‌زمینه‌های بروز پدیده جهانی شدن است که هرچه زمان پیش‌تر می‌رود، شدت و قدرت آن بیشتر می‌شود.

شایان گفتن است که در این زمینه، رشد و پیشرفت شگفت‌انگیز فناوری، در زمینه‌هایی مانند حمل و نقل و رایانه و انقلاب انفورماتیک در دهه ۱۹۸۰، بسیار تأثیرگذار بوده است.<sup>۳</sup> با توجه به این مطلب، ابعاد گسترده و گوناگون «جهانی شدن»، برای ما آشکار می‌شود و حتی پی می‌بریم که «جهانی شدن» چیزی، یکپارچه، واحد و یکسان نیست؛ بلکه ما با «جهانی شدن»‌ها و ابعاد گوناگون آن روبه‌رو هستیم و خود جهانی شدن نیز امری متفرد، یک شکل و یکسان نمی‌باشد و با یک نوع «جهانی شدن» روبه‌رو نیستیم.

جهانی شدن، مبین نوعی جهان‌بینی و اندیشیدن درباره جهان، به عنوان یک منظومه کلان و به هم پیوسته است. به قول برخی از متفکران: «جهانی شدن یک گزینه انتخابی نیست که شما اراده کنید آن را بپذیرید یا خیر؛ بلکه کاروانی است که هم‌زمان، در همه شاهراه‌های دنیا، به سرعت در حال حرکت است و کشورها نیز توان متوقف کردن آن را ندارند و مانند خاشاکی، در مقابل سیل برده خواهند شد... پیام بازیگران عرصه جهانی شدن نیز آن است که نیروهای اقتصادی و دانش فنی، به سمت همگونی و یکدستی، در اشکال سیاسی، اقتصادی و رفتارهای دولتی پیش خواهند رفت...»<sup>۴</sup> به این ترتیب، جهانی شدن آینده‌ای را نشان می‌دهد که در آن تصمیمات سیاسی و اجتماعی، در مقیاس جهانی، ناگزیر بر ساخت‌هایی مبتنی خواهد شد که بتواند با پیچیدگی‌های وضعیت جهانی، هماهنگ شود: یک دستگاه پیچیده مدیریت و یک



انظار

۱۴۳

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

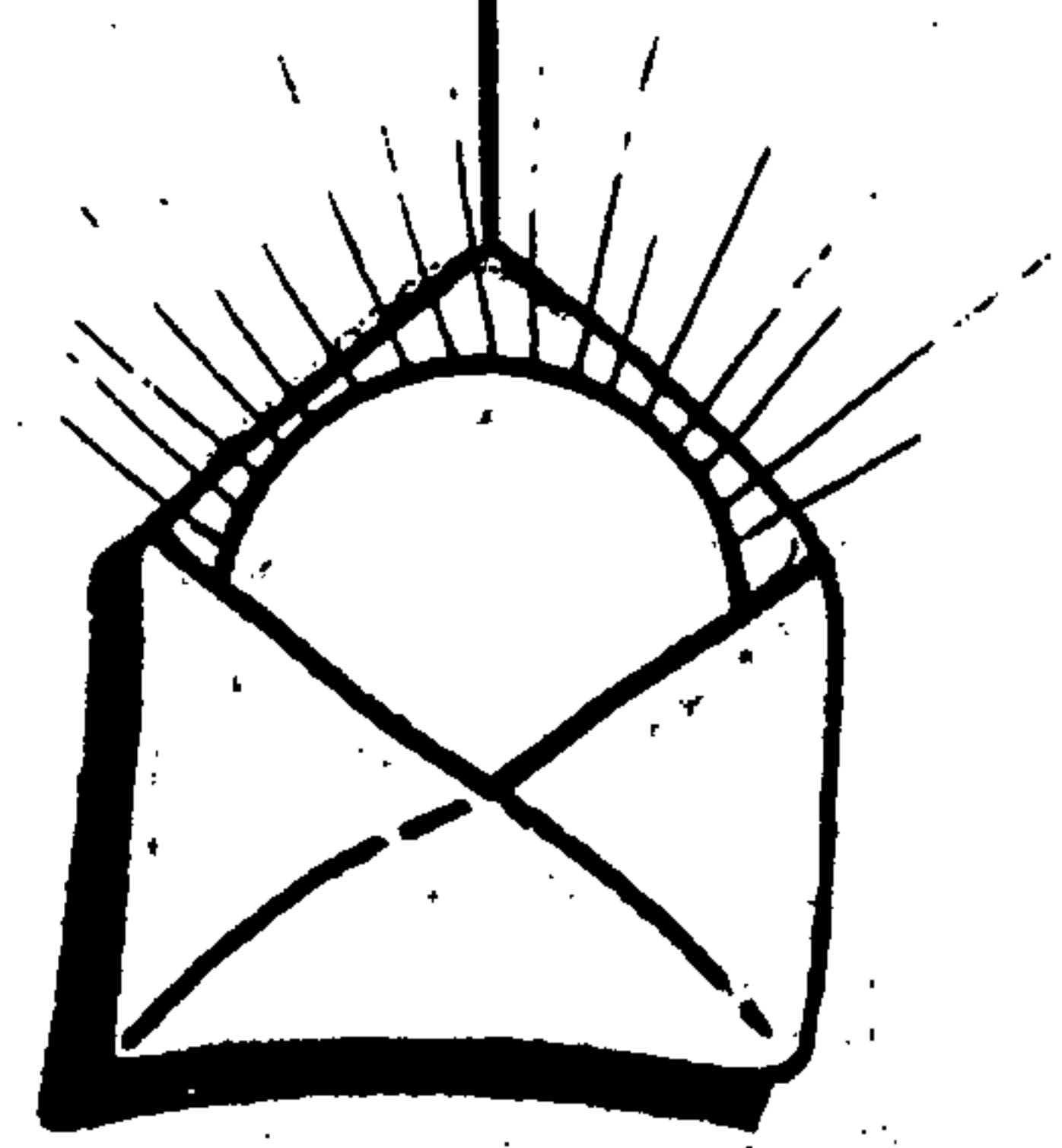
بازار بسیار منعطف و پویا که ضمن صرف نظر کردن از مشارکت مستقیم شهروندان، صرفاً با تلقی آنها به عنوان مشتری و مصرف کننده، می تواند با کارایی هر چه بیشتر عمل کند. به علت وقوع این تغییرات و تحولات گسترده و ژرف در جهان و اهمیت و جذابیت موضوع «جهانی شدن»، نمی توان آن را نادیده گرفت و از بحث و گفت و گو درباره آن چشم پوشید. الان مدعیان و نظریه پردازان «جهانی شدن» رو به فزونی نهاده است. شیعه نیز با ارائه نظریه «حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)» در طول قرن ها و سال های متمادی، داعیه دار اصلی جهان شمولی در عرصه های فرهنگی، سیاسی و... بوده است.

با توجه به این مطالب، در این نوشتار بر آنیم که بتوانیم از بحث های مطرح در زمینه «جهانی شدن» - ضمن ارائه چشم اندازی از آن - پلی برای فهم و درک «حکومت جهانی مهدوی» بزنیم و در اثبات و تقویت «نظریه بی بدیل مهدویت» تلاش کنیم. وضعیت کنونی جهان، با ضعف ها و قوت ها، نقاط مثبت و منفی، نظریه ها و آرمان ها، خواسته ها و نیازها و طرح ها و برنامه ها، بهترین و روشن ترین دلیل و برهان، بر اثبات ضرورت حکومت جهانی مهدی (عج) و نیاز به آن است؛ یعنی، نظریات ارائه شده درباره «جهانی شدن» و تصمیم گیری ها، برنامه ریزی ها و راه کارهای عملی در این رابطه، می تواند فهم و درک ما را از «مهدویت» آسان کند؛ حقیقت آیات و روایات «ظهور منجی» را بهتر تبیین نماید؛ نیاز و احتیاج بشر به حکومت مقتدر و عدالت گستر را تعمیق بخشد؛ زمینه را برای ظهور او فراهم سازد؛ سطح آگاهی و بینش مردم را بالا برد؛ آنان را آماده پذیرش دولت کریمه و حکومت جهانی او گرداند؛ «عصر موعود» را بهتر نشان دهد و «اندیشه مهدویت» را فراگیر و جهانی کند.

حکومت جهانی مهدی (عج)، خط بطلانی بر انواع گوناگون حکومت ها، نظریات، برنامه ها و طرح های ارائه شده در عرصه جهانی است؛ به طوری که تمامی این نظریات و حکومت ها، امتحان خود را پس خواهند داد و مردم به پوچی، ضعف و بطلان آن پی خواهند برد و با آغوش باز، پذیرای «دولت مهدوی» خواهند بود؛ چنان که امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«امر ظهور واقع نمی شود، مگر بعد از آن که هر طبقه ای به حکومت برسند و دیگر طبقه ای در روی زمین باقی نباشد که حکومت نکرده باشد؛ تا دیگر کسی نتواند ادعا کند که اگر زمام امور به دست ما می رسند، ما عدالت را پیاده می کردیم! آن گاه حضرت قائم (عج) قیام کرده، حق و عدالت را پیاده می کند».<sup>۵</sup>

مشکلات دائمی جهان (جنگ ها، عداوت ها، کینه ها، نابرابری ها، نابسامانی ها، ظلم ها و ستم ها)؛ نیازها و احتیاجات ضروری بشر (در زمینه اقتصاد، سرمایه گذاری، ارتباطات، بهداشت،

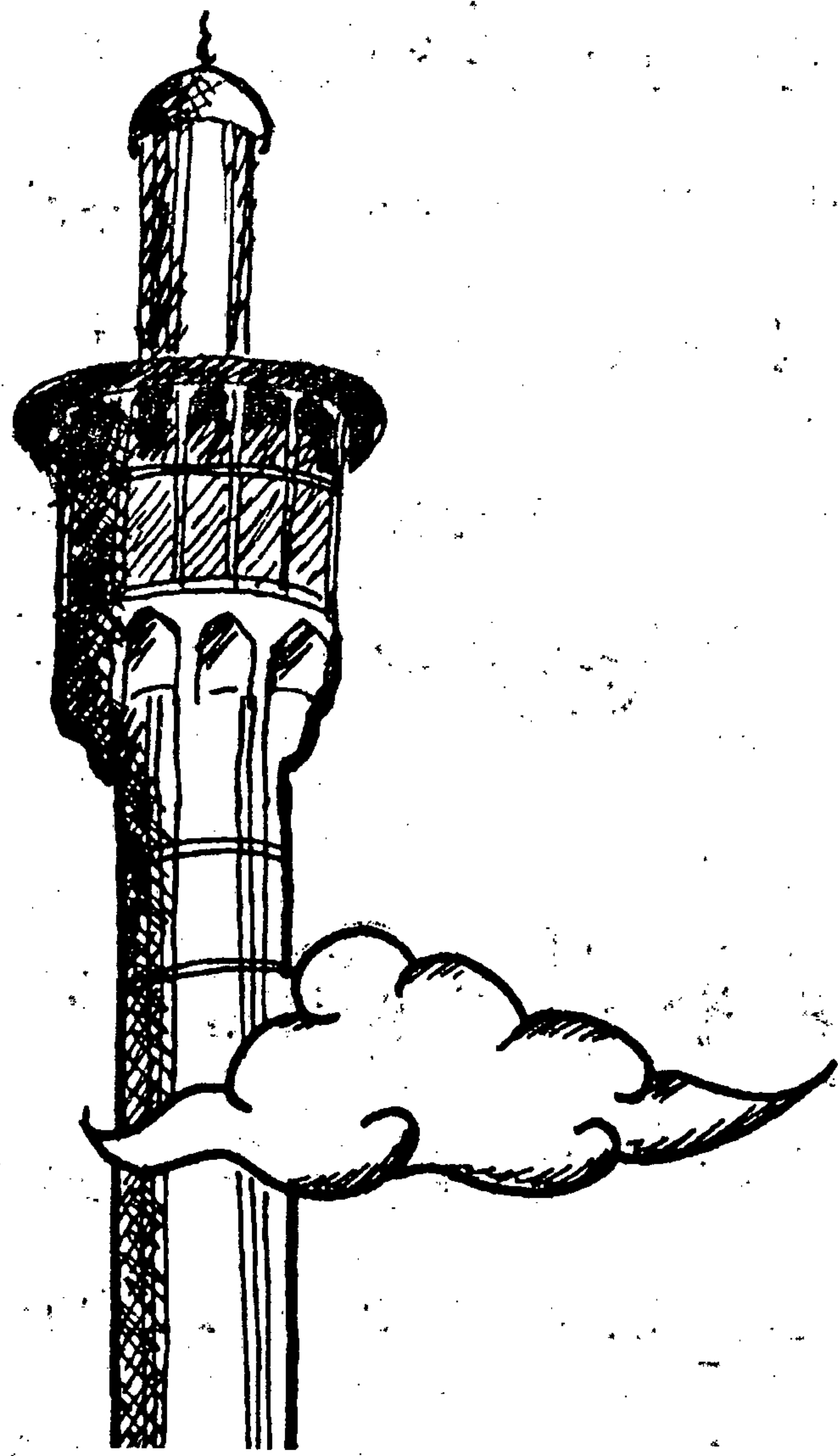


انظار

۱۴۴

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

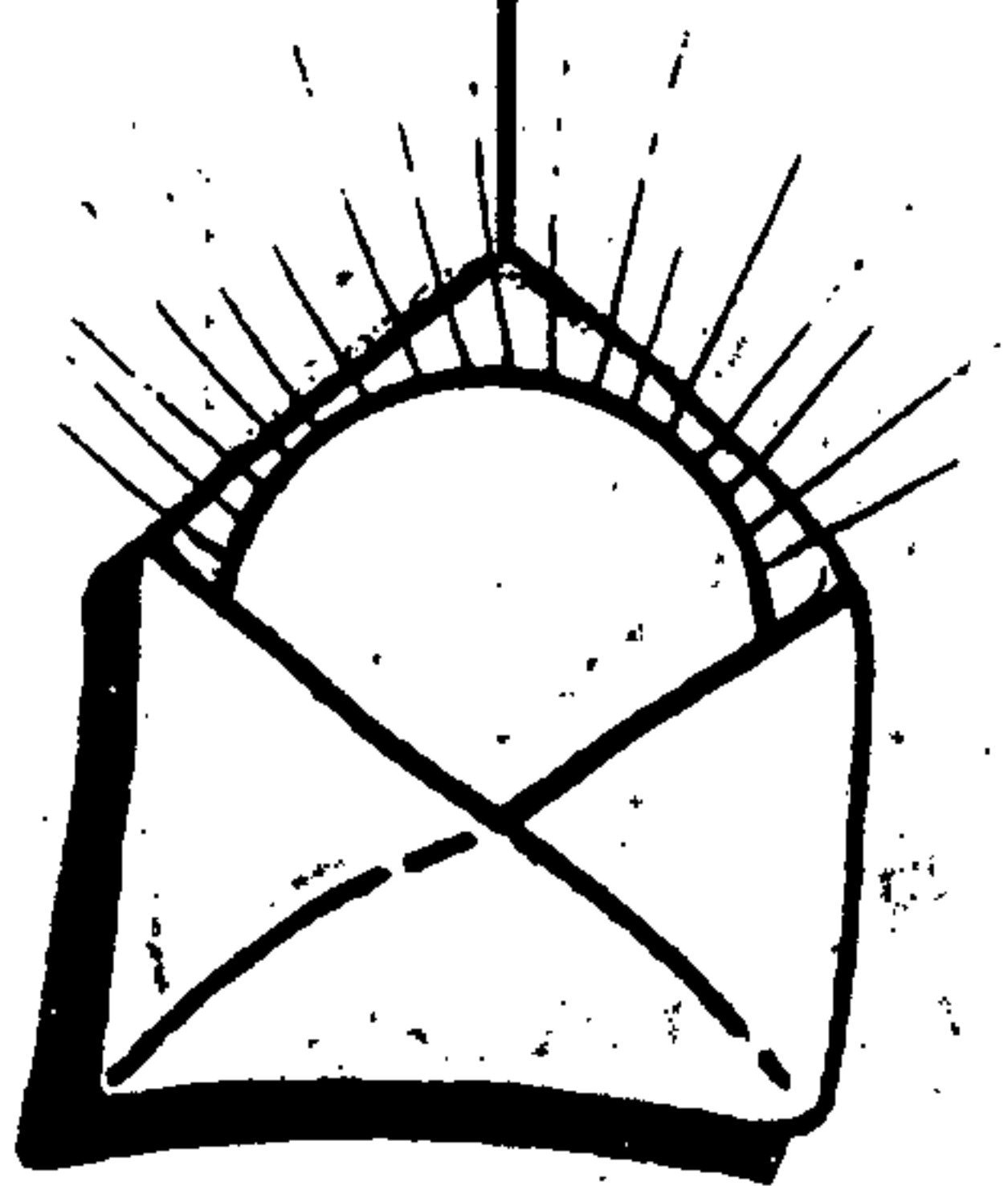
رفع فقر مادی و معنوی و ...؛ الزامات و بایسته‌های جهان (در زمینه همگونی و نزدیکی فرهنگ‌ها، علوم، افکار و اندیشه‌ها، تربیت اخلاقی و ...؛ ایده‌ها و آرمان‌های همیشگی همگان (صلح، دوستی، عدالت، نیکی، آرامش و ...؛ تجارب گذشته انسان‌ها (در نقص و ضعف دولت‌ها و حکومت‌های خود، جنگ‌ها و ستیزه‌جویی‌ها) و ... باعث خواست و طلب آگاهانه و عاشقانه «ظهور منجی و مصلح الهی» از سوی بیشتر انسان‌ها خواهد شد؛ چنان که امام صادق (علیه السلام) فرمود:



«هر جمعیتی در انتظار دولتی هستند... اما دولت مادر آخر الزمان نمایان می‌گردد»<sup>۶</sup>

نکته بديهی و روشن این است که تصویر «حکومت جهانی مهدوی»، به روشنی و با ذکر تمامی خصوصیات و ویژگی‌های مثبت آن، چندین قرن پیش، از سوی پیشوایان معصوم شیعه، بیان شده است.

برنامه‌ها و فعالیت‌های دولت‌ها و اندیشمندان در این زمینه، باعث شده که فهم و درک ما از «دولت کریمه و جهان گستر» حضرت ولی عصر (عج) آسان شود. اگر چند دهه پیش درباره «جهانی شدن» و «حکومت جهانی» سخن به میان می‌آمد، درک و فهم و پذیرش آن برای مردم، سنگین و آگاهی و دانش آنان در این باره، اندک و محدود بود. در این صورت بحث درباره «حکومت جهانی مهدی موعود» خام و غیر واقعی می‌نمود و زمینه‌سازی برای پذیرش و باور داشت آن، مشکل به نظر می‌رسید. اما اینک به راحتی می‌توان، در این باره و ویژگی‌های «دولت کریمه»، صحبت کرد و از حقانیت و درستی آن دفاع نمود. همچنین می‌توان با بیان چارچوب‌های علمی و نظری آن، تئوری قابل قبولی در عرصه جهانی ارائه داد. اگر نتوانیم به درستی، ابعاد و زوایای مختلف اندیشه «مهدویت» را در عصر حاضر بازگو کنیم و نسبت و ارتباط آن را با «جهانی شدن» بسنجیم؛ از قافله اندیشه و گفتمان روز به دور خواهیم بود و نخواهیم توانست درک و فهم بشری را درباره آینده درخشان جهان به خوبی شکل دهیم.



انظار

۱۴۵

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

در این تحقیق و پژوهش؛ با توجه به اهداف، مبانی و ویژگی‌های «جهانی شدن»، «جهانی کردن» و «جهانی سازی»؛ و نیز مبانی، اهداف و ویژگی‌های «دولت کریمه مصلح موعود»، در صددیم رابطه آنها را - هر چند به طور خلاصه - مورد پژوهش قرار دهیم و این مطلب را روشن کنیم که روند و پروسه «جهانی شدن»، می‌تواند، پیش‌زمینه و مقدمه‌ای برای تشکیل دولت فراگیر حضرت مهدی (عج) باشد.

## بخش یکم. جهانی شدن، جهانی کردن و جهانی سازی

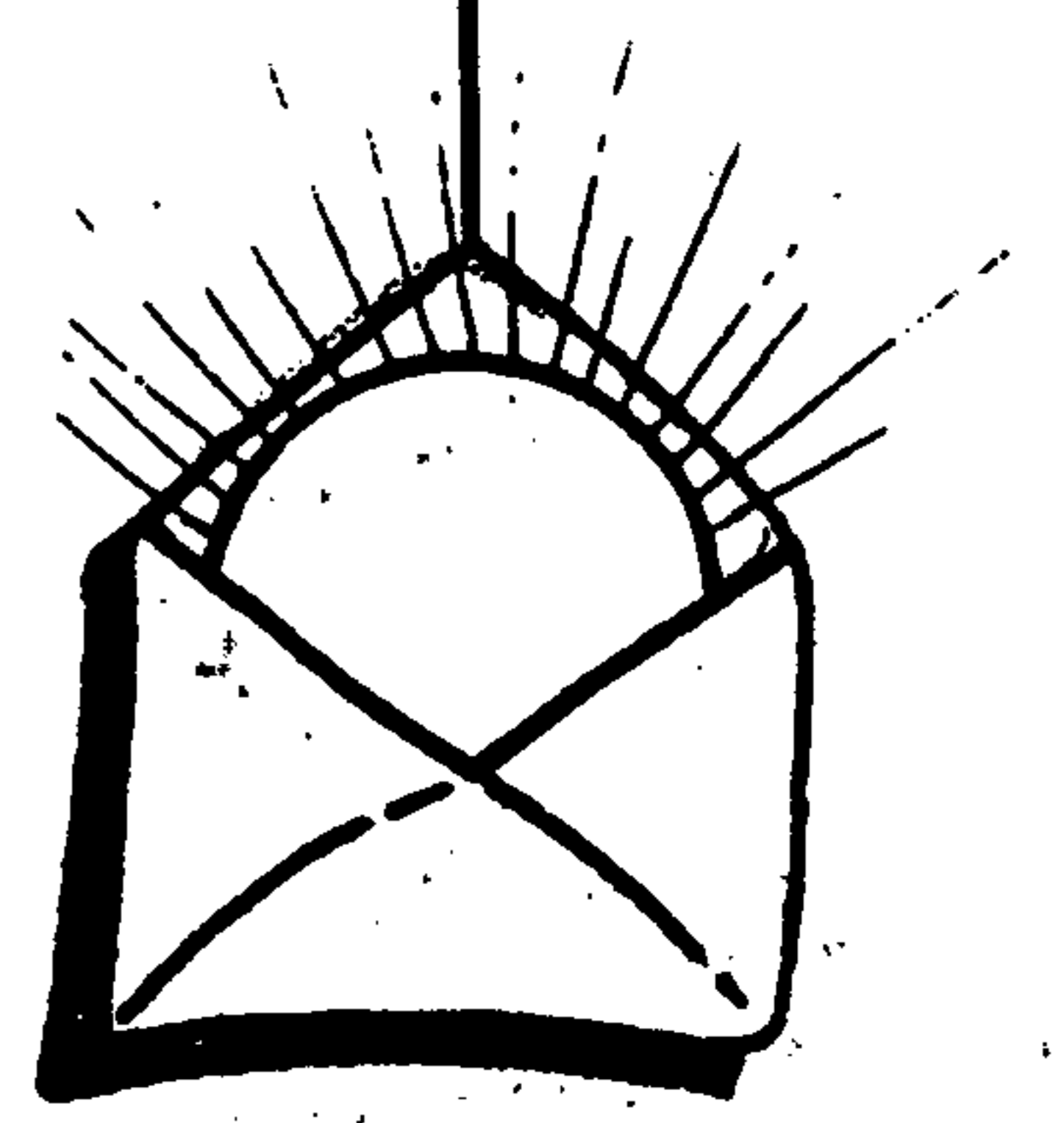
همان گونه که پیش‌تر گفته شد، کلید واژه اساسی بحث‌ها و نظریات غالب در جهان معاصر، «جهانی شدن» است. «جهانی شدن» به این معناست که تحوّل در جهان جریان دارد و نشانگر فرآیندی است که در آن اقتصاد، فرهنگ، سیاست و کارگزاران این امور، جهانی می‌شوند و در عرصه جهانی ظهور و بروز می‌یابند. «جهانی شدن» نشانگر یک تحوّل اجتماعی گسترده و فرآیندی است که بنیاد جامعه را تغییر داده، یک تحوّل تاریخی به وجود می‌آورد.

### ۱- پیدایش «جهانی شدن»

اصطلاح «جهانی شدن» در گذشته به عنوان یک اصطلاح جدی و جاافتاده علمی، کمتر مورد توجه و کاربرد بود و به طور عمده از اواسط دهه ۱۹۸۰ به عنوان یک اصطلاح علمی، مورد استفاده قرار گرفت. به نظر رابرتسون مفاهیم جهانی شدن، بیشتر پس از انتشار کتاب مارشال مک لوهان تحت عنوان «اکتشافاتی در ارتباطات» در سال ۱۹۶۰ مورد توجه واقع شد (نظریه دهکده جهانی). جهانی شدن در حقیقت یکی از مراحل پیدایش و گسترش تجدد و سرمایه داری جهانی است که سابقه آن، به قرن پانزدهم باز می‌گردد.

«پل سوئیزی» درباره جهانی شدن و روند تدریجی آن می‌نویسد: «جهانی شدن، یک وضعیت یا یک پدیده (نو ظهور) نیست؛ بلکه یک روند است که برای مدتی بسیار طولانی، جریان داشته است. در واقع از زمانی که سرمایه داری، به عنوان یک شکل قابل دوام جامعه انسانی، پایه جهان گذاشت؛ یعنی، از چهار یا پنج سده پیش تا کنون، جهانی شدن هم جریان داشته است...»<sup>۷</sup>.

«جهان گستری» قدمت طولانی در تاریخ دارد و اشخاص، دولت‌ها و مکاتب بسیاری (چون

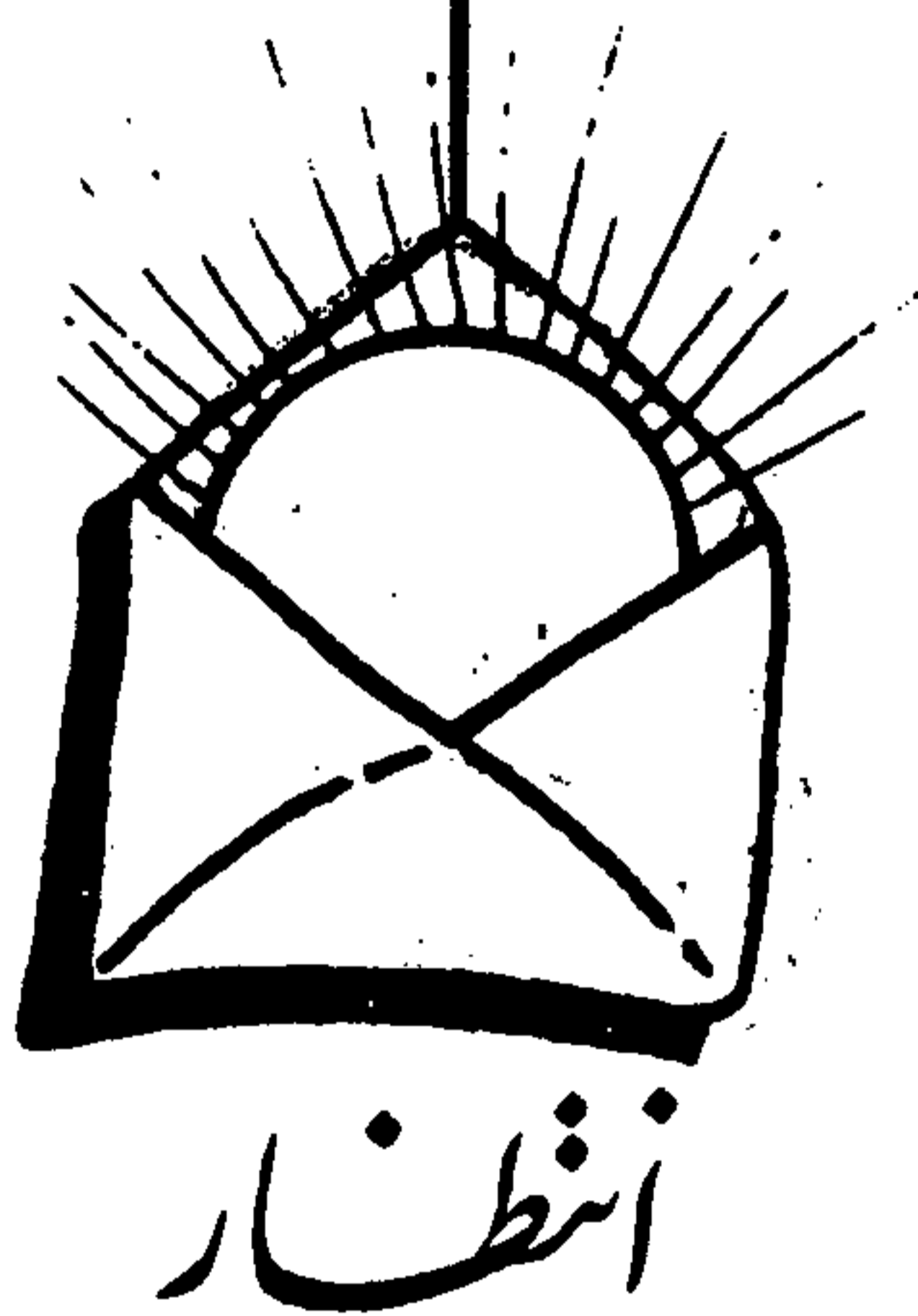


انظر

۱۴۶

کورش، اسکندر، رومیان، مارکسیسم، سرمایه‌داری و...) در صدد جهانی کردن حکومت یا اندیشه خود بودند. ادیان الهی نیز همواره ادعای جهان شمولی داشتند و خود را محدود به یک زمان و مکان خاصی نمی‌کردند. این پدیده به طور نامنظم از طریق توسعه امپراتوری‌های مختلف قدیمی، غارت و تاراج، تجارت دریایی و نیز گسترش آرمان‌های مذهبی، تحول یافته است. توسعه خطی «جهانی شدن» - که ما امروز شاهد آن هستیم - در قرون پانزده و شانزده؛ یعنی، آغاز «عصر جدید» شروع شد.

«جهانی شدن» - یا یک مفهوم بسیار شبیه به آن - ابتدا در توسعه «علوم اجتماعی» نمایان شد. سن سیمون دریافت که: «صنعتی شدن»، عامل پیشبرد «رفتارهای مشابه» در درون فرهنگ‌های متنوع اروپایی بوده است. استدلال وی این است که تسریع چنین فرآیندی، مستلزم نوعی انترناسیونالیسم جهانی، مبتنی بر «انسانیت» است. دورکیم و ویر نیز این مباحث را از زمینه‌های اجتماعی آن پی گرفتند. مارکس، به صورتی بسیار صریح و روشن، به تئوری جهانی‌کننده «نوگرایی» معتقد بود (بازار جهانی و...). اما به نظر مالکوم واترز ریشه‌های اصلی نظریه جهانی شدن نه از آثار جامعه‌شناسان؛ بلکه از نظریات عده‌ای از نظریه پردازان بازار نیروی کار در کالیفرنیا سرچشمه گرفته است؛ دانشمندانی نظیر کر، دانلپ، هاربی سان و می‌یرز، نظریه «ادغام بین جوامع» را مطرح می‌کنند که دارای دو جنبه است: ۱. جوامع صنعتی در مقایسه با جوامع غیر صنعتی، به یک دیگر شبیه‌تر اند؛ ۲. فرایند صنعتی شدن، گرچه در جوامع مختلف، متفاوت است؛ اما این جوامع در گذر زمان، به طور فزاینده‌ای، به هم شبیه خواهند شد. نیروی محرکه این جوامع، همان «منطق نظام صنعتی» است. آنان به این نتیجه رسیدند که: «جامعه صنعتی، یک جامعه جهانی است»؛ زیرا علم و تکنولوژی - که بنیان اصلی این جوامع را تشکیل می‌دهند - خود یک زبان مشترک جهانی دارند.<sup>۸</sup> بر این اساس تکنولوژی‌های تولید کالا، شباهت‌هایی میان جوامع ایجاد می‌کنند و لذا خصلت «اقتصادی» به «جهانی شدن» می‌دهند؛ چنان که برخی از نویسندگان به این نتیجه رسیدند که: «دنیا به دوره تمدن جهانی وارد می‌شود». این تغییر و تحولات تا کنون ادامه دارد و جهان را در سیطره خود گرفته است. «جهانی شدن» با این که در ابتدا از اقتصاد شروع شد و مهم‌ترین مشخصه آن نیز اقتصادی بود و باراکلو استدلال می‌کند که این تحول را باید اقتصادی دانست؛ نه سیاسی و یا فرهنگی؛ اما بعدها به سمت فرهنگ و سیاست نیز کشیده شد و منظر و چشم اندازهای مختلفی را در این زمینه ایجاد کرد. از نظر رابرتسون - پرنفوذترین نظریه پرداز در زمینه جهانی شدن فرهنگی - در روند



انظر

۱۴۷

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

تحوّل و تکامل پیدایش نظام جهانگیر، چند مرحله (جنینی، آغاز، خیز، تعارض و عدم قطعیت) وجود دارد. وی دربارهٔ مرحله «خیز» می‌نویسد: «در این مرحله (از ۱۸۷۰ تا ۱۹۲۵) مفهوم جامعهٔ ملی، به درستی جامی افتد و مفاهیم جهانی و جهانگیر، مطرح می‌شود... تحولات این دوره عبارت است از: پذیرش جوامع غیراروپایی در جامعهٔ بین‌الملل؛ پردازش و تنظیم اندیشه‌های بشریت (رسمیت یافتن مفهوم بشریت)؛ افزایش شکل‌های جهانی ارتباطات، ظهور جنبش‌های دینی گسترده؛ رقابت‌های جهانی (نوبل، المپیک و...); پذیرش جهانی تقویم واحد؛ ازدیاد شکل‌های ارتباطات جهانی؛ پیدایش نخستین رمان‌های جهانی، ایجاد جامعهٔ ملل؛ جهانی شدن محدودیت‌های مهاجرت و...»<sup>۹</sup>.

## ۲. تعاریف «جهانی شدن»

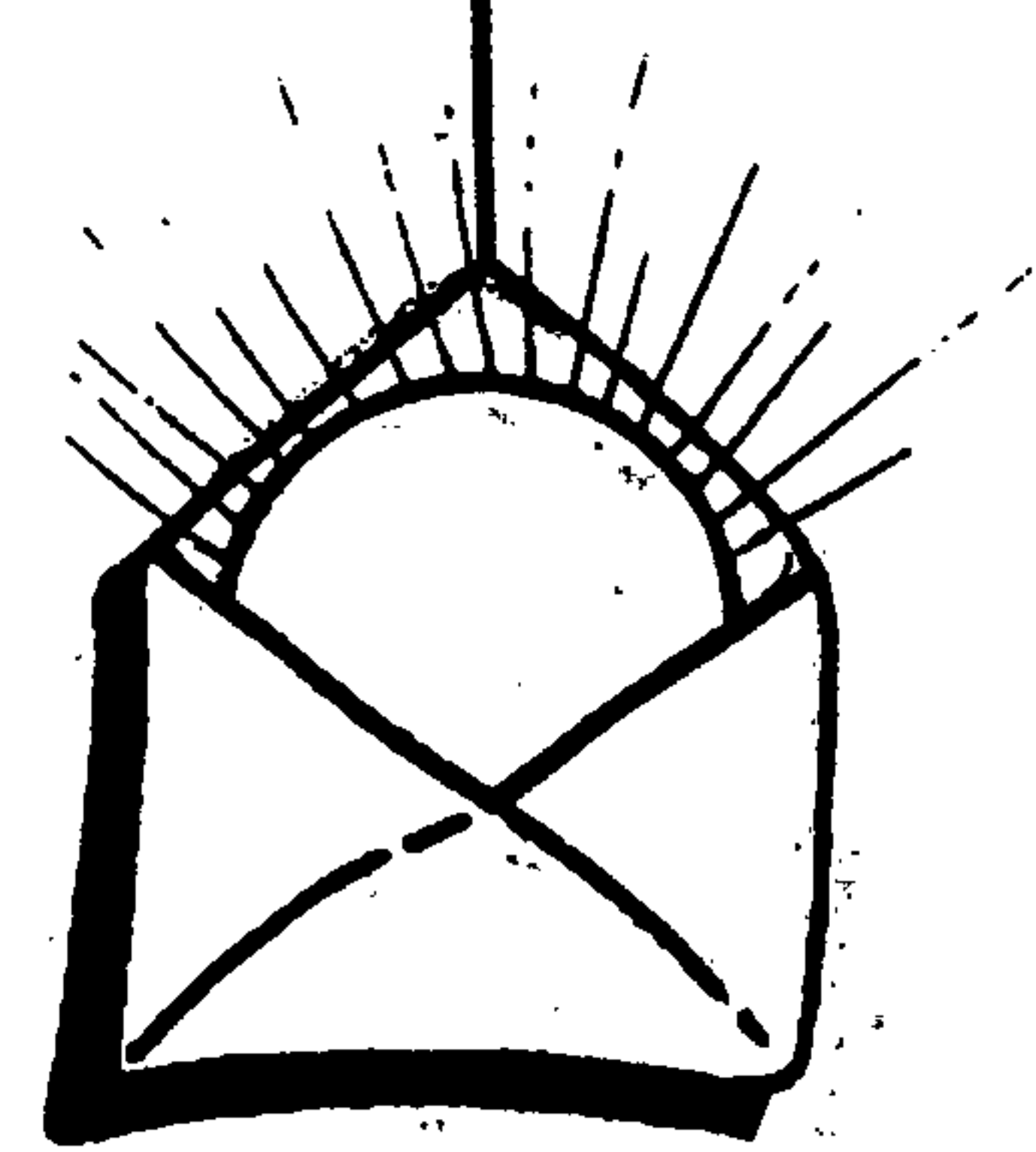
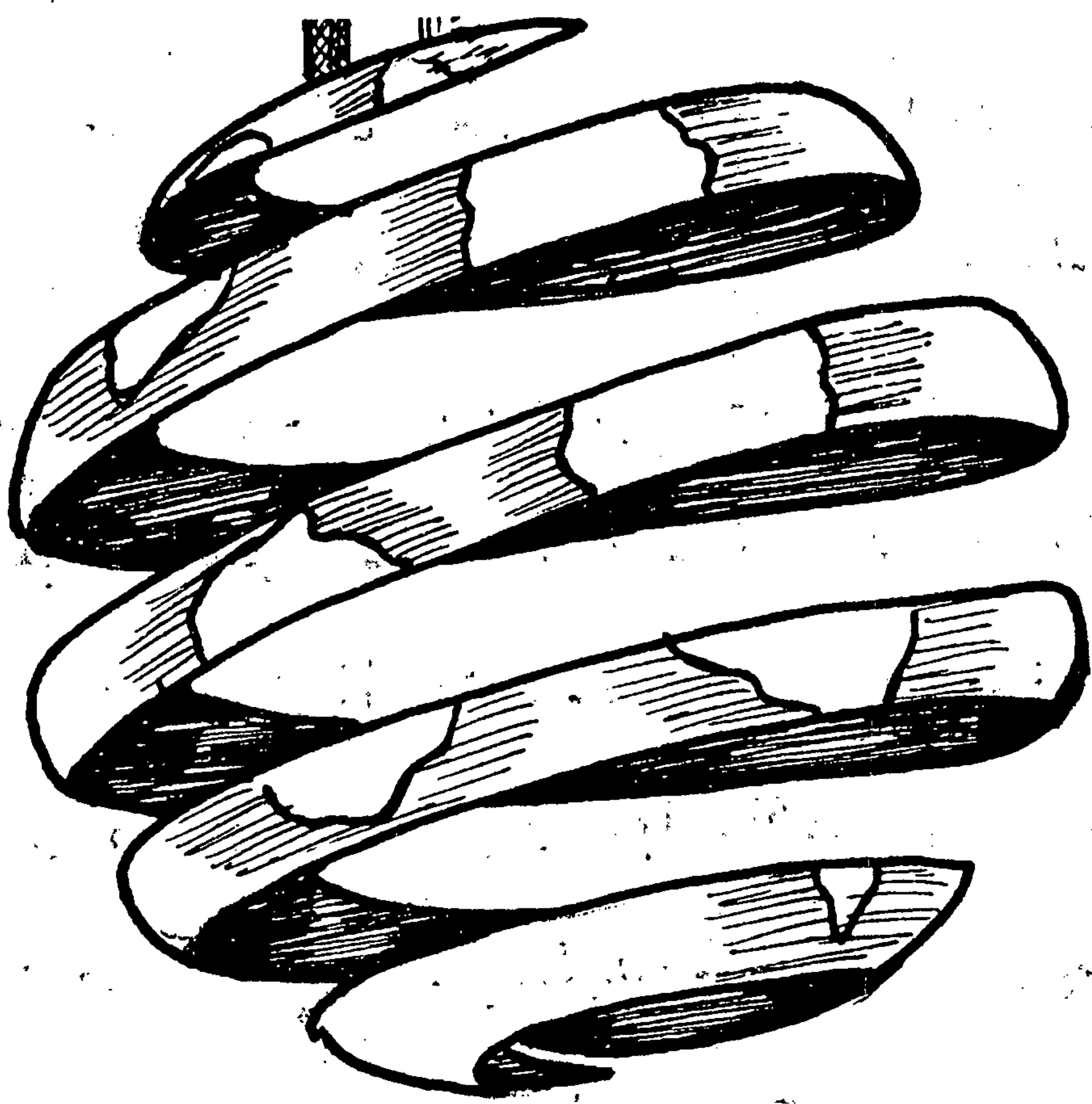
۱. جیمز. ان، روزه نادر تعریف «جهانی شدن» می‌نویسد: «روندی نو که فعالیت‌ها و امور مهم را از خاستگاه‌های ملی قدرت، به عنوان پایه‌های دیرینهٔ حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، فراتر می‌برد».<sup>۱۰</sup>

چنانچه فرض شود ویژگی عمدهٔ این بعد از تغییرات، دگرگونی در عادت‌ها و هنجارها است؛ عبارت «جهانی شدن» را می‌توان به «آن چیزی» اطلاق کرد که دل مشغولی نوع بشر در مورد محدودیت‌های سرزمینی و ترتیبات سنتی نظام دولت کشورها را دگرگون می‌سازد.

۲. گیدنز در رسالهٔ «پیامدهای مدرنیته» مفهوم «جهانی شدن» را وارد نظریه اجتماعی اش

می‌کند و آن را «تقویت مناسبات اجتماعی جهانی که محل‌های دور از هم را چنان به هم ربط می‌دهد که هر واقعهٔ محلی، تحت تأثیر رویدادی که با آن فرسنگ‌ها فاصله دارد، شکل می‌گیرد و بر عکس» تعریف می‌کند.<sup>۱۱</sup>

از نظر وی «این پدیده، مجموعه‌ای از انتقال در حوزهٔ زندگی، عواطف و روابط انسان‌ها با یکدیگر



انظر

۱۴۸



است... موضوع جهانی شدن، روابط عاطفی افراد و زندگی شخصی آنها و روابط محلی و منطقه‌ای است که به سراسر جهان کشیده است؛ نه صرفاً یک مسأله اقتصادی».<sup>۱۲</sup>

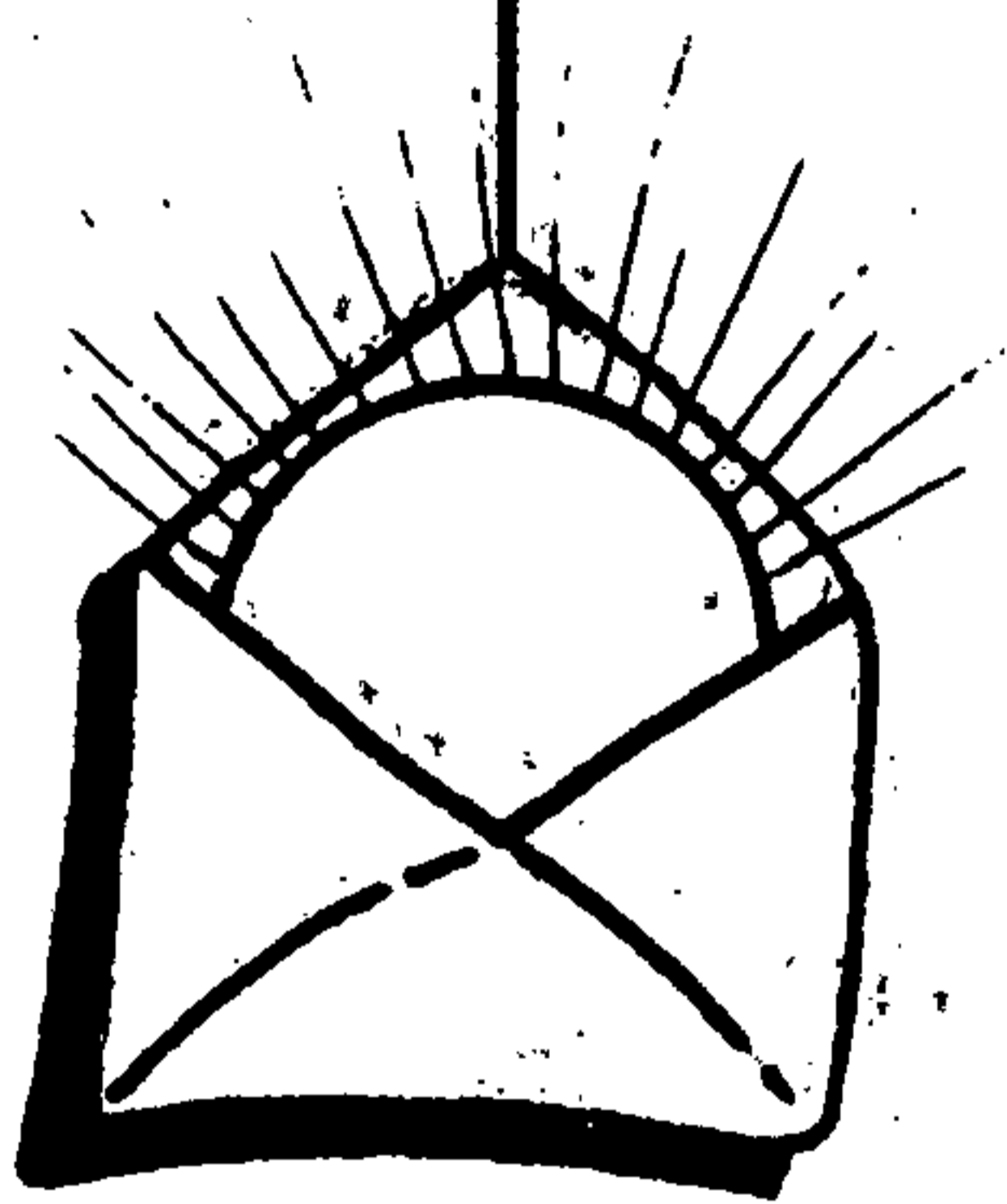
۳. به گفته اپادورایی: «جهان‌گرایی در بهترین وجه، به عنوان مجموعه‌ای از جریان‌های اطلاعات، تصاویر، مسائل مالی، مردم و فن آوری‌هایی شناخته می‌شود که ممکن است به طور فرضی، اقدامات ساختارهای قدرت از قبیل دولت - ملت‌ها را متوقف کند یا تسهیل بخشد».<sup>۱۳</sup>

۴. به گفته هال و رابینز، جهانی شدن، صرفاً به منزلهٔ تحمیل یک نظم جهانی واحد، یا کارکرد فرهنگی (مثل غرب‌گرایی) نیست؛ بلکه فرایندی است که موقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی تازه به وجود می‌آورد. به گفته «فیدرستون»، این جامعیت وحدت‌آفرینی است که در آن تنوع هم می‌تواند وجود داشته باشد».<sup>۱۴</sup>

۵. در یک تعریف دیگر آمده است: «جهانی شدن، تشدید روابط اجتماعی در سرتاسر جهان که مکان‌های دور از هم را چنان به هم مرتبط می‌سازد که اتفاقات هر محل، زادهٔ حوادثی است که کیلومترها، دورتر به وقوع می‌پیوندد و برعکس».<sup>۱۵</sup>

این تعاریف عمدتاً ناظر بر روند و پروسهٔ «جهانی شدن» است و تقریباً نگاهی مثبت به آن تلقی می‌شود. البته همهٔ نظریه پردازان و نویسندگان، یکسان نمی‌اندیشند و هر کدام از زاویهٔ خاصی به موضوع «جهانی شدن» می‌نگرند. هم‌اکنون در مورد این مفهوم، اتفاق نظر چندانی وجود ندارد و تعابیر و برداشت‌های متفاوتی از آن ارائه می‌شود؛ لذا برخی از صاحب‌نظران مدعی‌اند که اصطلاح جهانی شدن، «اصطلاحی مبهم و ناشفاف» است. علت این امر، می‌تواند به جهت عدم تفکیک صحیح میان پروسهٔ «جهانی شدن» با پروژهٔ «جهانی کردن» باشد.

در این راستا، عبارات و مفاهیم «جهانی‌گرایی، جهانی بودن، جهان‌گستری، جهانی‌سازی، دهکدهٔ جهانی، نظم نوین جهانی، جهان واحد، جهان رها شده، جهان شمولی، اتحاد بزرگ، سامان جهانی، جهان وطنی، همگرایی فرهنگی جهانی، نجات کرهٔ زمین، جهانی کردن، صحنهٔ جهانی و...» مطرح شده است. نویسندگان و اندیشمندانی چون آلوین تافلر (موج سوم)؛ فرانسیس فوکویاما (پایان تاریخ)، ساموئل هانتینگتون (برخورد تمدن‌ها)؛ آلدوس هاکسلی (دنیای شگفت‌انگیز نو)؛ جرج اورول (حکومت واحد جهانی)؛ امانوئل والرستین (تأثیر فرهنگ در نظام جهانی) و... از نظریه‌پردازان مهم در عرصهٔ «جهانی شدن» و «جهانی‌سازی» هستند که ذکر نظرات آنان در این نوشتار نمی‌گنجد.



انظر

۱۴۹

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

در هر حال می توان تعریف زیر را - بدون توجه به پروسه های جهانی کردن و جهانی سازی - از «جهانی شدن» ارائه داد: «جهانی شدن، فرآیندی است که تمامی عرصه های فرهنگ، سیاست، اقتصاد و اجتماع را در هم می نوردد و جوامع انسانی را از جنبه های مختلف به یکدیگر نزدیک و مرتبط و مؤثر بر هم می سازد و مرزها و موانع اعتباری گذشته را از میان بر می دارد».

### ۳. ماهیت و مبانی «جهانی شدن»

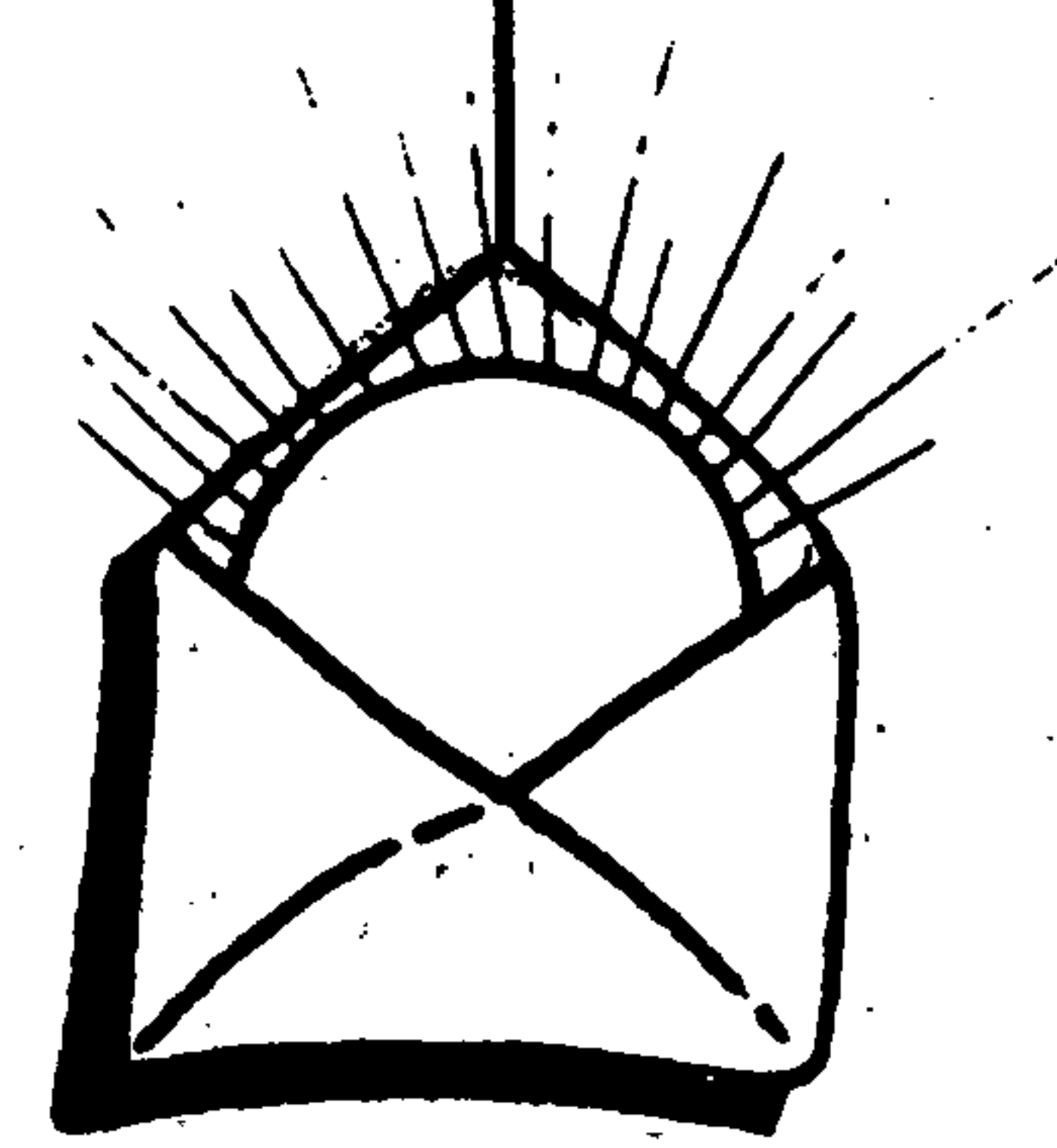
برای تبیین مفهوم و ماهیت جهانی شدن، ناچاریم به طور دقیق آن را بررسی کنیم و تقسیم بندی نوینی از آن ارائه دهیم. به نظر می رسد در این رابطه با سه وجه مهم، اساسی و گاهی متمایز از هم، روبه رو هستیم که به اشتباه یا تسامح، به هر سه عنوان «جهانی شدن» اطلاق می گردد:

۱. روند و پروسه جهانی شدن (فرآیندی طبیعی و تدریجی)؛ (Globalization)

۲. پروژه و برنامه جهانی کردن (غربی سازی)؛ (Westernization)

۳. پروژه جهانی سازی (آمریکایی سازی)؛ (Americanization=globalism)

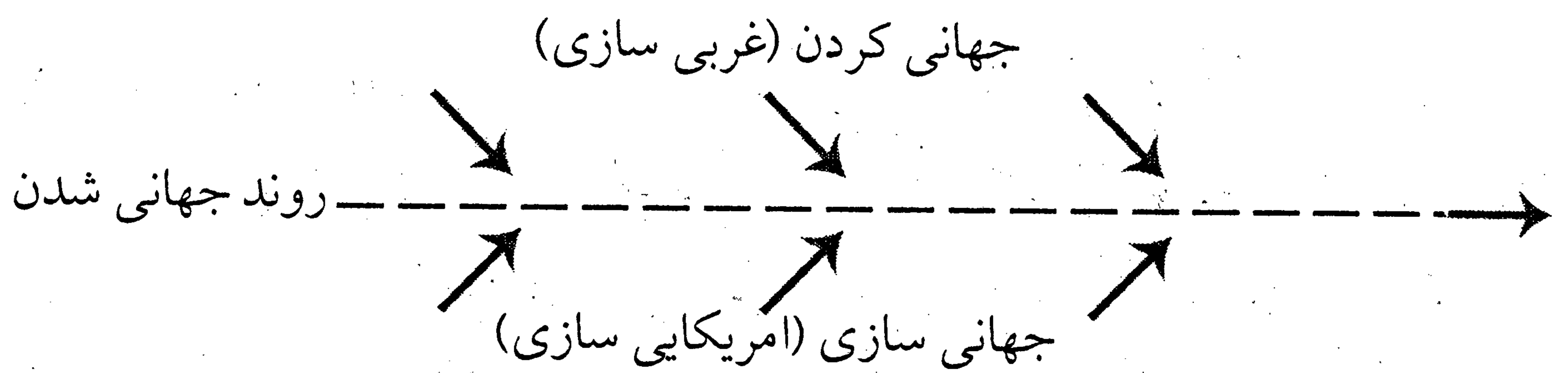
«جهانی شدن»، یک روند و حرکت تدریجی، طبیعی و تکاملی را طی کرده و در عصر جدید، به مراحل بالایی از بالندگی و شکوفایی علمی، اقتصادی و تکنولوژیکی دست یافته است. به عبارت دیگر روند «جهانی شدن»، دستاورد مهم تمدن، علم و فن آوری بشر است و تا حدودی ذاتی و لازمه زندگی بشر و امری فطری است که باعث نزدیکی انسان ها به یکدیگر و استفاده بیشتر از مواهب جهان است (هر چند ممکن است کارگزاران و عوامل مختلفی داشته باشد). جهانی شدن به معنای «عالمی شدن» است؛ یعنی، کسانی که در کره زمین زندگی می کنند، به همه ابزار و وسایل رفاه، پیشرفت، آسایش، امنیت و... دسترسی داشته باشند. اما همین روند طبیعی، در حرکت روبه رشد و تکاملی خود، شاهد دست اندازی و دخل و تصرف قدرت های اقتصادی و سیاسی بزرگ، بوده و در بعضی موارد، در خدمت منافع و آمال آنها قرار گرفته است (جهانی کردن). به عبارت روشن تر، قدرت های پیشرفته غربی و صاحبان شرکت های بزرگ اقتصادی و تجاری و... این روند را در خدمت منافع خود گرفته اند و به نوعی خود را بر این فرآیند طبیعی، تحمیل کرده و حتی در مسیر حرکت آن، انحراف ایجاد کرده اند.



انظر

۱۵۰

سال دوم / شماره ششم / زمستان ۸۱

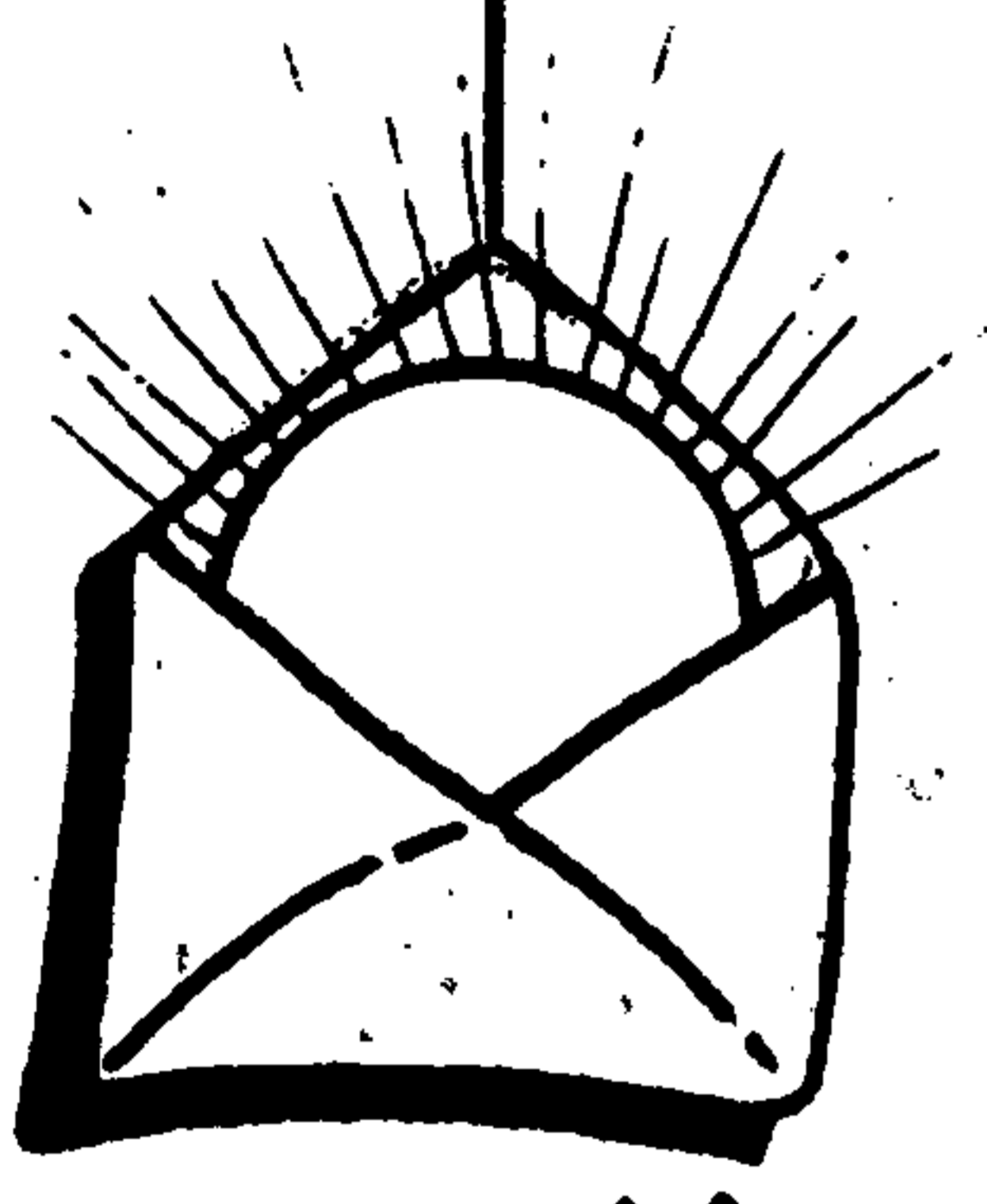


پروژه «جهانی سازی» نیز دقیقاً همان آمریکایی سازی و تحت سلطه قرار دادن کل جهان، از سوی ایالات متحده امریکا است و امری کاملاً متمایز با روند «جهانی شدن» است. البته به علت در هم تنیدگی این سه چشم انداز، مجبوریم در این نوشتار، هر سه را در کنار هم مورد توجه قرار دهیم.

«جهانی شدن» بر ایجاد جهانی با ارزش های مشترک و احترام به مبانی فرهنگی دیگران و «جهانی سازی» و «جهانی کردن» بر ساخت جهانی با ارزش ها و هنجارهای مشترک و خالی از هر گونه تفاوت و تمایز در همه عرصه ها تأکید می کنند. «جهانی کردن» در صدد تسلط اقتصادی و فرهنگی بر کل جهان و بهره برداری از آن به نفع نظام سرمایه داری غربی است. «جهانی شدن»، فرایندی است گریزناپذیر که شکل تکامل یافته پیشرفت های بشری در حوزه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. اما «جهانی سازی»، فرایندی است که مشخصاً در راستای تأمین منافع و نیز مسلط کردن ارزش های مورد نظر قدرت برتر در عرصه جهانی، بر سایر دولت ها و ملت ها است. گروهی از اندیشمندان بر این مسأله تأکید دارند که فرایند «جهانی شدن» یک واقعیت است و پروژه «جهانی کردن» و «جهانی سازی»، حاکی از ایدئولوژی و راهبرد برخورد با فرایند «جهانی شدن» است.<sup>۱۶</sup>

بر این اساس ماهیت و مبانی سه منظر و چشم انداز یاد شده، عبارت است از:

۱. فرایند «جهانی شدن»؛ درباره چینیستی و ماهیت جهانی شدن توضیحاتی چند داده شد؛ اما درباره مبانی آن گفتنی است که همواره و در طول تاریخ، ایده ها و آرمان های بشری، در صدد رسیدن به «جامعه جهانی» و اتحاد - نه یکپارچگی - بوده و بیشتر ناشی از احتیاجات و نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بشر بوده است؛ یعنی، احساس می کرده که با نزدیکی و ارتباط جوامع جهانی با یکدیگر، بهتر می تواند خواسته ها و نیازهای معنوی و مادی خود را تأمین کند. مبنای دیگر آن را نیز می توان در «فطرت» و «گوهر» انسان ها دانست. آنان فطرتاً تمایل به نزدیکی، اتحاد، شناخت یکدیگر، برقراری ارتباطات فکری و فرهنگی و دوستی با هم دارند. قرآن می فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل



انتظار

۱۵۱

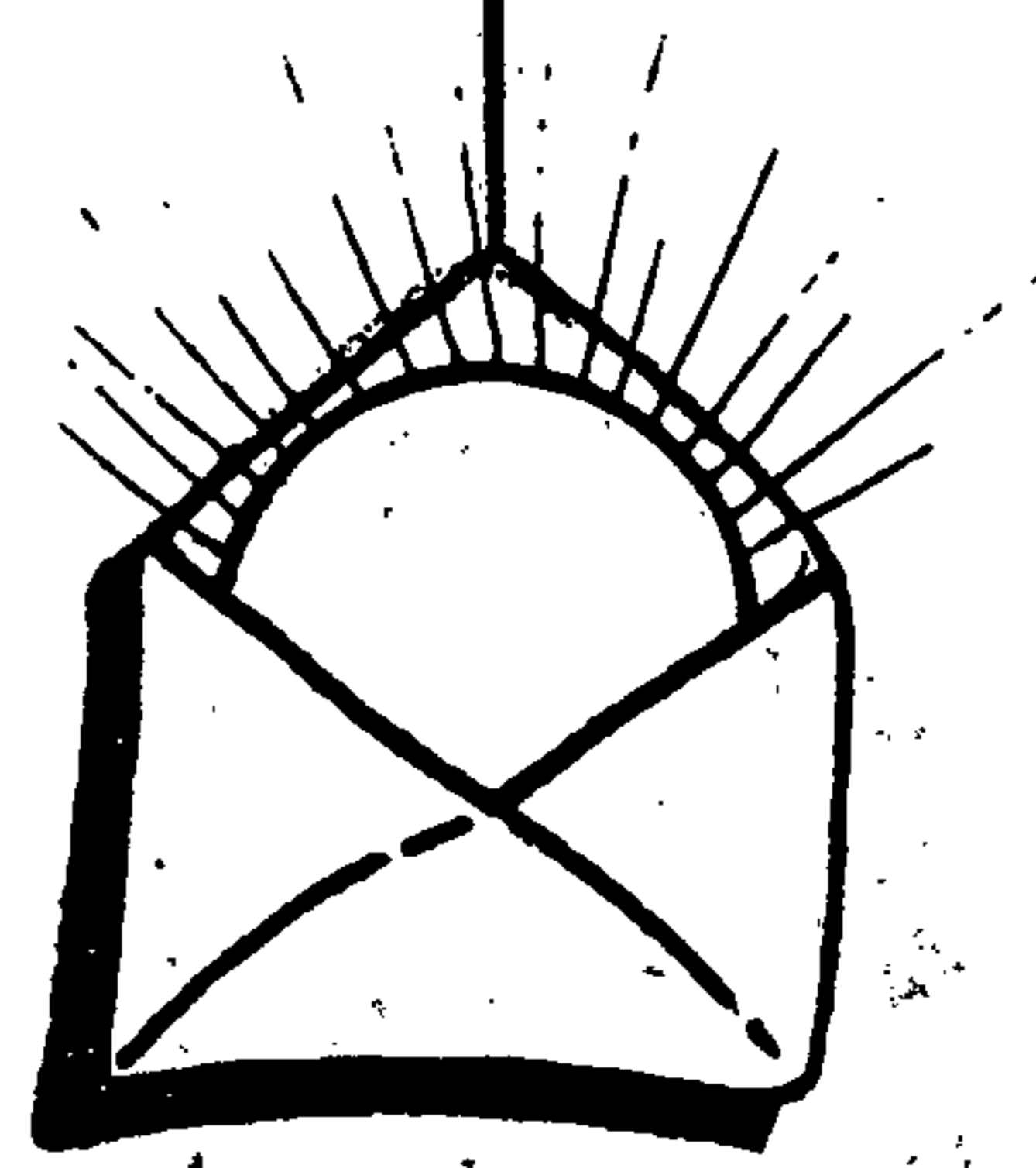
سال دوم / شماره ۱ ششم / زمستان ۸۱

لتعارفوا»<sup>۱۷</sup> اما متأسفانه این تمام قضایای جهانی شدن نیست؛ زیرا این روند، پیوندهایی با سرمایه داری جهانی برقرار کرده و از این جنبه دچار کاستی‌ها و کژتابی‌هایی شده است.

۲. پروژه «جهانی کردن»؛ گفتنی است که این پروژه عمدتاً اقتصادی و فرهنگی است؛ هر چند در گذشته بیشتر جنبه اقتصادی و نظامی داشت و مبنای اصلی آن در سرمایه داری؛ یعنی، سود و منفعت بیشتر نهفته است. در مقدمه کتاب «دام جهانی شدن» آمده است: «جهانی شدن، بدون تردید بارزترین وجه تمایز اقتصاد دیروز و امروز است. گسترش روزافزون سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی و اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای (نظیر آسه آن، نفتا و اکو)، ادغام بازارهای مالی، اتحاد پولی کشورهای اروپایی، ادغام بانک‌های بزرگ جهان و تأسیس سازمان تجارت جهانی و در پی آن آزادسازی تبادل کالا و نقل و انتقال سرمایه بین کشورها و ادغام شرکت‌های تولیدی بزرگ، همه از مظاهر «جهانی کردن» اقتصاد است.

البته جهانی شدن، پدیده‌ای صرفاً اقتصادی نیست؛ اما اقتصاد با اهمیت‌ترین بعد آن است؛ زیرا در نظام سرمایه داری - که سودای رهبری جهان کنونی را در سر دارد - سیاست و فرهنگ، تا حد بسیاری، تحت تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی قرار دارد.<sup>۱۸</sup> پس جهانی کردن اقتصاد، به دنبال تحول عمیق سرمایه داری و حاکمیت نظام سلطه و مبادله نامتوازن صورت می‌پذیرد. این پروژه، اوج پیروزی سرمایه داری جهانی و حاکم شدن رقابت بی‌قید و شرط در سراسر گیتی است.

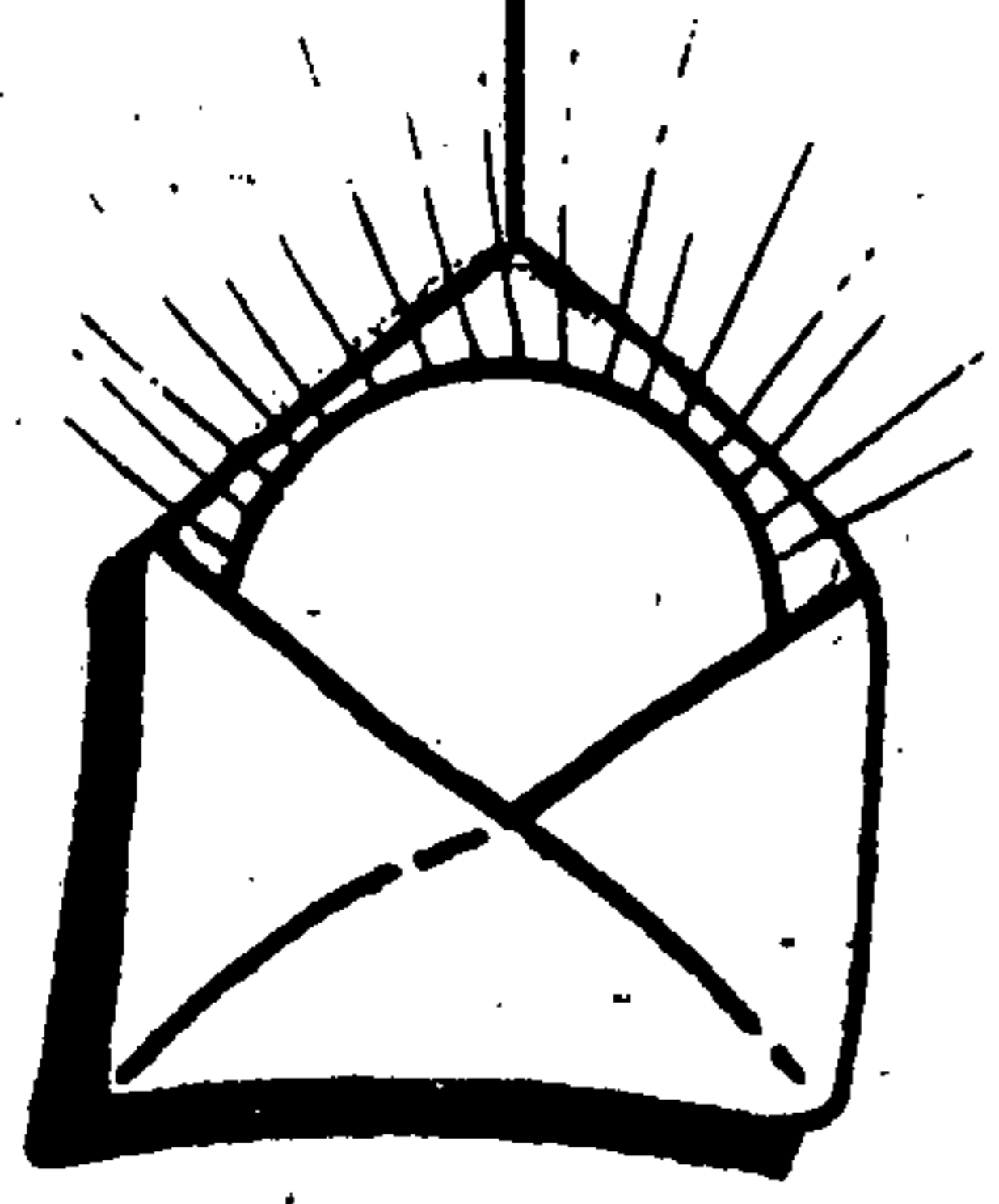
۳. جهانی سازی؛ جهانی سازی، جنبه نظامی، سیاسی و حتی اقتصادی پروژه‌ای است که ناشی از سیاست‌ها و استراتژی‌های کلان ایالات متحده آمریکا است. به عبارت دیگر «جهانی سازی» همان «امریکایی سازی» است و در واقع تحمیل الگوهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آمریکا، بر سایر کشورها است؛ همان چیزی که از آن به «نظم نوین جهانی»، «نظام تک قطبی» و «امپراتوری جهانی آمریکا» تعبیر می‌شود و عمدتاً بعد از فروپاشی شوروی، مطرح شده است. ژانگ مین گیان می‌گوید: «دولت آمریکا به مثابه تنها ابرقدرت و کشوری که تأثیری چشمگیر در تحولات بین‌المللی دارد، به جای تلاش برای «جهانی شدن» متکی بر برابری و احترام متقابل؛ بر آن است که «جهانی شدن» را به «امریکایی شدن» تبدیل کند. هدف آمریکا از این تلاش، مشابه هدف سنتی آمریکا در لیبرالیزه کردن اقتصاد و دموکراتیزه کردن سیاست جهانی است که همان تعمیم دادن نظام سیاسی و ارزش‌های امریکایی، در سراسر جهان است. در پدیده «جهانی شدن» هیچ نکته تازه‌ای جز تأکید آمریکا بر تحقق اهداف خود، در شرایط



بسیار مساعدی که جهانی شدن پدید آورده است، به چشم نمی خورد».<sup>۱۹</sup>

با توجه به دو منظر یاد شده و ارتباط مستقیم آنها با «سرمایه داری»، اساس پروژه های «جهانی کردن» و «جهانی سازی» را باید در سود بیشتر، رفاه، مادی گرایی، خروج از بحران و... جست و جو کرد. به عبارت دیگر مبنای اصلی این دو برنامه، «سرمایه داری» است که اساس آن هم در «سود بیشتر و منفعت فزون تر» نهفته است. به نظر دنیس رانگ: «سرمایه داری مجموعه ای است پیچیده از ویژگی هایی که به یکدیگر وابسته اند. مهم ترین این ویژگی ها، تعیین قیمت از سوی بازارهای آزاد و تولید کالا با هدف «کسب سود» است و ابزار حفظ آن نیز در روابط میان سرمایه خصوصی و طبقه ای از کارگران مزد بگیر است که آزاد اما فاقد مالکیت هستند».<sup>۲۰</sup>

مبنای دیگر این دو پروژه، ریشه در افکار و آرای سیاسی غرب در رابطه با انسان و جهان دارد. بر این اساس، لیبرالیسم، اومانیسم، سکولاریسم، ماتریالیسم و... می توانند مبانی سیاسی و فرهنگی این دو را تشکیل دهند. از آنجا که غربی ها نسبت به انسان، دیدی مادی، دنیوی و خود محورانه دارند؛ سعی می کنند که برنامه ها و راهبردهای خود را نیز به این سمت بکشانند و همه چیز را در اختیار و خدمت خود در آورند؛ هر چند در اتخاذ خط مشی ها، راهبردها و تاکتیک ها، مواضع و رفتارهای جداگانه و متفاوتی دارند.



انظار

۱۵۳

سال دوم / شماره ششم / زمستان ۸۱



#### ۴- رهیافت ها، داعیه داران و اهداف

با توجه به بحث های نظری و اقدامات عملی در - در هر سه چشم انداز یاد شده - می توان جریان ها و داعیه داران «جهان گرایی» و اهداف آنها را در سه محور و رهیافت اساسی زیر دسته بندی کرد:

۱. رهیافت اقتصادی؛ ۲. رهیافت فرهنگی؛ ۳. رهیافت سیاسی.

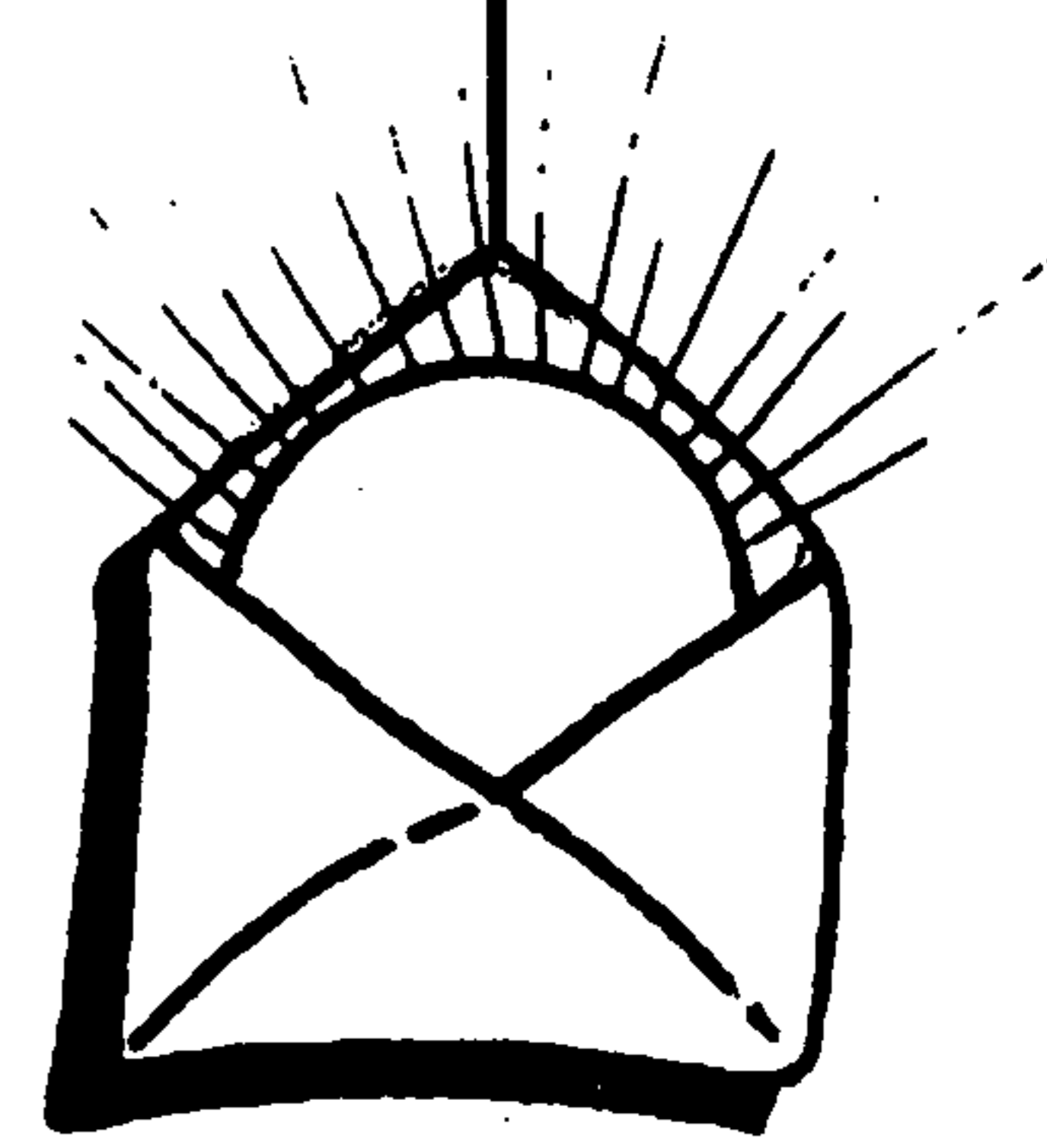
## ۱. رهیافت اقتصادی

مهم‌ترین و تاریخی‌ترین بعد جهانی شدن، «اقتصاد» است. در این جا جهانی شدن تولید، توزیع، نیروی کار، تکنولوژی و صنعت، سرمایه و پول، سود و بهره‌زیاد و... در چهارچوب تقسیم کار بین المللی مد نظر است.

در این رهیافت، مکاتب، سازمان‌ها و قدرت‌های زیرنقش اساسی دارند:

- نظام سرمایه داری، با به کارگرفتن عوامل تولید و توزیع کالاها، خدمات، امکانات، تکنیک‌های ارتباطی و اطلاعاتی برای هر چه گسترده‌تر کردن حوزه‌های فعالیت اقتصادی و فراگیر ساختن آن در سراسر کره زمین. بر این اساس کشورهای صنعتی بزرگ (به خصوص هفت کشور صنعتی دنیا)، فعالیت‌های گسترده‌ای را در رابطه با جهانی شدن صنعت و سرمایه برای رسیدن به سود بیشتر و رهایی از بحران نظام سرمایه داری داشته‌اند. (پروژه جهانی کردن) - شرکت‌های چند ملیتی و مؤسسات بزرگ مالی و اعتباری، از کارگزاران مهم پروژه «جهانی کردن» اقتصاد هستند که در زمینه‌های خدمات مالی، اعتباری، توزیع، صادرات و با هدف کسب درآمدهای فراوان و تحت سیطره قرار دادن منابع اقتصادی جهان، فعالیت‌های گسترده‌ای در کل جهان دارند.

- برخی از سازمان‌های بین المللی (صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی و بانک جهانی)، از پیش قراولان اقتصادی «جهانی شدن» می‌باشند و هدف خود را رفع فقر و نابرابری از جهان و تقسیم سود و سرمایه مناسب (!) در همه جای دنیا می‌دانند (البته با اعتقاد به باز بودن عرصه فعالیت آزاد اقتصادی).



انظر

۱۵۴

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

## ۲. رهیافت فرهنگی

بعد مهم دیگر جهانی شدن، «فرهنگ» است. در این بعد، جهانی شدن ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هنجارهای معنوی و دینی، هنجارهای غربی، ترویج و اشاعه فرهنگ‌های برتر و... مطرح است.

- ادیان و مذاهب بزرگ جهانی، عموماً منادی «جهانی شمولی» در عرصه فرهنگ، اخلاق و آیین واحد هستند و در صدد بسط و گسترش فرهنگ توحید، معنویت و دیانت در سراسر جهان می‌باشند و همگان را به یکتاپرستی دعوت می‌کنند.

- رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی (اینترنت،

تلویزیون و ماهواره و...)، قدرت‌های برتر در عرصه «جهانی شدن» اطلاعات و فرهنگ می‌باشند و هدف آنان اشاعه و گسترش فرهنگ، علم، هنر و... و تبلیغ کالاها و تولیدات صنعتی است. این رسانه‌ها، هم می‌توانند در روند «جهانی شدن» به ایفای نقش پردازند و هم خود پروژه «جهانی کردن» و «غربی سازی» را پی‌گیری کنند.

- برخی از نهادها و سازمان‌های زیر نظر سازمان ملل، فعالیت‌های جهانی شمولی دارند؛ یونسکو خواستار برقراری نظم نوین جهانی در ارتباطات بود.  
- هیأت‌های حاکم کشورهای غربی، بحث جهانی شدن را به منظور اشاعه فرهنگ غرب، در سراسر جهان، مطرح می‌کنند (غربی سازی جهان).

### ۳. رهیافت سیاسی

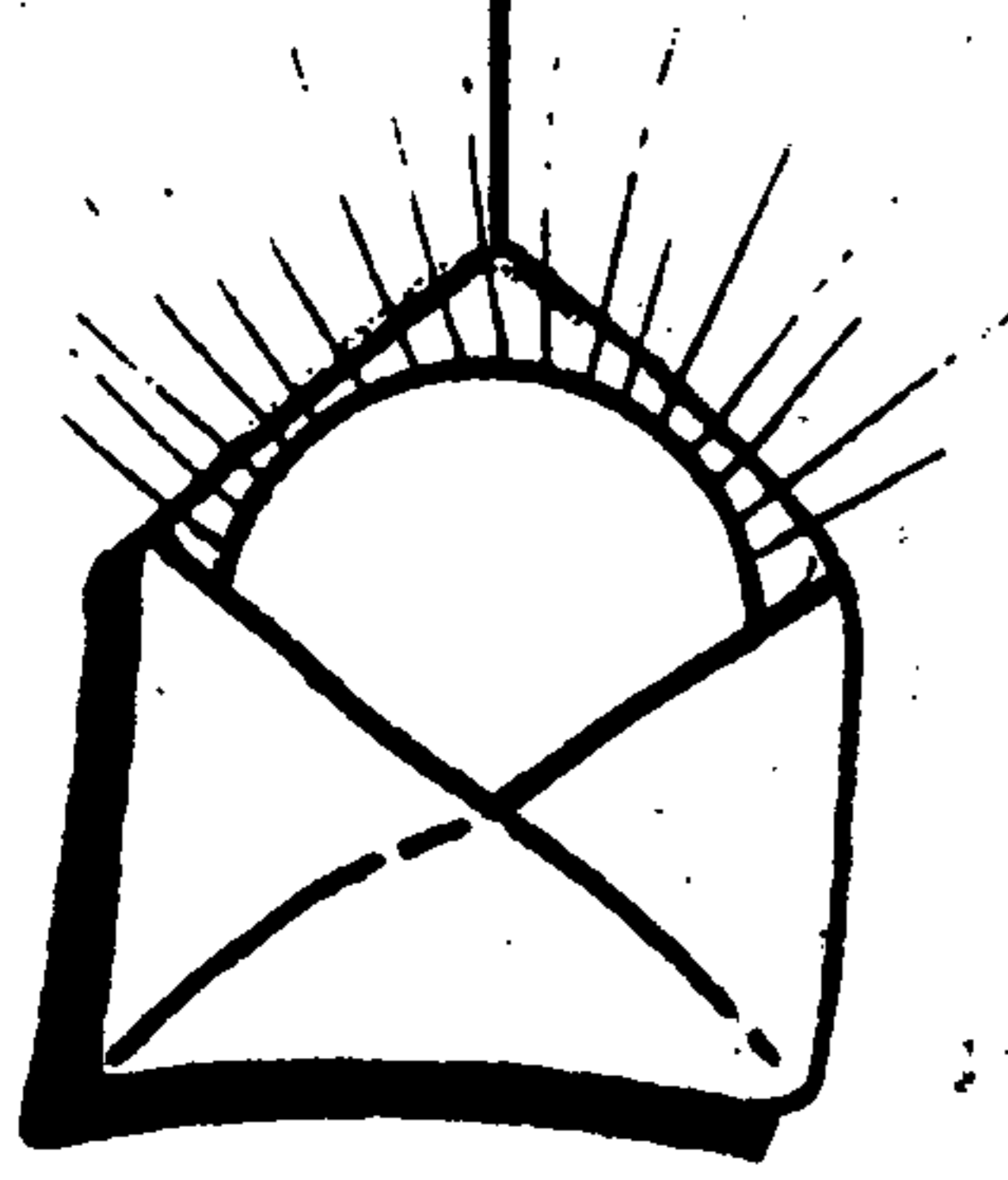
«سیاست»، بعد دیگر و فرعی جهانی شدن است که با استفاده از پیامدها و الزامات جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ، نقشی اساسی در تحولات عصر ایفا می‌کند. تضعیف دولت - ملت‌ها، تضعیف حاکمیت‌های ملی، گسترش دموکراسی، آزادی و حقوق بشر (!) شکل و نوع حکومت‌ها، نقش مؤثر مردم و... از مؤلفه‌های این بعد به شمار می‌رود.

- اسلام، تنها دینی است که ادعای «جهانی شدن» در عرصه سیاست و اجتماع را دارد و شیعیان با ارائه «نظریه مهدویت»، سهم مهمی در این زمینه دارند. هدف اسلام، تشکیل حکومت جهانی و گسترش دین در سراسر کره خاکی است (حکومت جهانی اسلام).

- قدرت‌های بزرگ - به خصوص آمریکا - در صدد تشکیل حکومت جهانی و سلطه بر کل عالم هستند و به سمت هژمونی غرب و تشکیل امپراتوری جهانی پیش می‌روند. آمریکا و متحدان نزدیک اروپایی آن، خود را حافظ آزادی، آزادی اطلاعات، جهان آزاد و دموکراسی جهانی و نظایر آن می‌دانند. اما هدف اصلی آنها تسلط بر جهان و تشکیل حکومت واحد جهانی تحت نظم نوین جهانی است (آمریکایی سازی).

- سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی (سازمان ملل، شورای امنیت و...) از فعالان و برنامه‌ریزان «جهانی شدن» در بعد سیاسی و اجتماعی هستند و اکثر دولت‌های جهانی نیز بایوستن به این سازمان، حضور فعالی در عرصه‌های حقوق بشر، صلح و امنیت جهانی، حفظ محیط زیست و... دارند.

- دانشمندان و نظریه پردازان علوم سیاسی و امور بین‌الملل و برخی از مکاتب سیاسی، از



پیشگامان ارائه بحث‌های «جهانی شدن» هستند که هدف برخی تحقق بخشیدن به آرزوی بشر در «آزادسازی جهان» (جهانی شدن) و هدف گروهی دیگر همراهی با سلطه‌گران و توجیه رفتارهای آنها (آمریکایی سازی) است.

- مارکسیسم و حتی فاشیسم (در شوروی و آلمان)، تا چند دهه اخیر، رؤیای تشکیل نظام فراگیر جهانی را در سر می‌پروراندند.

با توجه به این تقسیم بندی، روشن می‌شود که طیف‌های مختلفی در عرصه «جهانی شدن» فعال هستند و هر یک به نوعی در صدد ارائه راه کارها، برنامه‌ها و خط و مشی دولت‌ها و مردم، نسبت به «جهانی شدن» می‌باشند. برخی از اینها در صدد ایجاد همگونی و یکپارچگی جهان‌اند؛ برخی به سمت استیلا و سلطه بر کل جهان پیش می‌روند؛ بعضی در صدد ارائه راه کاری برای توسعه، پیشرفت و سعادت بشر می‌باشند و عده‌ای نیز بر نزدیکی و اتحاد کشورها و یکسان سازی نظر دارند.

## ۵- ویژگی‌های جهانی شدن

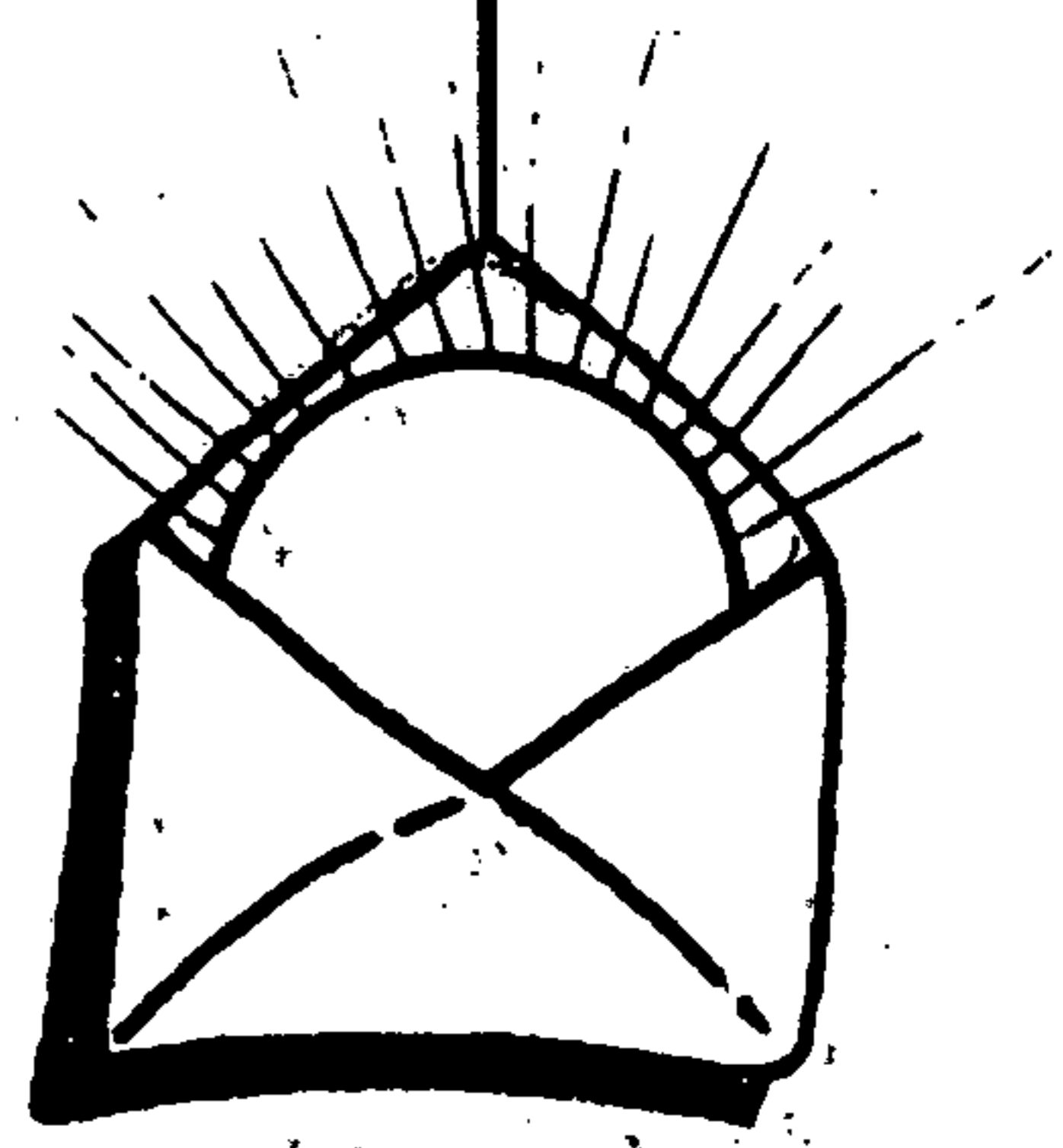
### یک. دور نمایی از «جهانی شدن»

جهانی شدن با اهداف بیشماری چون رفاه بیشتر، تقسیم کار بهتر، رفع فقر و نابرابری و... پایه عرصه بین‌المللی نهاده است. اهم ویژگی‌ها و خصایص مطرح در منابع و مآخذ موجود، برای «جامعه جهانی» - در قالب سه چشم انداز یاد شده - عبارت است از:

#### ۱. دورنمای فرهنگی و اجتماعی:

یوتوپیای جامعه جهانی از قواعد مشترکی تبعیت می‌کند؛ در آن جوامع، فرهنگ‌ها، حکومت‌ها و اقتصادها تا حدودی به هم نزدیک‌تر می‌شوند؛ رویدادهای محلی، تحت تأثیر حوادث جهانی شکل می‌گیرد؛

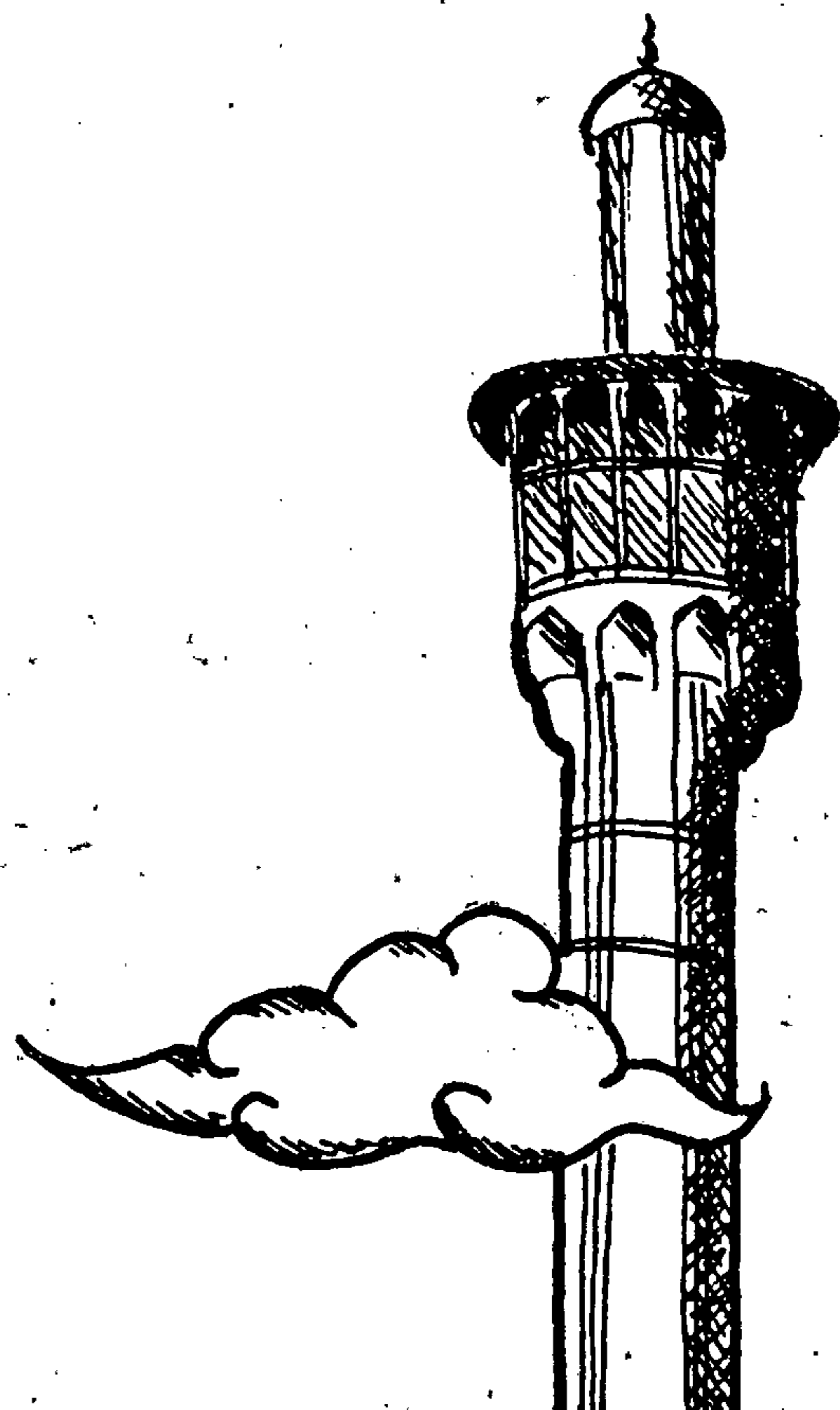
رویدادهای اجتماعی و روابط اجتماعی دور از هم، با



انتظار

۱۵۶

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱





بافت های محلی پیوند می خورد؛

جهان به شبکه ای از روابط اجتماعی تبدیل شده است؛

انسان ها دارای خصوصیات و بینش های مشترک می شوند (!)؛

مردم، فرهنگ ها، جوامع و تمدن ها، در تماس منظم و غیر قابل اجتناب قرار می گیرند؛

جهان امروز، به سوی تشکیل یک دهکده واحد جهانی پیش می رود؛

برنامه های درسی مدارس، بین المللی می شود (آموزش و پرورش جهانی)؛

روندهای جهانی، مستقیم یا غیر مستقیم، وضعیت آینده بهداشت را مشخص می کنند؛

تجدید حیات فعلی مذهبی، از فرآیندهای جهانی، تفکیک ناپذیر است؛

فرهنگ واحدی، تمام افراد روی زمین را در بر خواهد گرفت و جانشین تنوع نظام های

فرهنگی خواهد شد؛

سبک زندگی در سراسر جهان استاندارد می شود؛

لباس پوشیدن، عادت های غذایی، شکل معماری و موسیقی، سبک زندگی شهری (مبتنی

بر تولید صنعتی) و... تحت سلطه فرهنگ مصرفی سرمایه داری «غربی» قرار خواهد گرفت؛

جهانی بودن، به معنای بدون حد و مرز بودن فرهنگ است؛

انقلاب اطلاعاتی، پیش قراول عصر تازه ای است؛

تمدن جدید جهان را فراپوشانیده و همه بشریت را در خود سهیم ساخته است؛

جهان گستری، زبان انگلیسی را به عنوان رسانه خود به کار می برد.

## ۲. دورنمای سیاسی

جامعه ای که در آن، آخرین مرز حذف خواهد شد

(مرزهای طبیعی و جغرافیایی)؛

دموکراسی غربی - به عنوان شکل نهایی حکومت -

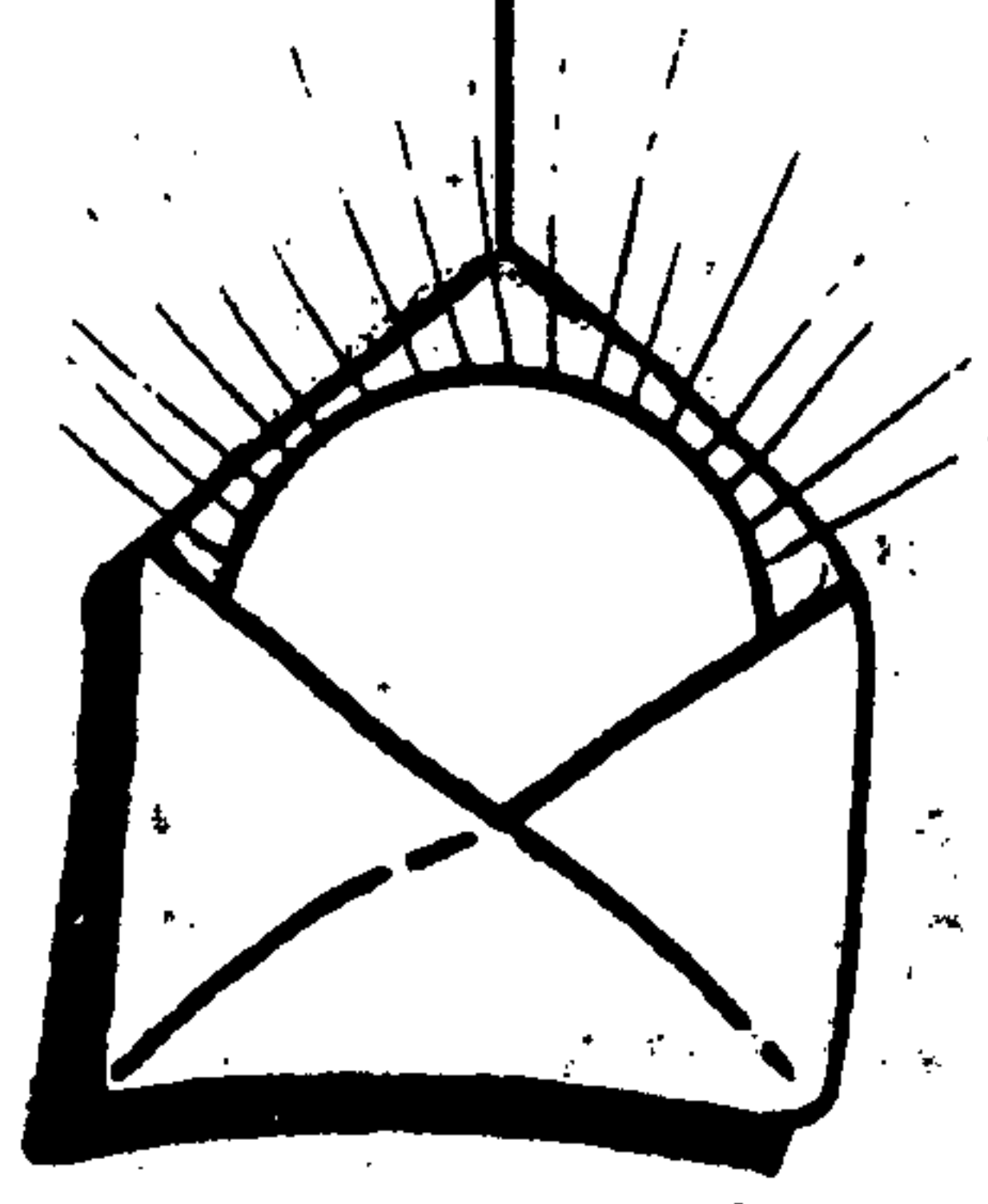
جهانی و نهادینه خواهد شد (!)؛

نقش دولت ها به عنوان تجسم حاکمیت ملی کم

رنگ می شود؛

جهانی شدن، مسائلی چون بحران، جنگ، بی

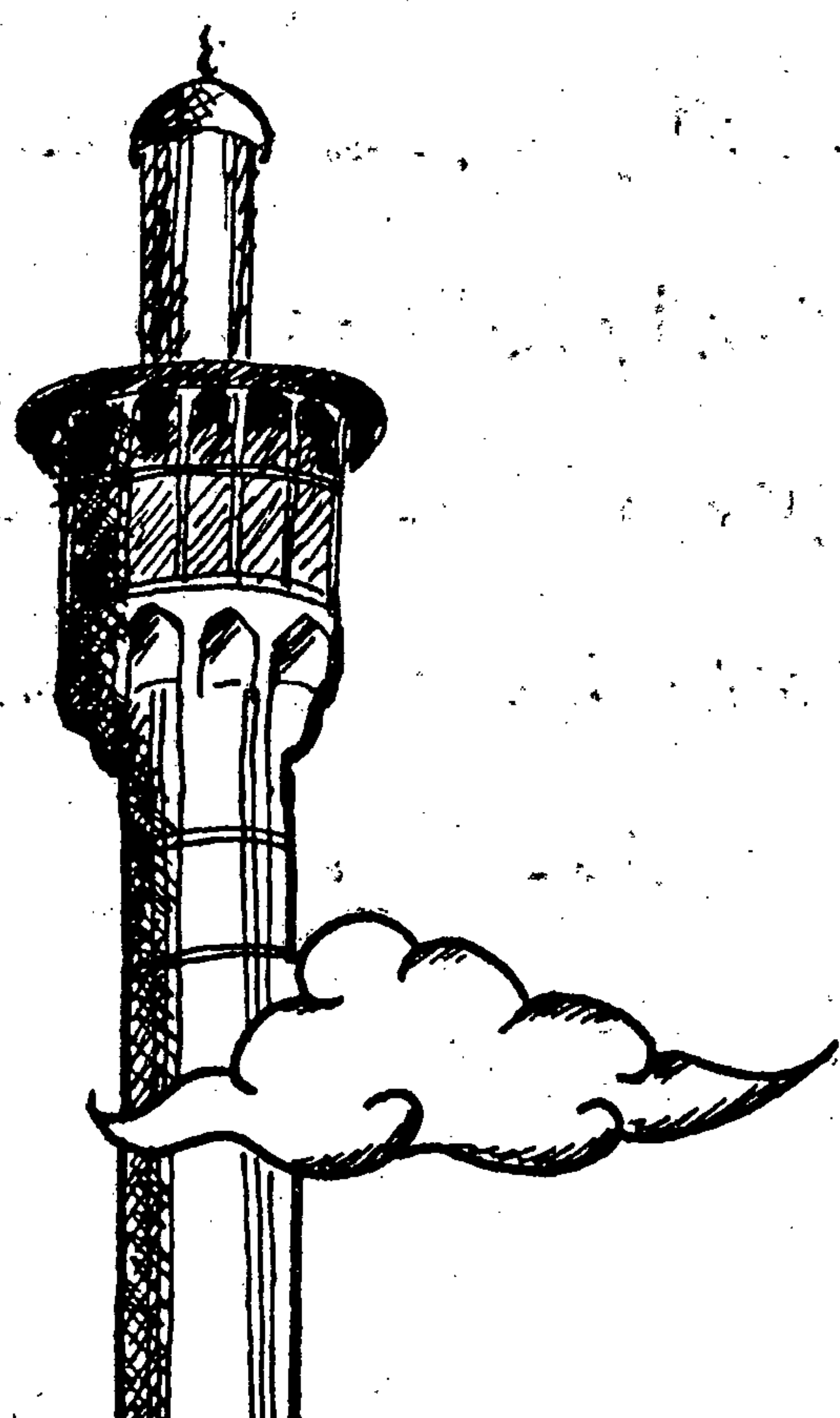
عدالتی، نابرابری و تخریب محیط زیست را به موضوعی



انظار

۱۵۷

سال دوم / شماره ششم / زمستان ۸۱



جهت دموکراسی جهانی تبدیل می کند؛  
مرزهای طبیعی و جغرافیایی از بین خواهد رفت؛  
جهانی شدن پایان نوسازی سیاسی به سبک دولت - ملت است؛  
حد و مرزهای مجازی - به ویژه حد و مرزهای مربوط به دولت و ملت - درهم می شکنند.

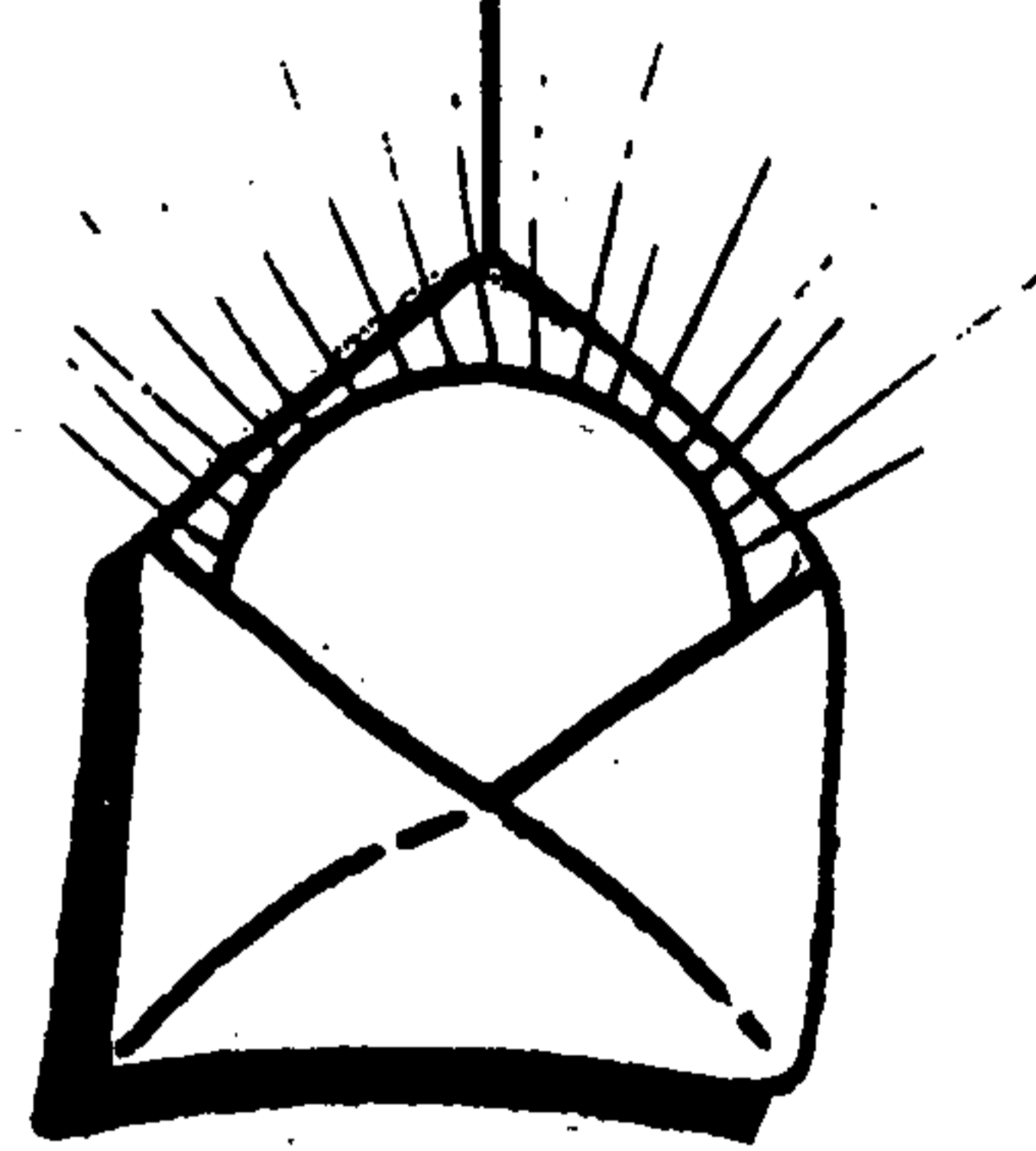
### ۳. دورنمای اقتصادی

شرکت های عظیم و غول پیکر، نبض اقتصاد جهان (سرمایه داری) را در دست دارند؛  
پول واحد جهانی شکل می گیرد؛  
فقر، نابرابری، بی کاری و... از بین خواهد رفت؛  
جهانی شدن، تصویری از یک بازار عنان گسیخته و نوسازی (مدرنیزاسیون) بی امان را القامی کند؛  
جهانی شدن، به عنوان نیروی همانند ساز بازار جهانی عمل می کند؛  
اقتصاد سرمایه سالاری و لیبرالی جهانی شده و اصول اقتصاد ملی کم رنگ خواهد شد...

وده ها ویژگی و خصیصه «دیگر که برای «جهان همگون و یک رنگ» در چشم اندازهای سه گانه آن ترسیم شده است. همه اینها تحت عناوین فریبنده و تظاهر آمیز زندگی بهتر، دنیای کوچک تر، همگرایی و یکپارچگی، نجات زمین و... مطرح شده است.

### دو. ویژگی های اصلی

ما در حال ورود به برهه ای از زمان هستیم که تا کنون بدین شکل در طول تاریخ سابقه نداشته و تجربه ای کاملاً نوین و جذاب فرا روی بشر قرار داده است. نزدیکی انسان ها، فرهنگ ها، تمدن ها و اقتصاد جهانی به یکدیگر، در ظاهر به سود همگان و مفید برای همه است و امری الزامی و اجتناب ناپذیر می باشد. این جریانی بسیار عظیم با هجمه ای بسیار وسیع است. جهانی شدن، دوره تازه ای در تمدن رایج کنونی و حاکم بر جهان است که بر اثر انقلاب ها و تحولات در عرصه اطلاعات و ارتباطات پیش آمده است. نویسندگان و اندیشمندان، پاره ای از ویژگی ها و نشانه های «جهانی شدن» را بر شمرده اند که می توان به چند ویژگی مهم «جهانی شدن» اشاره کرد:



انظر

۱۵۸

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

## ۱. فرهنگ جهانی واحد

عده‌ای بر این عقیده‌اند که: هنجارها، ایستارها و ارزش‌های تقریباً یکسانی، بر جوامع حاکم خواهد شد (البته با حفظ برخی از سنن و ارزش‌های محلی و منطقه‌ای)، و مردم جهان، تابع یک فرهنگ واحد، برتر و غالب خواهند شد و هویت و ماهیت خود را بر آن اساس تبیین خواهند کرد. در سطح فرهنگی باید از ظهور «جامعه مدنی جهانی» سخن گفت. رابرتسون می‌نویسد: «فرهنگ در نظریه نظام جهانی به ملاحظه مهمی تبدیل شده است. در واقع ما به نقطه‌ای نزدیک می‌شویم که توجه به فرهنگ، وجهی از نظریه پردازی در قالب نظریه نظام جهانی تبدیل می‌شود... عرصه جهانی در کل، نظام اجتماعی - فرهنگی است که از درهم فشردن فرهنگ‌های تمدنی، جوامع ملی، جنبش‌ها و سازمان‌های درون ملی و میان ملی، خرده جوامع و گروه‌های قومی، شبه گروه‌های درون جامعه‌ای... ناشی شده است. به موازات پیشرفت عمومی جهانی شدن، فشارهای متزایدی بر این واحدها وارد می‌شود تا «هویت» خود را در رابطه با شرایط جهانی - بشری تعریف کنند».<sup>۲۱</sup>

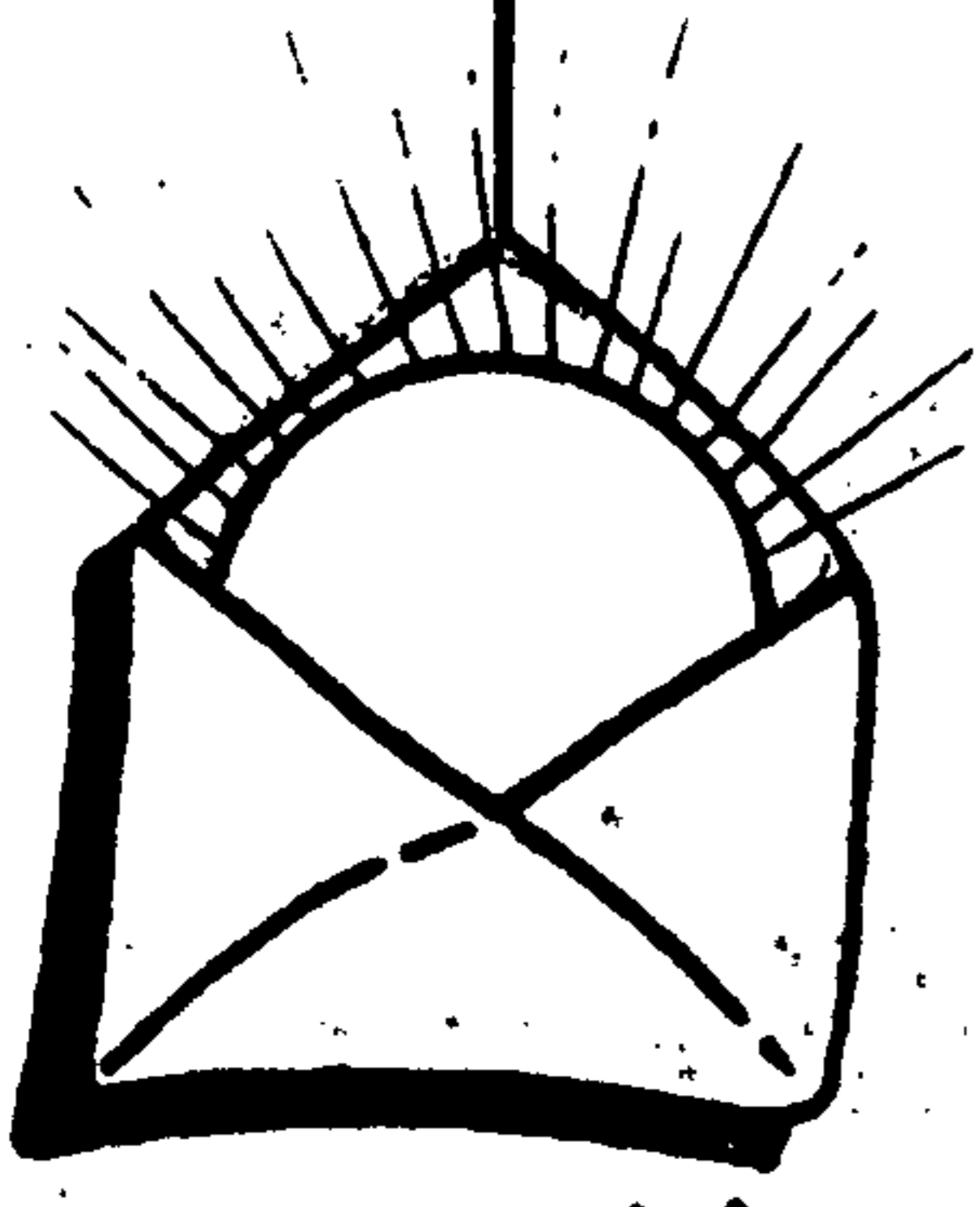
البته تاکنون چیزی روی نداده و احتمال وقوع آن - با وجود آداب، رسوم، سنن، فرهنگ و هنجارهای گوناگون - در آینده نیز ضعیف است؛ اما به هر حال ایده‌ها و افکار عده‌ای از سیاستمداران و کارگزاران جهانی شدن، بدین سمت پیش می‌رود و فعالیت رسانه‌های ارتباط جمعی و مطبوعات، در این زمینه تمرکز یافته است.

## ۲. ایدئولوژی واحد جهانی

برخی از نظریه پردازان غربی، اعتقاد دارند که به زودی لیبرالیسم غربی، سلطه خود را بر سراسر زمین تثبیت خواهد کرد و مردم جهان از مزایا و محاسن دموکراسی غربی بهره‌مند خواهند شد (!! فوکویاما اصلی‌ترین نظریه پرداز موضوع یاد شده است. او می‌نویسد: «اندیشه لیبرال می‌رود تا در پهنه کره زمین از نظر روانی، به طور واقعی تحقق یابد. در میدان ایدئولوژی و نبرد اندیشه‌ها، لیبرالیسم پیروز گردیده و هیچ رقیب و هم‌اوردی در برابر خود ندارد». پیروزی اندیشه در فرهنگ لیبرال - دموکراسی به معنای آن است که زمینه منازعه تاریخ ساز از میان رفته و به عبارت فوکویاما، تاریخ به اتمام رسیده است:

«محملاً آنچه ما شاهد آن هستیم، نه فقط پایان جنگ سرد؛ بلکه پایان تاریخ است؛ نقطه پایان تحول ایدئولوژی و تئوری برخورد تمدن‌ها، بشریت و جهانی شدن دموکراسی غربی. به عنوان شکل نهایی

حکومت»<sup>۲۲</sup>



انظار

۱۵۹

سال دوم / شماره ششم / زمستان ۸۱

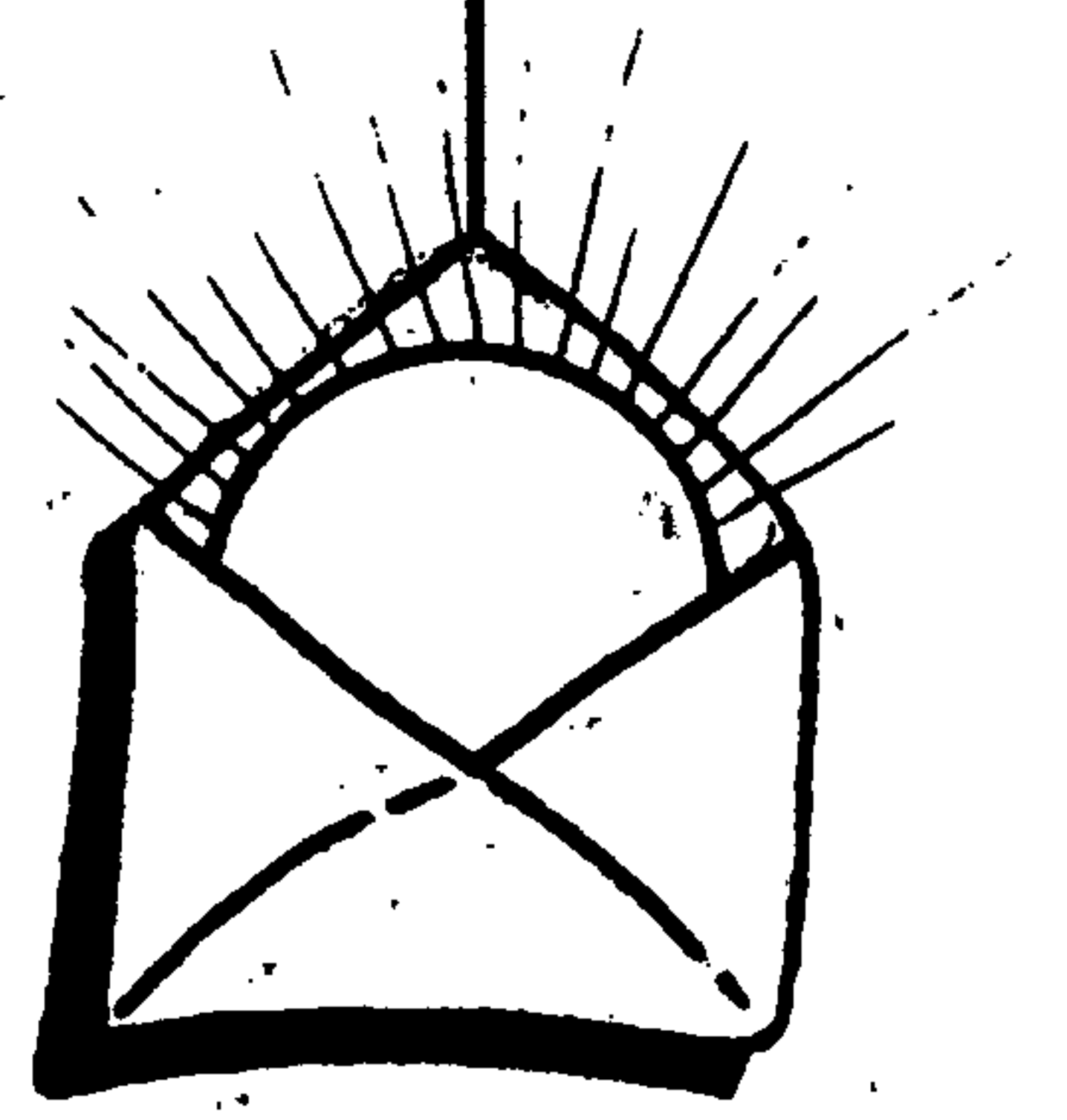
این نظریه امروزه، پایه و اساس آمریکایی سازی جهان قرار گرفته است؛ چنان که خود وی می گوید: «به نظر من جهانی شدن، همان امریکایی شدن است؛ چرا که امریکا از برخی جهات، پیشرفته ترین کشور سرمایه داری در جهان امروز است و همین طور نهادهای آن، نمایانگر پیشرفت و توسعه منطقی نیروهای بازار است... قطعاً امریکایی شدن با جهانی شدن یکی است»<sup>۲۳</sup>!!

از طرف دیگر اکنون شاهد حرکت جهان شمول ارزش ها و نهادهای سیاسی - اجتماعی غربی، در تمام جهان و تحت لوای «جهانی شدن» هستیم که در واقع از طریق آن، زمینه سلطه کامل کشورهای غربی بر جهان فراهم می آید (غربی سازی). مانع عمده و اصلی این حرکت، بیداری و روشنفکری مسلمانان و رشد و بالندگی جنبش ها و حرکت های اسلامی است که روز به روز فراگیر می شود و لیبرالیسم غربی را به چالش اساسی می کشاند. همچنین با ارائه نظریه «مردم سالاری دینی» از سوی ایران، انحصار و یکه تازی نظریات غربی، زیر سؤال رفته است. بر این اساس احتمال استقرار ایدئولوژی واحد جهانی، مشکل به نظر می رسد و در صورت تفوق احتمالی آن، جهان دچار چالش ها و گسست هایی عظیم خواهد شد.

### ۳. ارتباطات جهانی

یکی از ویژگی های این پدیده، گسترش اطلاعات و ارتباطات جهانی در عرصه رسانه ها، ماهواره، تلفن، اینترنت و... است که نکات مثبت و منفی زیادی در آن وجود دارد و طلایه دار اصلی «جهانی شدن» به شمار می آید. آثار تسریع کننده ارتباطات الکترونیکی و حمل و نقل سریع، موجب ایجاد تأثیر ساختاری شده است که مک لوهان آن را «انفجار اطلاعات» می نامد. منظور وی از انفجار اطلاعات، این است که از این طریق، تمام جنبه های تجارب انسانی، در یک مکان جمع می شود و هر انسانی، می تواند به طور هم زمان، حوادث و مناظری را که بسیار دورتر از وی هستند، احساس و لمس کند. مدارهای الکترونیکی، نظام زمان و مکان را در هم می نوردد و امور مربوط به سایر افراد بشر را به طور مستمر و هم زمان، در پیش دیدگان ما قرار می دهد. این پدیده یک بار دیگر گفت و گو در مقیاس جهانی را مطرح می کند. پیام این گفت و گو، یک تغییر تمام عیار است.<sup>۲۴</sup>

«پیتر به یز»، در مقدمه کتاب خود با عنوان «مذهب و جهانی شدن» می گوید: قدرت فن آوری، برقراری ارتباط سریع، در فضای تقریباً نامحدود را امکان پذیر ساخته است؛ به علاوه رسانه های جدید تقریباً در همه نقاط کره زمین، در اختیار کاربران آنها قرار دارند. توانش



انظار

۱۶۰

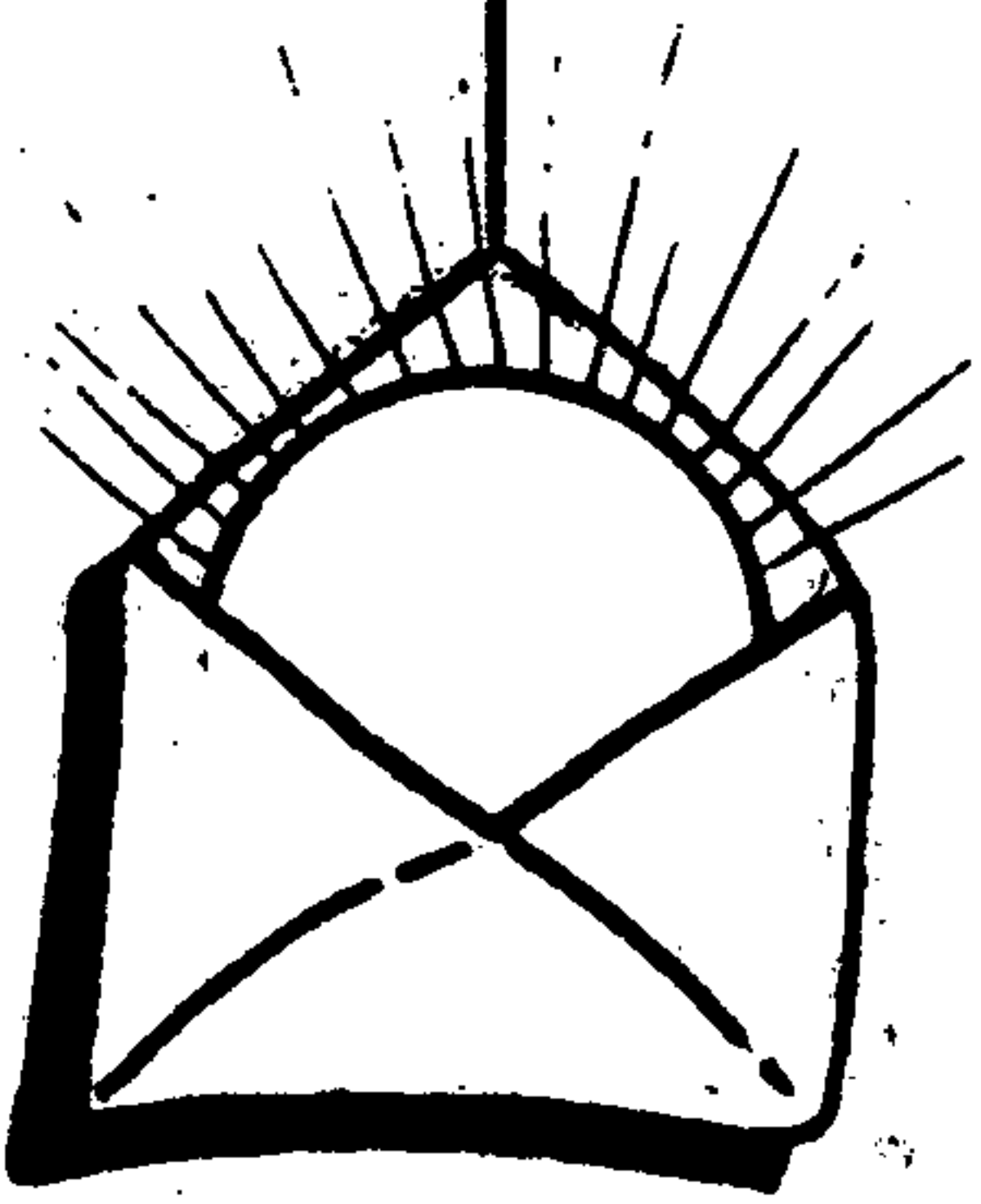
سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

ارتباطات بین‌المللی به کارکرد واقعی تبدیل گشته است. بنابراین ما در دوره یک واقعیت اجتماعی «جهانی شدن» زندگی می‌کنیم. واقعیتی که در آن از موانع پیش از این مؤثر بر ارتباطات، اثری به چشم نمی‌خورد. به گفته «به‌یر» نتیجه این می‌شود که مردم، فرهنگ‌ها، جوامع و تمدن‌هایی که پیش از این کم و بیش منزوی از یکدیگر بودند، اکنون در تماس منظم و تقریباً غیرقابل اجتناب قرار گرفته‌اند.<sup>۲۵</sup> الان بسیاری از مردم جهان، با استفاده از اینترنت، ماهواره و رسانه‌های مکتوب، از آخرین و کوچک‌ترین اخبار و حوادث جهان، مطلع می‌شوند و در ارتباط مستمر با سراسر جهان هستند. با توجه به این مطلب «جهانی شدن»، امری حتمی و غیرقابل گریز تلقی می‌شود و بایسته‌ها و الزامات خاص خود را می‌طلبد.

#### ۴. اقتصاد و سرمایه‌داری جهانی

اولین طلعه‌های «جهانی شدن» در حوزه اقتصاد و سرمایه‌گذاری، رشد و گسترش پیدا کرد و سپس به حوزه‌های دیگر سرایت کرد. هنوز عده‌ای «جهانی شدن» را در بعد «اقتصادی» آن می‌بینند و رایج‌ترین دیدگاه در این زمینه، از آن اقتصاد دانان است که بر پایه همبستگی بیش از پیش اقتصادی و ادغام همه اقتصادهای ملی، در یک اقتصاد و در محدوده بازار سرمایه‌داری می‌نگرند. هاری مگداف می‌نویسد: «نظریه‌ای که به طور وسیع مورد قبول قرار گرفته، فرسایش حاکمیت ملی را در کانون‌های سرمایه‌داری تصور می‌کند که باید از قرار معلوم، جای خود را به یک «بین‌الملل سرمایه» بدهد که قوانین حاکم بر روابط بین‌المللی را ایجاد کرده، تقویت و تحکیم خواهد بخشید.»<sup>۲۶</sup>

جان تاملینسون نیز درگیری دولت‌ها در اقتصاد جهانی را، نشانه‌ای از جهانی شدن می‌داند: «... اکنون جهانی شدن دارد دنیا را به یک «مکان واحد»، تبدیل می‌کند. نمونه‌های بدیهی این امر، درگیر شدن امور اقتصادی دولت‌های ملی و درآمدن آنها به صورت یک اقتصاد سرمایه‌داری جهانی، یا تبدیل سریع اثرات زیست‌محیطی صنایع محلی به مسائل جهانی است...»<sup>۲۷</sup> در این راستا تأسیس گات (GAT) و سازمان تجارت جهانی، مهم‌ترین گام در به وجود آمدن اقتصاد و سرمایه‌داری جهانی است. در هر حال ترویج گران این دیدگاه، پیروزی قطعی نظام‌های سرمایه‌داری غربی را می‌ستایند و مدعی‌اند که بازیگران آزاد، بر مهندسان اجتماعی چیره شده‌اند. بر این اساس اقتصاد و سرمایه‌داری جهانی و شبکه ارتباطات بین‌المللی در حال حاضر، دورکن پیش‌قراول در عرصه «جهانی شدن» به شمار می‌آید.



انظار

۱۶۱

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

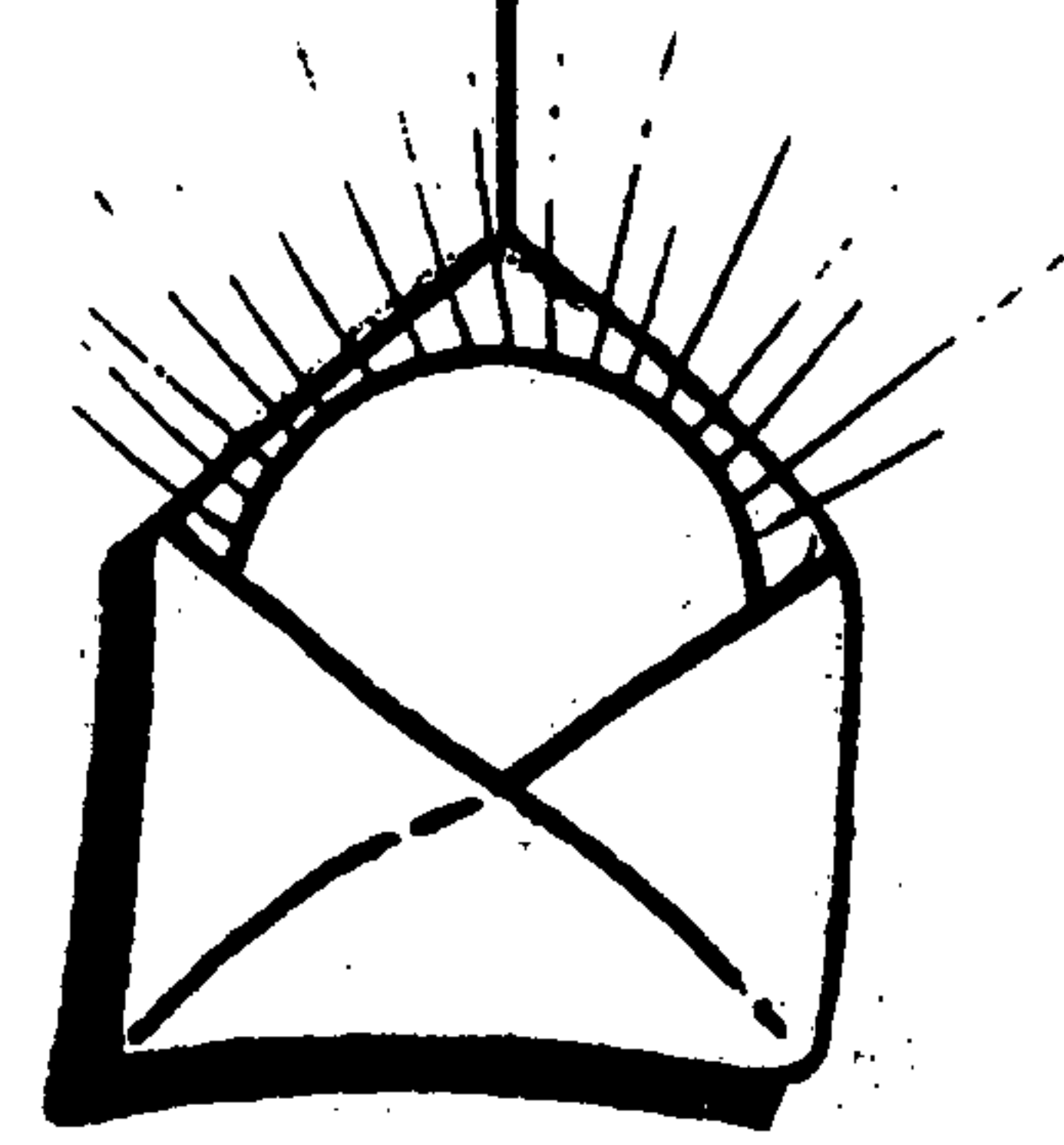
یکی دیگر از ویژگی های اقتصادی این پدیده، ظهور شرکت های عظیم و غول پیکری است که در اقتصادهای ملی سراسر جهان فعالیت کرده، بر این اقتصادها تأثیر می گذارند. امروزه در سطح جهان، گروه های بسیاری بر این باورند که «جهانی شدن اقتصاد»، معنایی فراتر از سلطه بلامنازع شرکت های بزرگ بین المللی و شرکت های چند ملیتی بر بازارهای جهان ندارد. تا اوایل دهه ۱۹۹۰، حدود ۳۷ هزار شرکت فراملیتی وجود داشت که بر بیش از ۲۰۰ هزار شرکت وابسته خارجی، در کشورهای مختلف جهان، کنترل داشته و معادل بیش از ۴/۸ تریلیون دلار، کالا به فروش رساندند. جمع فروش ۳۵۰ شرکت غول پیکر جهان، با قریب به یک سوم جمع تولید ناخالص ملی پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری دنیا، برابری می کرد...<sup>۲۸</sup>

## ۵. سیاست و تضعیف دولت های ملی

علاوه بر اقتصاد، بحث های گسترده ای نیز درباره جهانی شدن «سیاست» وجود دارد که مهم ترین آنها، تضعیف موقعیت نهادهای دولتی و تقویت سازمان ها و نهادهای بین المللی است. بر این اساس، دولت ها و سیاستمداران، در یک فرآیند بین المللی و جهانی، با هم تعامل می کنند و تصمیم گیری و فعالیت جمعی دارند. «جهانی شدن»، بزرگ ترین تهدید برای الگوی دولت - محور است... در نتیجه این فرآیند، توانایی دولت های ملی در اتخاذ اقدامات مستقل در اجرای سیاست های خود محدود شده، کنترل آنها بر کالاها، تکنولوژی و اطلاعات کاهش می یابد و حتی اختیار آنها در تبیین قواعد و قانون گذاری، در محدوده سرزمین ملی نیز تنزل پیدا کرده است».<sup>۲۹</sup>

از لحاظ سیاسی، با ظهور و گسترش اختیارات نهادهای سیاسی جهانی، تحولات چشمگیری در حوزه قدرت و حاکمیت دولت های ملی و ماهیت نظام بین المللی، رخ نموده است. سازمان ملل متحد و سایر نهادهای جهانی، از جمله مهم ترین بازیگران سیاسی در سطح بین المللی هستند که قدرت تصمیم گیری در سطح جهانی دارند... دیگر دولت های ملی به خودی خود، نمی توانند حریفی برای برخورد با چنین مسائلی حیاتی جهانی باشند. در نتیجه استقلال عمل سازمان های بین المللی در حوزه تصمیم گیری، رو به افزایش بوده است.

در یک تحلیل دیگر، پدیده ای که امروز از آن به عنوان «جهانی سازی» تعبیر می شود، چیزی نیست جز تلاشی هماهنگ، برنامه ریزی شده، مقتدرانه و همه جانبه برای تشکیل یک «حکومت واحد جهانی» و سیطره قدرتمندانه به چهار سوی عالم؛ به نحوی که همه فرهنگ ها،



انظار

۱۶۲

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

تمدن‌ها، کشورها و جوامع بشری تحت سلطهٔ این حکومت باشند و از آیین، قوانین و دستورات آن فرمان برند. این مسأله عمدتاً از سوی قدرت‌های بزرگ جهان - به خصوص ایالات متحده - مطرح شده و امری خطرناک است. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید:

«نظم نوینی که آمریکا در پی آن است، متضمن تحقیر ملت‌ها و به معنای امپراتوری بزرگی است که

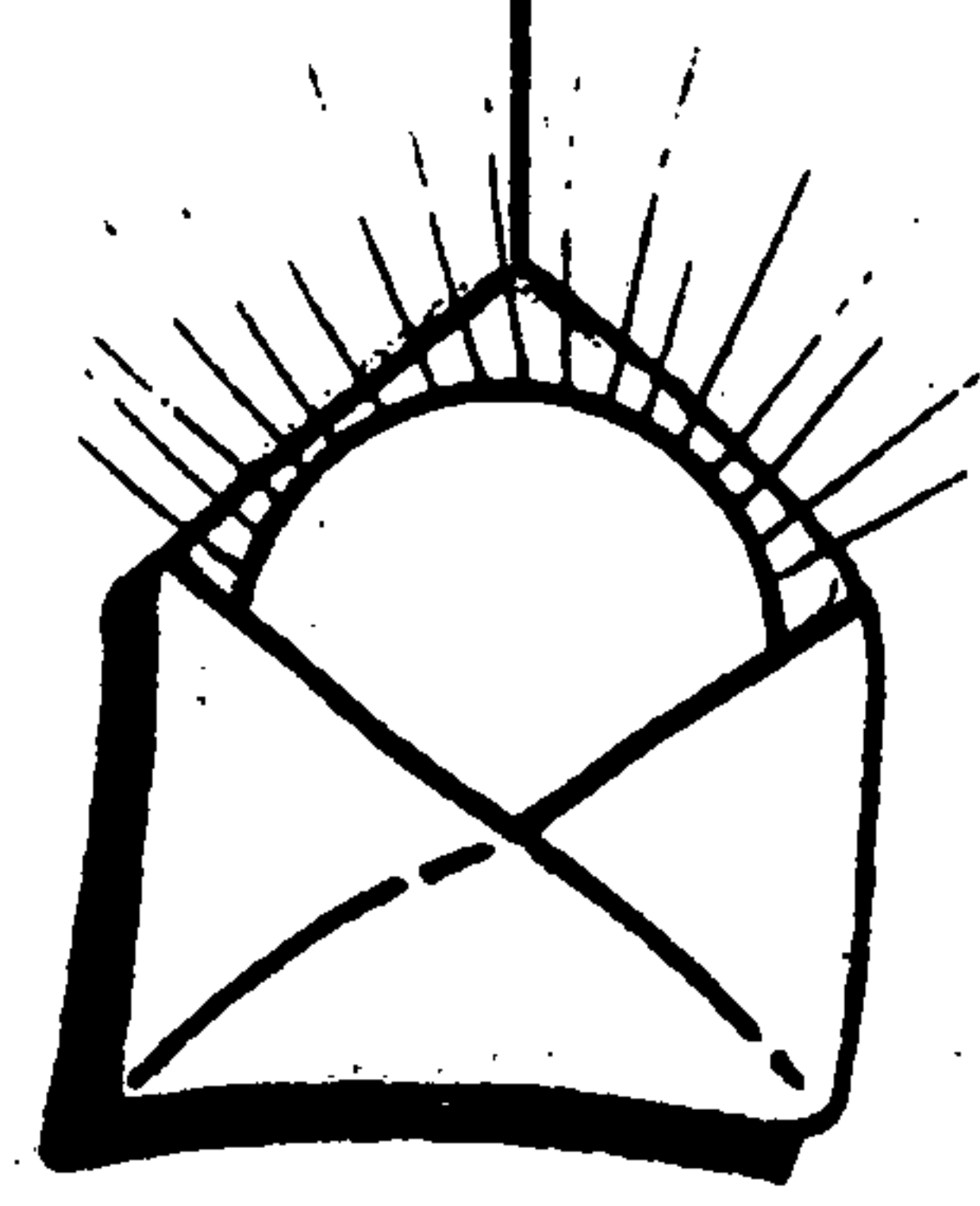
در رأس آن آمریکا و پس از آن قدرت‌های غربی قرار دارند...»<sup>۳۰</sup>

## ۶. مذهب و جهانی شدن

یکی از مباحث مهمی که نباید از آن چشم‌پوشید، ارتباط میان «جهانی شدن» و «مذهب» است. گسترش گرایش عمومی به دین در عصر حاضر و فعالیت و تحرک پر دامنهٔ ادیان آسمانی است. برای نخستین بار ایدهٔ «جهان شمولی» از سوی «دین» ارائه شده است. تمامی ادیان بزرگ، مردم را برای تشکیل یک ملت واحد، دعوت کرده‌اند.

رابرتسون می‌نویسد: «ایدهٔ این که جهان به صورت یک جامعهٔ واحد درآید و یا حداقل به صورت بالقوه این چنین شود، تاریخی طولانی داشته که در آن سخن از «بهشت جهان شمول» در روی زمین و یا پادشاهی خداوند بر روی زمین گفته شده است. در برخی از جنبش‌های جدید مذهبی نیز گام‌هایی مشخص برای دستیابی به سازمان‌های جهان شمول مذهبی، برداشته شده است».<sup>۳۱</sup> در فرایند «جهانی شدن»، مذاهب و ادیان جایگاه خاص خود را دارند و در عین حال که اقتصاد و فرهنگ غربی، یکه تاز عرصهٔ «جهانی کردن» است؛ به هیچ عنوان، نمی‌توان از قدرت و فراگیری «مذهب» غافل شد و آن را نادیده گرفت. بافت جهانی، بافتی است که ابزار جهان بینی‌ها را ترغیب و حتی مورد تأکید قرار می‌دهد و جست و جو برای اصول بنیادین را افزایش می‌بخشد.

از نظر ما، دین اسلام - به عنوان کامل‌ترین دین - به نحو احسن می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای جهان و از بین برندهٔ کاستی‌ها و مشکلات باشد. هر چند واترز می‌گوید: «طی قرون متمادی، مذاهب بزرگ جهان؛ یعنی، اسلام، مسیحیت، بودائیسیم و هندوئیسم، مجموعه‌ای از ارزش‌های خاص و... به پیروان خود، عرضه داشته‌اند که هم از اقتصاد و هم از حکومت، در مرتبت‌های بالاتر قرار گرفته... این مذاهب، به خصوص مفهومی جهان‌گرایانه از رسالت بودند»<sup>۳۲</sup>؛ اما روشن است که دین اسلام از جایگاه و موقعیت ویژه و پیشتازی در عرصهٔ جهانی برخوردار بوده و در گفتمان‌های رایج جهانی، می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. برخی از نویسندگان



انظار

۱۶۳

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

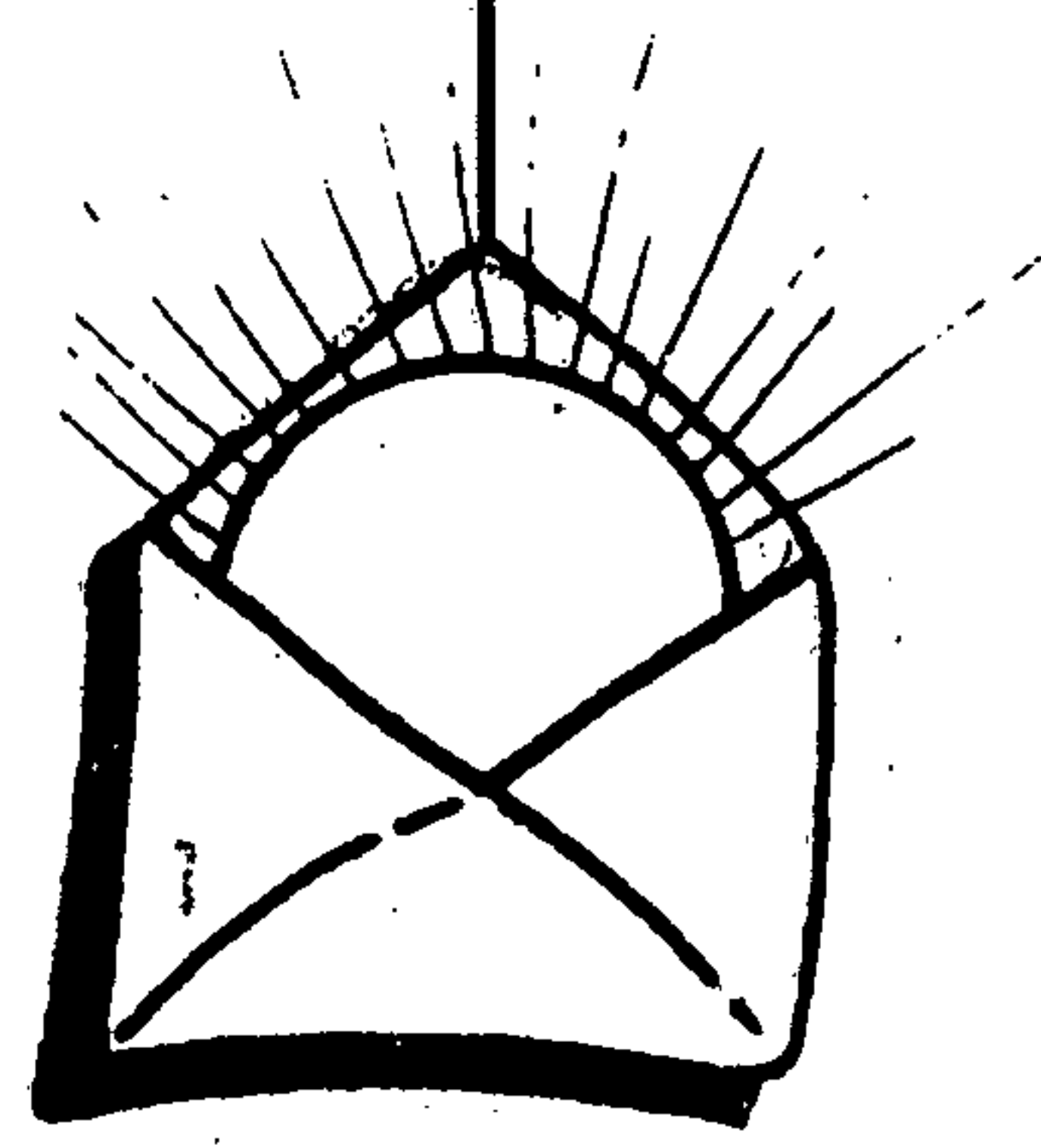
(رابرتسون)، رستاخیز اسلام‌گرایی را - به عنوان یک نیروی جهانی و در عین حال غرب‌ستیز - شناسایی کرده‌اند.

گفتنی است که «مذهب» در حال حاضر می‌تواند چند نقش مهم و اساسی را ایفا کند:  
۱. به دست گرفتن رهبری و سکان‌داری حرکت «جهانی شدن» در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی؛

۲. آگاهی بخشی به مردم درباره محاسن و مضرات «جهانی شدن» و نحوه تعامل با آن؛
۳. زمینه‌سازی برای تشکیل دولت فراگیر جهانی اسلام به دست منجی موعود؛
۴. ایجاد آمادگی در میان مصلحان و منتظران مسلمان و تقویت روحیه قیام و اصلاح‌گری؛
۵. تلاش در جهت زدودن آثار منفی جهانی شدن در عرصه فرهنگ و اخلاق؛
۶. ایجاد مقاومت و ایستادگی در برابر تشکیل امپراتوری جهانی امریکا.

## ۶. چالش‌ها و کاستی‌ها

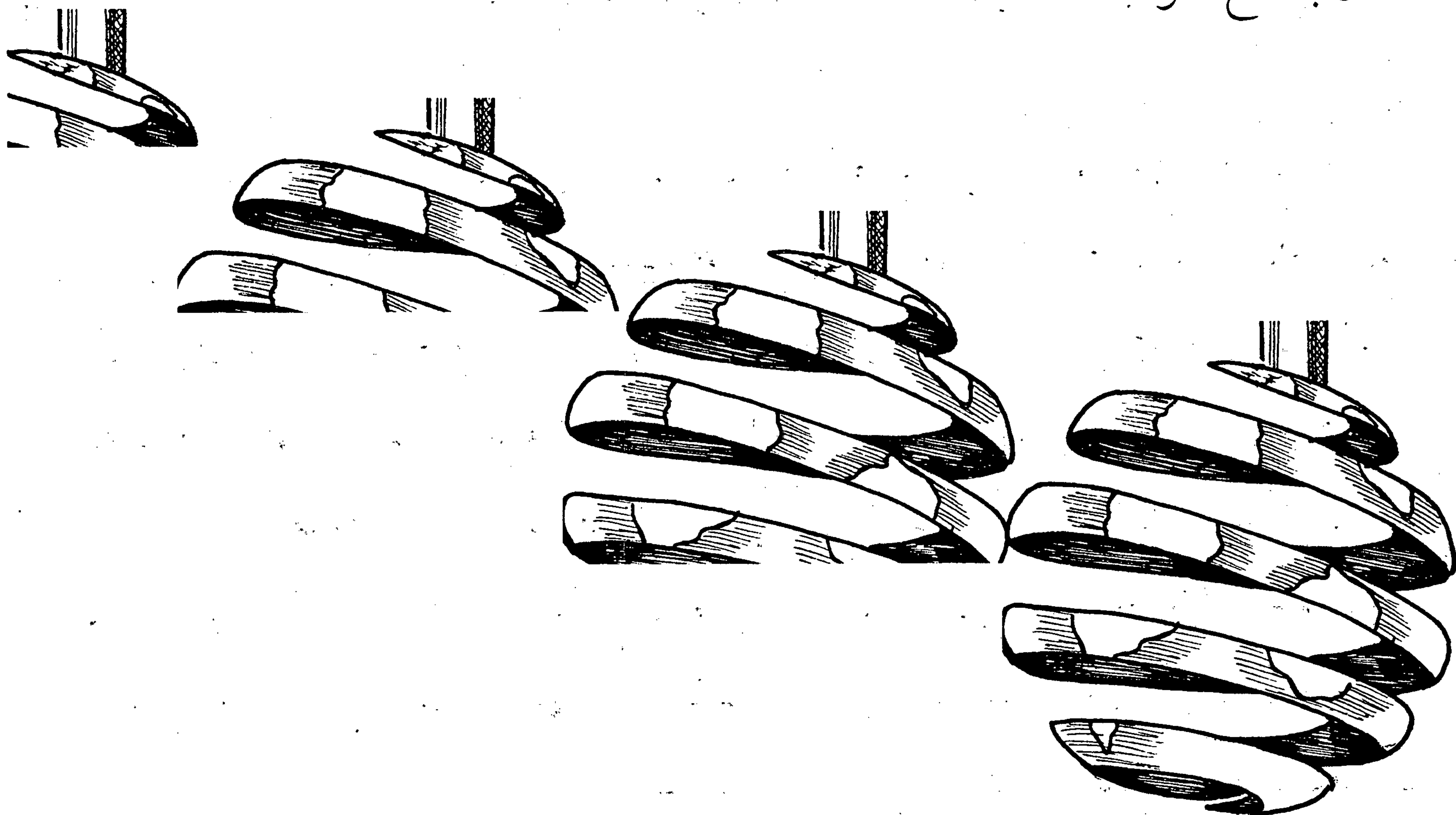
«جهانی شدن» - به رغم نظر برخی از نویسندگان - فرایندی یکسویه، غیر قابل اجتناب و بایسته نیست. «جهانی شدن» - چه در حوزه نظری و چه در میدان عمل - با چالش‌ها، کاستی‌ها و ضعف‌های فراوانی روبه‌رو است؛ به طوری که تعداد افراد بدبین به این فرایند نوین، بیشتر از طرفداران آن است. حرکت «جهانی شدن» در حال حاضر به کندی و آرامی پیش می‌رود و شاهد بن بست‌ها، رکودها و ناکامی‌هایی نیز هست و علت آن را نیز می‌توان در دخالت و دست‌اندازی قدرت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در آن و سوء استفاده و بهره‌برداری از آن به نفع خود دانست.



انتظار

۱۶۴

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

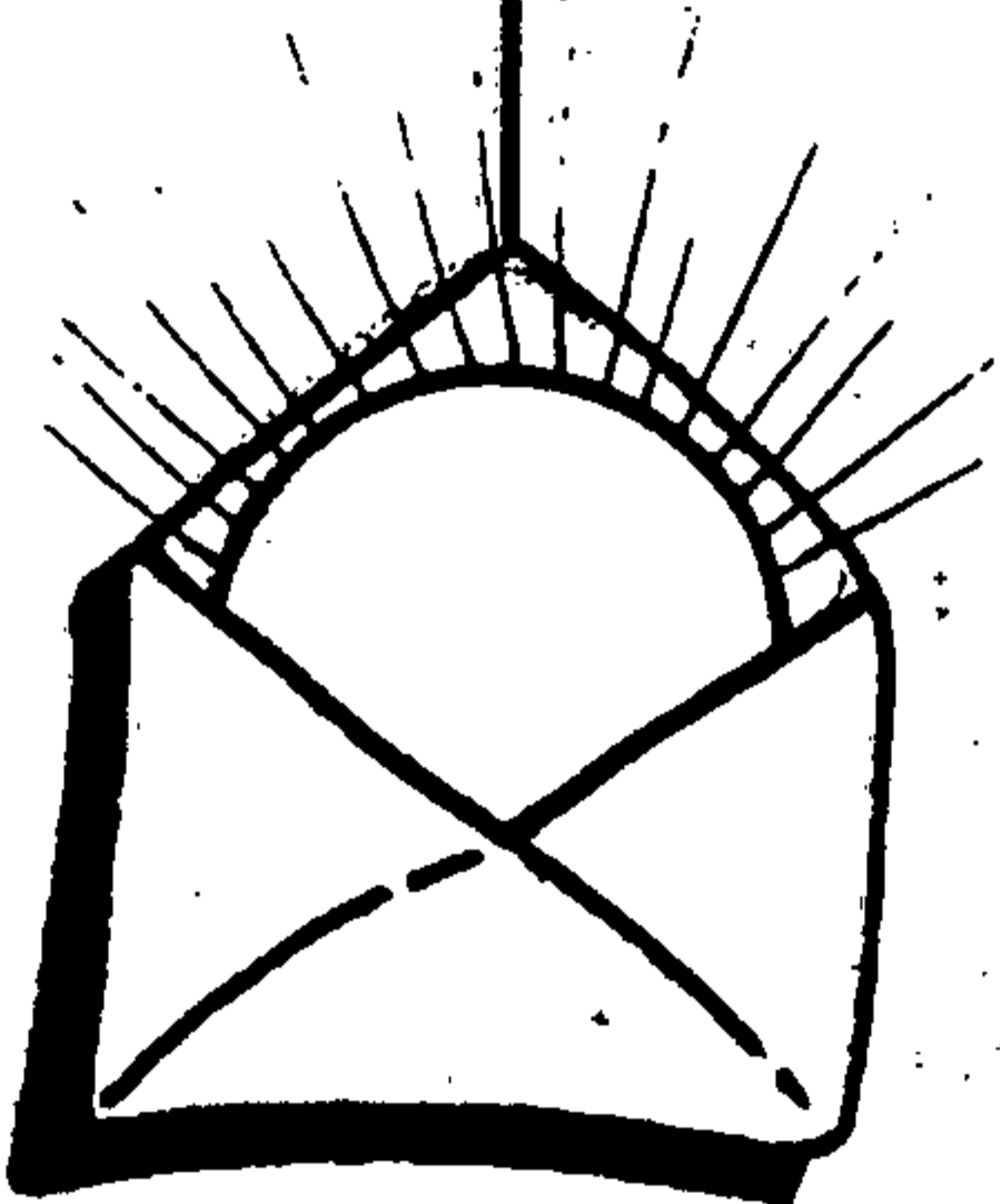




از آن جایی که امروزه ایده «جهانی شدن»، عمدتاً منافع و سود سرمایه داران و دولت های غربی را تأمین می کند و بر ثروت و قدرت آنان می افزاید، به هیچ روی نمی تواند تنها راه سعادت فراروی بشر باشد؛ از این رو اعتراضات گسترده ای علیه آن وجود دارد. حتی جهانی سازی و غربی سازی جهان، خود به عنوان مشکل اصلی و ویرانگر فراروی بشر قرار دارد؛ به طوری که تشنجات، جنگ ها، سلطه طلبی ها و... دامنگیر جهان شده، آن را با مشکلات زیادی روبه رو خواهد کرد. دکتر شکر خواه می نویسد: «دیدگاهی... معتقد به مبارزه با جهانی سازی است و اکنون از قالب حرف، بحث و ارزیابی خارج شده و به خیابان ها آمده است و این حضور خیابانی و رسانه ای به هنگام تشکیل اجلاس های سازمان تجارت جهانی (wto) یا صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و اجلاس هایی چون دائوس، به اوج خود می رسد. این دیدگاه، جهانی سازی را «دکتر مرگ» قلمداد می کند. پس اعتراضات و تظاهرات تعداد بی شماری از شهروندان اروپایی و آمریکایی علیه جهانی شدن، نشانگر گسست های عمیق در چهارچوب فکری و نظری این دیدگاه می باشد». این اعتراضات هم علیه پروژه «جهانی کردن» و هم علیه «جهانی سازی» روز به روز گسترده تر می شود.

با این وضعیت نامطلوب، هیچ امید رشد، بالندگی، رفاه، سعادت، یکپارچگی و عدالت در جهان به چشم نمی خورد و جهانی شدن به پدیده ای مبهم و نارضا تبدیل شده است. به علت انحرافات ایجاد شده، رقابتی بی قید و شرط در سطح جهان به وجود آمده که برای کشورهای غنی، درآمد بیشتر و برای کشورهای فقیر، فقر بیشتر می آورد و آنان را تحت سلطه سرمایه داران، شرکت های چند ملیتی و کشورهای قدرتمند قرار می دهد. اصولاً «جهانی شدن» نه یک برنامه منسجم و دارای نظم و انضباط است و نه اهداف دقیق و مشخصی برای آن ارائه شده است و نه متولیان و کارگزاران مشخصی دارد.

مشکل اساسی آن جا است که کشورهای بزرگ، در صدد ایجاد انحراف و کثرت، در این فرایند هستند و تا حدودی توانسته اند آن را به جهت منافع و سود خود، به کنترل خویش در آورند و مسیر و حرکت آن را به سمت دلخواه تغییر دهند. امریکانیزم می خواهد «جهانی سازی» را، با اعمال قدرت و زور شکل دهد و منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را در سراسر جهان تأمین کند. نقاط منفی و ضعف این دیدگاه - به دلیل عملکرد و نیت پردازشگران آن - امکان تحقق همه جانبه و یکپارچه آن را با مشکلات فراوانی روبه رو کرده است.



آشپز

۱۶۵

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

## بعضی از جنبه‌های آثار منفی جهانی شدن عبارت است از:

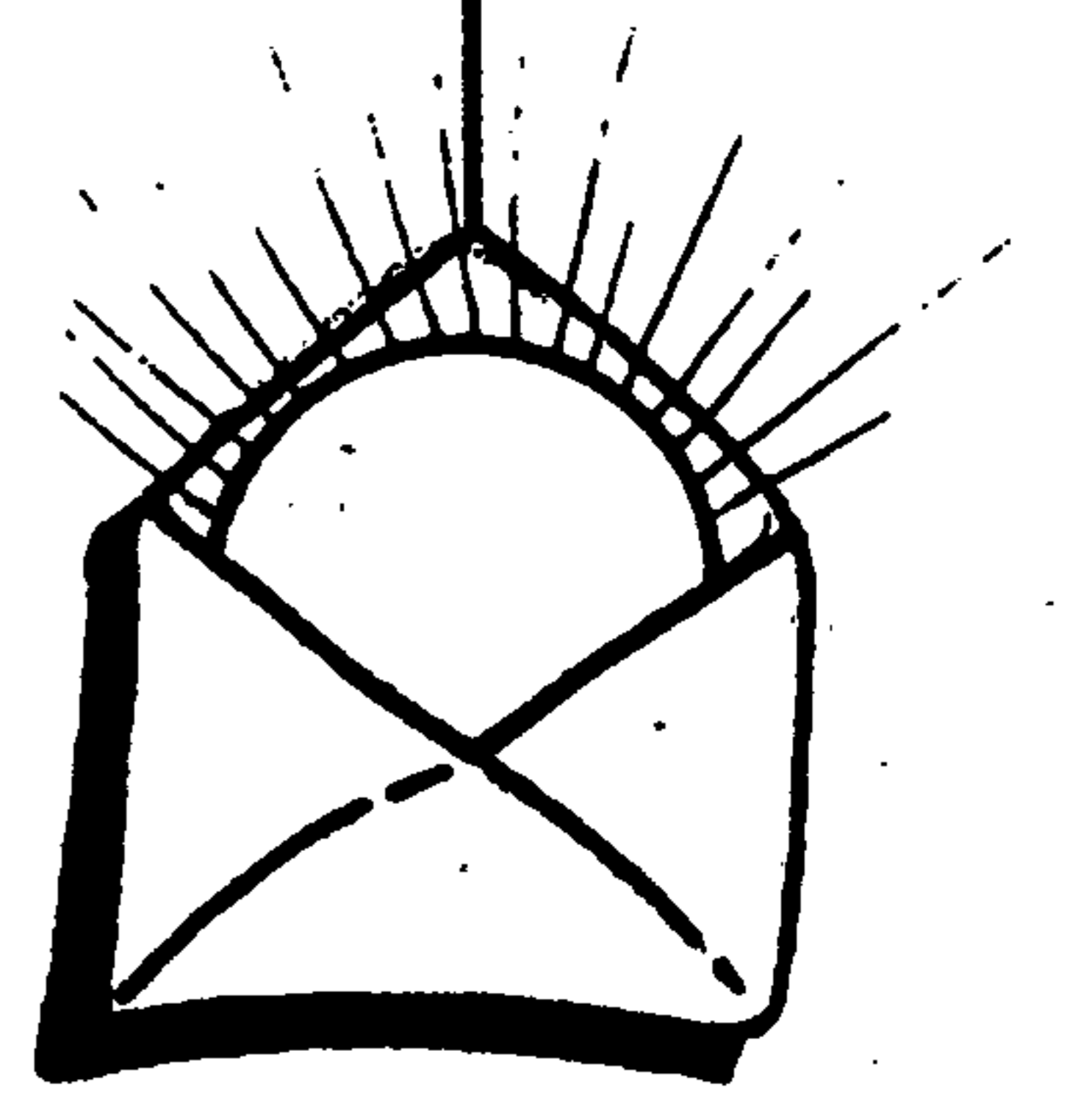
نبود رهبری واحد و تأثیر گذار در عرصه بین الملل و فزونی رقابت‌ها و ستیزه جویی‌ها؛  
تخریب محیط زیست، فعالیت بی حد و حصر شرکت‌های فراملی در استفاده بی جا و  
اسراف گرانه از طبیعت، کمبود منابع اولیه و فرسایش تدریجی زمین در بیشتر ابعاد آن؛  
ترویج فساد، بی بند و باری، فحشا و فرهنگ منحط غربی و از بین رفتن آموزه‌های اخلاقی  
و معنوی در پرتو این فرایند؛

به وجود آمدن نابرابری‌های اقتصادی در برخی از کشورها و به وجود آمدن شکاف بین  
کشورهای شمال و جنوب و گسترش و تعمیق فقر و نابرابری و بهره‌کشی از مستضعفان؛  
دوری الزامی کشورهای جنوب از تأمین نیازهای اساسی مردم خود (توزیع عادلانه غذا،  
آب لوله کشی، برق برای مناطق محروم، بهداشت مناسب و...)  
افزوده شدن بر معضل بیکاری به جهت رشد سریع فن آوری و مکانیکی شدن بسیاری  
از امور زندگی؛

رواج فرهنگ تجمل پرستی و مصرف گرایی در تمامی گوشه و کنارهای زمین؛  
شکل دهی ذائقه مصرف کنندگان (از غذا گرفته تا لباس) از سوی شرکت‌های فراملی و  
وسایل ارتباط جمعی بین المللی؛

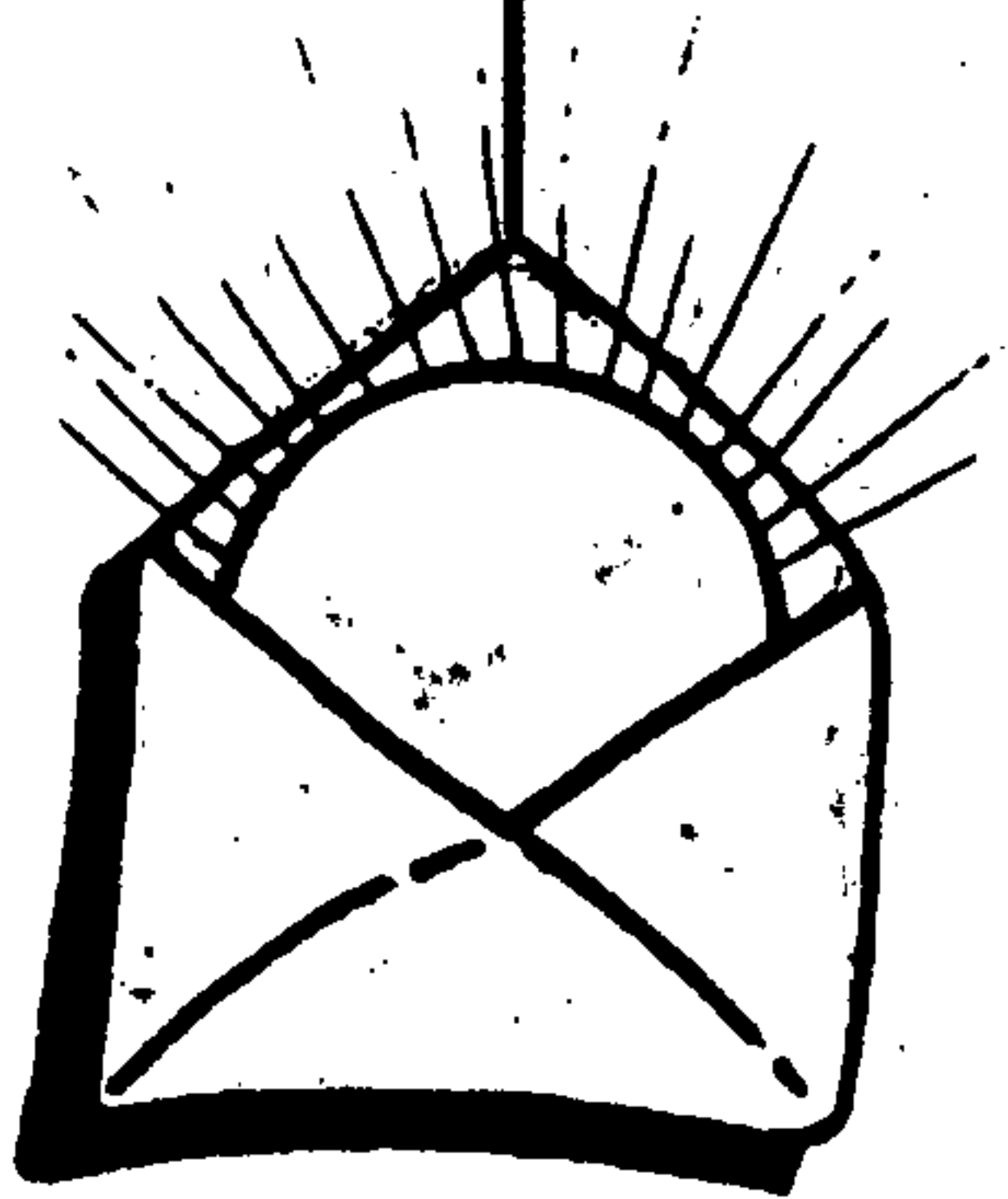
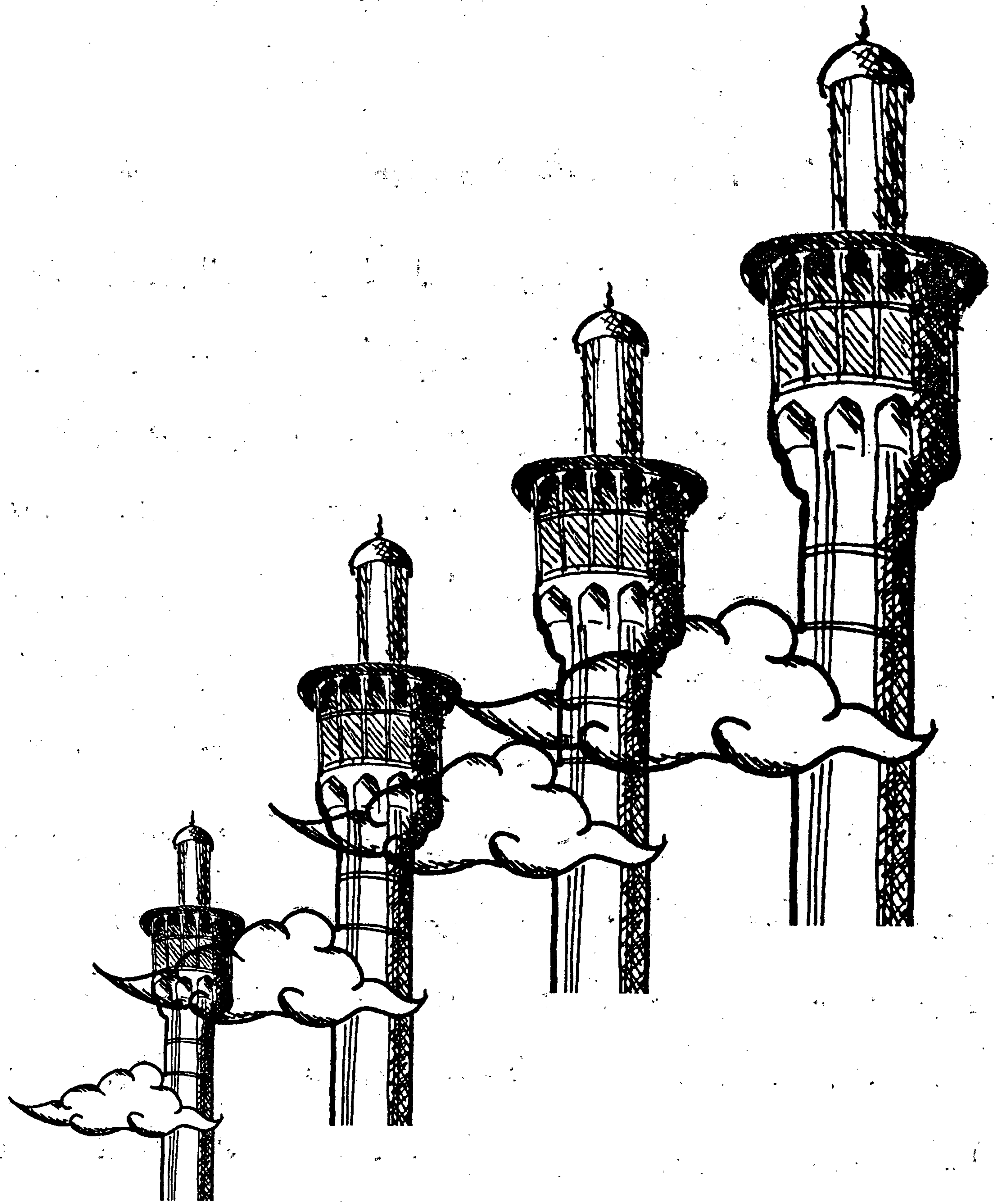
زوال تنوع و گوناگونی فرهنگی و اشاعه یک فرهنگ سطحی و مبتذل در جهان؛  
فزونی معضلات حقوق بشر و سوء استفاده از آن به منظور تشرزدن و حتی باتوم کاری  
کشورهای غیر غربی و مجبور کردن آنها به تسلیم در برابر خواسته‌های کشورهای پیشرفته؛  
جهانی شدن جرایم و خلاف‌ها (قاچاق مواد مخدر، قاچاق زنان و کودکان و...) و بیماری‌ها  
(مثل ایدز و...)<sup>۳۳</sup>؛

به اعتقاد افرادی نظیر چامسکی و بارنت، جهانی شدن اقتصاد، سبب فقر گسترده، بیکاری  
و به تعبیری جهانی شدن بعضی از مردمان دارا و محلی شدن برخی نادرها شده است.<sup>۳۴</sup> روزه‌نا  
نیز از برخی ناظران جهانی نقل می‌کند: مجموعه پیامدهای ناگوار در نتیجه برتری نهایی جهانی  
شدن به این ترتیب است: «گرایش اقتصادی آن، به سوی انحصارگرایی است؛ بر حاکمیت  
جبری فن آوری، شکاکیت سیاسی، مقهور ساختن و از تحرک انداختن [حریف] استوار است؛  
مضمون منطق غایی و جهانی آن انعطاف ناپذیر است و تنها به انباشت سرمایه و بازار مصرف  
اصالت می‌دهد و مرام آن به گونه‌ای است که عوامل، علت‌ها و هدف‌های بیرون از حیطه



انظر

۱۶۶



انظار

۱۶۷

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

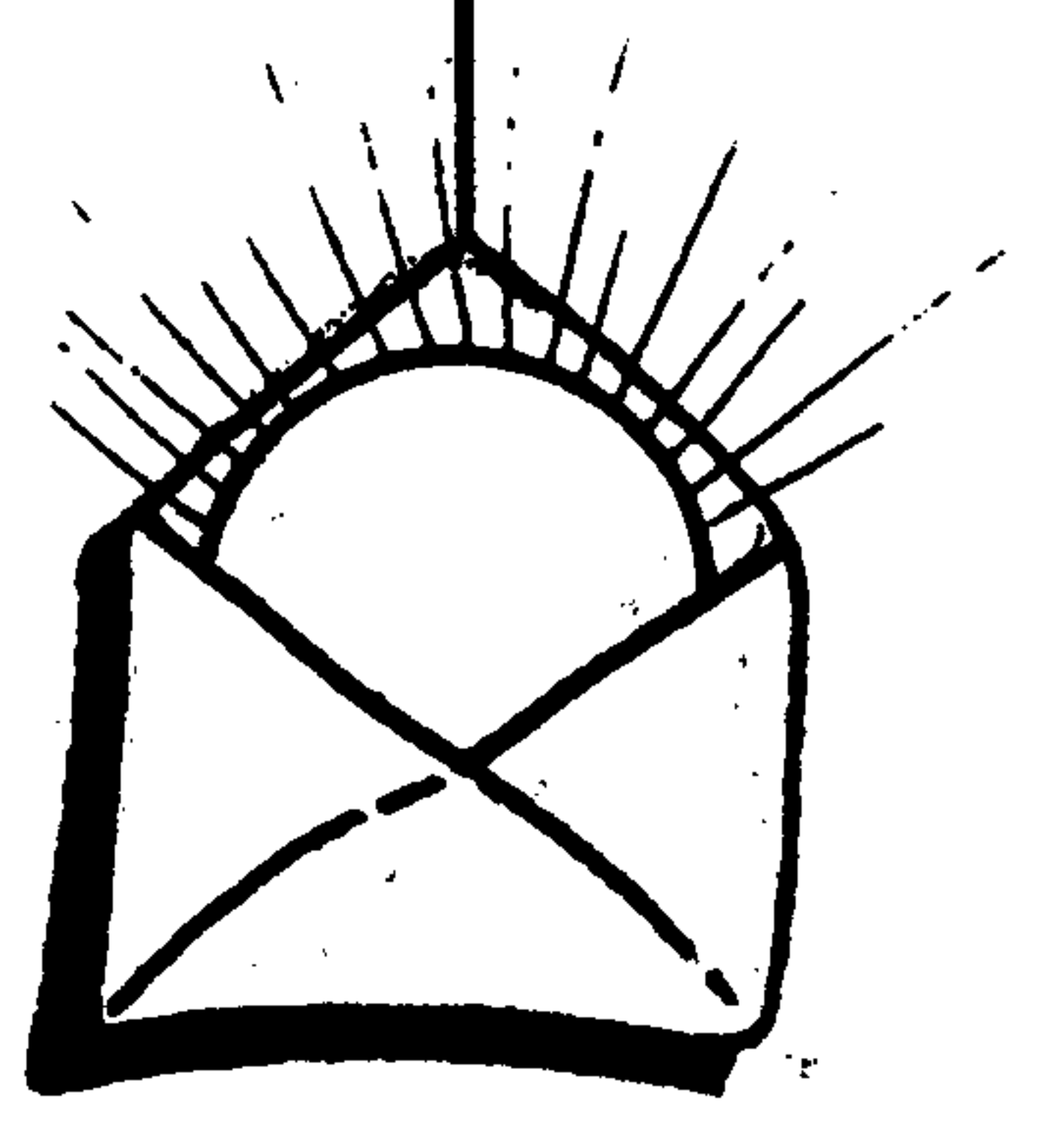
انباشت سرمایه و بازار مصرف را از ارزش‌های دارای اولویت اجتماعی کنار می‌گذارد.<sup>۳۵</sup> مسائلی مانند آزادی، حقوق بشر و... نیز بازیچه دست صاحبان قدرت قرار گرفته است. جهانی سازی، فقط به آزادی تظاهر می‌کند؛ اما در حقیقت در صدد خارج کردن آن از نظم جهانی است. منحصر کردن تمام اصول با قانون بازار، با اصل آزادی مغایر است و تنها توهم آن را موجب می‌شود. از طرفی آنچه اکنون به عنوان حقوق بشر مطرح می‌شود، تنها پوششی برای پوشاندن حقیقت است. در روند جهانی شدن حقوق بشر، تنها به یک بهانه تبدیل شده است.

با توجه به این مشکلات، نارسایی‌ها و کاستی‌ها و نیز بادقت و تأمل در نیازها و خواسته‌های بشر در حرکت به سوی یکپارچگی و اتحاد جهانی - که متناسب با فطرت آنان است - به این نتیجه روشن و بدیهی دست می‌یازیم که: «اینک بهترین فرصت و موقعیت برای ترسیم چهره‌ای روشن و گویا از نظام جهانی مهدوی (عج) فرارسیده است و بایسته است که این نظریه پیشینه‌دار شیعه را با تبیین مبانی، اهداف، پیامدها و ویژگی‌های آن، در اختیار بشر قرار دهیم».

## بخش دوم. حکومت جهانی مهدی موعود (عج)

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): «لا تقوم الساعة حتى يملك رجل من أهل بيتي يواطى اسمه اسمي يملأ الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً».<sup>۳۶</sup>

نظام، دین و حکومتی که داعیه دار «جهانی بودن» و «رهبری» جهانیان است، باید ویژگی‌ها و برنامه‌هایی داشته باشد که با این ادعا هماهنگ بوده و امکان تحقق و وقوع داشته باشد. با چالش‌ها و گسست‌هایی که فراروی لیبرالیسم، سرمایه‌داری، سوسیالیسم و... قرار دارد، می‌توان گفت که اسلام، آیین تمام مردم جهان و دین جامعه بشری است و می‌تواند جوابگوی خواست‌های اساسی جهانیان باشد. اما در حال حاضر تحقق چنین چیزی، فقط با ظهور منجی موعود و مصلح جهانی امکان دارد؛ یعنی، به علت سستی و رخوت حاکم بر جوامع مسلمین، بی‌کفایتی دولتمردان کشورهای اسلامی، اختلاف و عقب ماندگی این جوامع و دوری آنان از تعالیم ناب اسلامی؛ امکان تشکیل حکومت جهانی اسلام، ضعیف به نظر می‌رسد. در عین حال باید در این راه کوشید و حداقل زمینه‌های تشکیل دولت فراگیر اسلامی را فراهم نمود. بر این اساس، یکی از برنامه‌های مهم پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) و امامان (عليهم السلام)، تأسیس حکومت اسلامی و تشکیل امت واحد جهانی اسلام بوده است. این برنامه، در رأس دعوت اسلام قرار گرفته است و به یقین با انقلاب جهانی حضرت ولی عصر (عج) جامعه عمل خواهد پوشید.



انظر

۱۶۸

با وجود این همه مشکل، کمبود، نارسایی، ظلم و ستم، فساد و تباهی، خودکامگی و استبداد؛ دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای فراملی و بین‌المللی، نتوانسته‌اند پاسخ‌گوی نیازها و احتیاجات بشر باشند و با وجود خطر جنگ‌های هسته‌ای، نابودی زیست - محیط، تباهی فرهنگ‌ها و هنجارها، ستیزه‌جویی و پرخاش‌گری میان سیاستمداران، گسست‌های فکری و اندیشه‌ای بشر، رشد ناهمگون و غول‌آسای شرکت‌های چندملیتی و بازارهای بورس و... تنهایی توان به یک حاکمیت فراگیر و بدون نقص و حکومت خوب، چشم داشت. این حاکمیت باید فراملی، جهانی و عدالت‌گستر باشد و بتواند پاسخ‌گوی نیازها و احتیاجات مادی، معنوی، اقتصادی، علمی و... جهان باشد. این حاکمیت تنها در سایه وجود امامی معصوم، آگاه و شجاع (مهدی موعود) امکان دارد و چندین قرن زندگی بشری نشان داده است که امکان تشکیل یک «مدینه فاضله» به دست بشر وجود ندارد و باید منتظر موعود آسمانی باشند. بر این اساس

می‌توان چندین رویکرد و دیدگاه اساسی، درباره «حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)» ارائه داد:

## ۱. درآمدی بر حکومت جهانی مهدی (عج)

### یک. درخشان‌ترین فرصت ارائه نظریه «حکومت جهانی مهدوی»

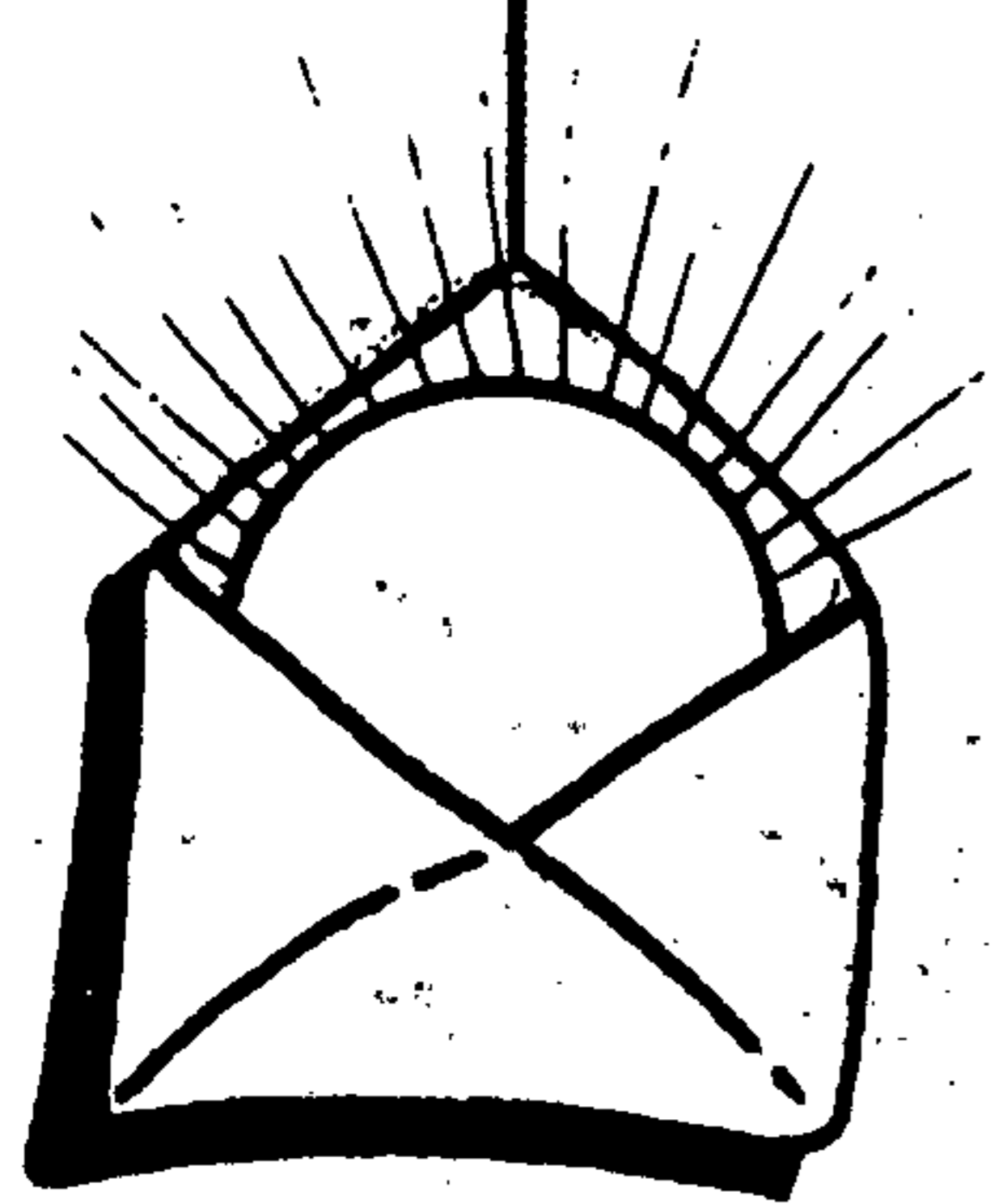
الان، وضعیت جهان به گونه‌ای است که به روشنی و با جرأت، می‌توان تصویری جامع و شفاف از حکومت جهانی مهدی (عج) ارائه داد و ساختار و ساز و کارهای اجرایی و عملی «دولت کریمه» را بیان نمود. پیش‌تر از این، زمینه و موقعیت اندکی برای تبیین چگونگی و نحوه حکومت مهدوی وجود داشت و سطح آگاهی و فهم مردم جهان به حدی نبود که بتوان به طور علمی و قاطع، درباره حکومت فراگیر آن حضرت صحبت نمود. اما با تحقق انقلاب صنعتی، فزونی اختراعات و اکتشافات، پیشرفت علم و دانش، بالا رفتن سطح آگاهی و اندیشه، رشد فن‌آوری و تولیدات صنعتی، گسترش ارتباطات رسانه‌ای و تصویری، فزونی اطلاعات و اخبار، نزدیکی جوامع و مردم به یکدیگر، نفوذ فرهنگ‌ها و ایستارها و بالاخره پدیده‌ی رو به رشد «جهانی شدن»، نه تنها زمینه برای ارائه نظریه «حکومت جهانی مهدی (عج)» فراهم آمده است؛ بلکه زمینه و آمادگی برای «ظهور» آن حضرت نیز فراهم شده است.

### دو. حتمی بودن انقلاب جهانی مهدی (عج)

یکی دیگر از بایسته‌های «مهدویت»، بیان حتمی بودن انقلاب جهانی مهدی و ظهور منجی بشریت و مصلح کل است. این وعده قطعی خداوند، به مردم جهان است که حکومت رادر برهه حساسی از زمان، به دست بندگان صالح و برگزیده خواهد داد و به وسیله او عدالت، رفاه، علم، بهداشت، آسایش، قسط و داد، آبادانی، یکتاپرستی و نیکی رادر پهنه گسترده «زمین»، ارزانی خواهد بخشید. در این نوشتار قصد به تصویر کشیدن آن «جامعه جهانی موعود» را نداریم؛ بلکه تنها با استناد به روایات در صدد اثبات این مدعا هستیم که «حکومت مهدی (عج)»، به یقین جهانی خواهد بود و تمام ساز و کارهای اداره حکومت جهانی، در آن وجود دارد. این بشارتی است که می‌تواند باعث تسکین خاطر بشر و زنده شدن امید به آینده پرافتخار شود.

### سه. اثبات نظریه «حکومت جهانی مهدی موعود (عج)»

چالش‌ها، ستیزه‌جویی‌ها و کاستی‌های موجود در دنیا و نیازها و احتیاجات فراروی بشر،



انظار

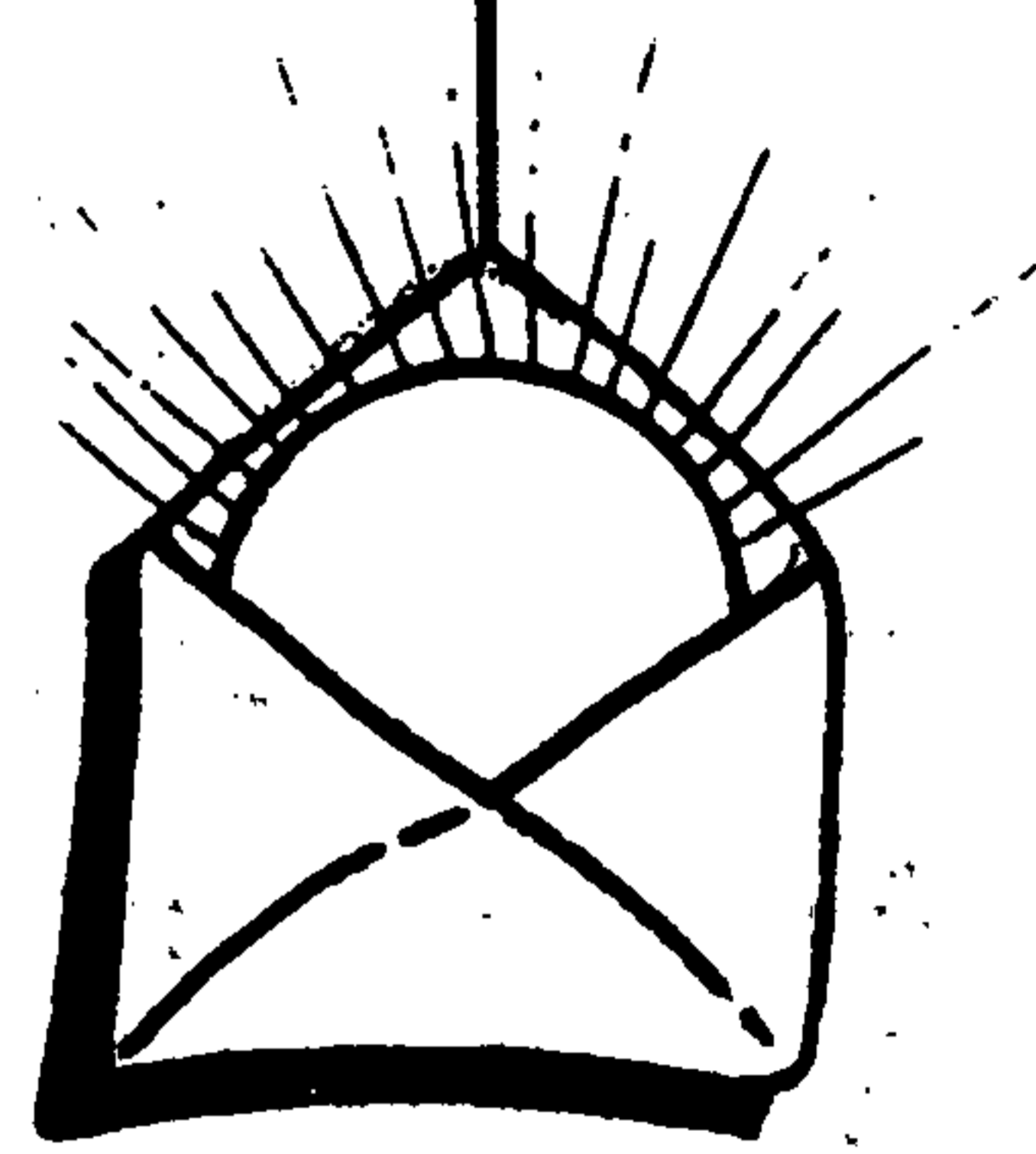
۱۶۹

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

روز به روز بر ابطال نظریات و فرضیات «جهانی شدن» - به شکل کنونی - و سایر نظریات و اندیشه‌های دنیوی گرایانه «سیاست» صحه می‌گذارد. با ابطال این آرا و نظریات و یا اصلاح و بازسازی آنها، زمینه برای اثبات نظریه جامع و کامل «حکومت جهانی قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)» فراهم می‌شود و قابل پذیرش بودن این نظریه، در اذهان و افکار بشر و محافل علمی و دانشگاهی، آسان می‌گردد. پس تنها نظریه قابل قبول در عرصه جهانی، نظریه «حکومت جهانی مهدی (عج)» است که اشکالات و ابهامات سایر نظریات را ندارد و خود کامل‌ترین، دقیق‌ترین و جامع‌ترین نظریه برای اداره جهان به شمار می‌آید.

### چهار. حکمت و فلسفه اصلی ظهور منجی بشریت

روشن و بدیهی است که علت و فلسفه اصلی قیام مصلح کل و جنگ و ستیز با ستمگران و مفسدان؛ تشکیل «حکومت جهانی» و دست یافتن به حاکمیتی مقتدر و الهی است. برنامه‌ها و راه کارهای اجرایی و بنیادین این دولت، تماماً در راستای «جهان شمولی» و «جهان گستری» است و شامل تمام نقاط روی زمین می‌شود؛ به طوری که هیچ نقطه‌ای از جهان، از فیض وجود این حکومت، بی بهره نخواهد بود و مردم با آغوش باز پذیرای آن خواهند بود و مقاومت و ایستادگی قدرت‌های ستمگر و استعماری درهم خواهد شکست. این حکومت تحت عناوین دولت عدل و داد، دولت کریمه، حکومت جهانی، حکومت مصلح جهانی و... معرفی شده و ویژگی‌ها و خصایص آن به روشنی در روایات بیان گشته است.



انظار

۱۷۰

### پنج. تحقق واقعی جامعه واحد جهانی

آرمان‌ها و آرزوهای بشر در طول تاریخ - به خصوص در عصر جهانی شدن - تنها و تنها در حکومت جهانی «مصلح کل» تحقق خواهد یافت. هیچ یک از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ جهانی، توان و شایستگی اداره مطلوب جهان را ندارند. صلح، رفاه، آرامش، امنیت، گسترش علم، خردورزی و عقل‌گرایی، ریشه‌کنی ظلم و ستم، رفع فساد و تباهی از جهان، گسترش مکارم و فضایل اخلاقی، قبول آیین واحد جهانی، فرهنگ سالم، برابری و مساوات، بی‌نیازی و غنا، اوج تکنولوژی و فن‌آوری، ارتباطات سریع و گسترده جهانی و... تنها در یک «حکومت» امکان وقوع و تحقق دارد و آن حکومت جهانی مهدی (عج) است. حکومتی که برای هدایت و نجات مردمان قیام کرده و با آگاهی بخشیدن به آنان، زمینه‌های دین‌داری، رضایت و قناعت را در آنان ایجاد خواهد کرد و «مدینه فاضله موعود» را برای آنها

به ارمغان خواهد آورد. همچنین بشارت های تمامی ادیان الهی و مذاهب بزرگ، تنها با ظهور آن حضرت، تحقق خواهد یافت.

### شش. دین راه حل مشکلات و کاستی ها

همان طور که پیش تر گفته شد، راه حل اصلی مشکلات و نارسایی های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی «جهانی شدن»، حضور فعال و گسترده «مذهب» در عرصه بین الملل است. حکومت جهانی حضرت مهدی، بهترین گزینه برای رشد، بالندگی و شکوفایی «مذهب» است و مکارم اخلاقی، فضایل انسانی، مساوات و برابری، احترام و حفظ حقوق بشر و... در سایه این حکومت، ترویج و گسترش خواهد یافت.

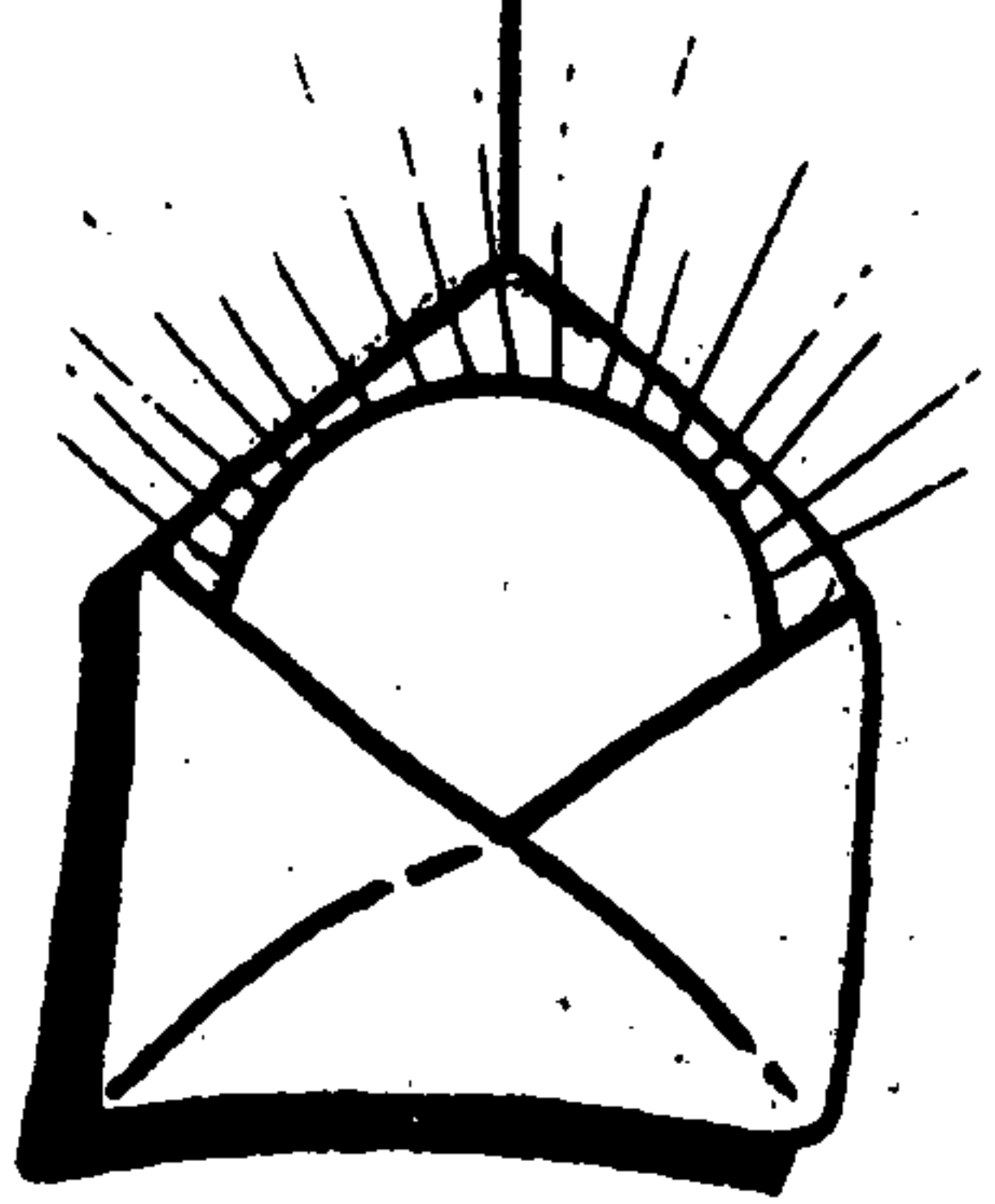
نویسنده مقاله «جهانی شدن از منظر مذهب» می گوید: «ما باید به دین، به عنوان یک روش تام و تمام زندگی - که ریشه در ایمان به خدا دارد و خود را به صورت یک نظام عملی اخلاقی هم در سطح فرد و هم در سطح جامعه نشان می دهد - نگاه کنیم. عدالت، محبت، شفقت، ارزش هایی که در همه ادیان بسیار مورد احترام اند، باید این روش زندگی را هدایت کنند. از آن جایی که این ارزش ها جهانی هستند، دین باید به عنوان یک کانال انتقالی برای این ارزش ها حمل کند و آنها را به سبکی حقیقتاً جهانی و همه شمول تبلیغ کند و در عرصه اجتماعی نیز به همان گونه به اجرا گذارد. این کاری است که ما انتظار داریم و اهل تدین در قرن بیست و یکم، باید آن را هم انجام دهند و بدین وسیله با تهدید جهانی شدن به مقابله برخیزند...»<sup>۳۷</sup>

### هفت. عصر ظهور

قیام و ظهور امام زمان (عج)، باید در عصر و دورانی باشد که امکان عملی شدن یک حکومت فراگیر جهانی فراهم و یا حداقل زمینه های آن - از لحاظ ارتباطات، اطلاعات، اقتصاد جهانی، فرهنگ گسترش یافته و... - به وجود آمده باشد. به نظر می رسد در موقعیت فعلی جهان، این زمینه ها و موقعیت تا حدودی فراهم آمده و بستری مناسب برای تحقق آرمان های جهانی، ایجاد شده است. روشن است که «عصر ظهور»، دوران علم و اندیشه، پیشرفت و رشد، ارتباطات سریع و همگانی و اطلاعات دقیق و روزآمد است و «عصر حاضر» می تواند پیش زمینه و نمایی از آن «زمان موعود» باشد.

امام راحل فرموده است:

«من امیدوارم که ان شاء الله برسد آن روزی که وعده مسلم خدا تحقق پیدا کند و مستضعفان مالک



انتظار

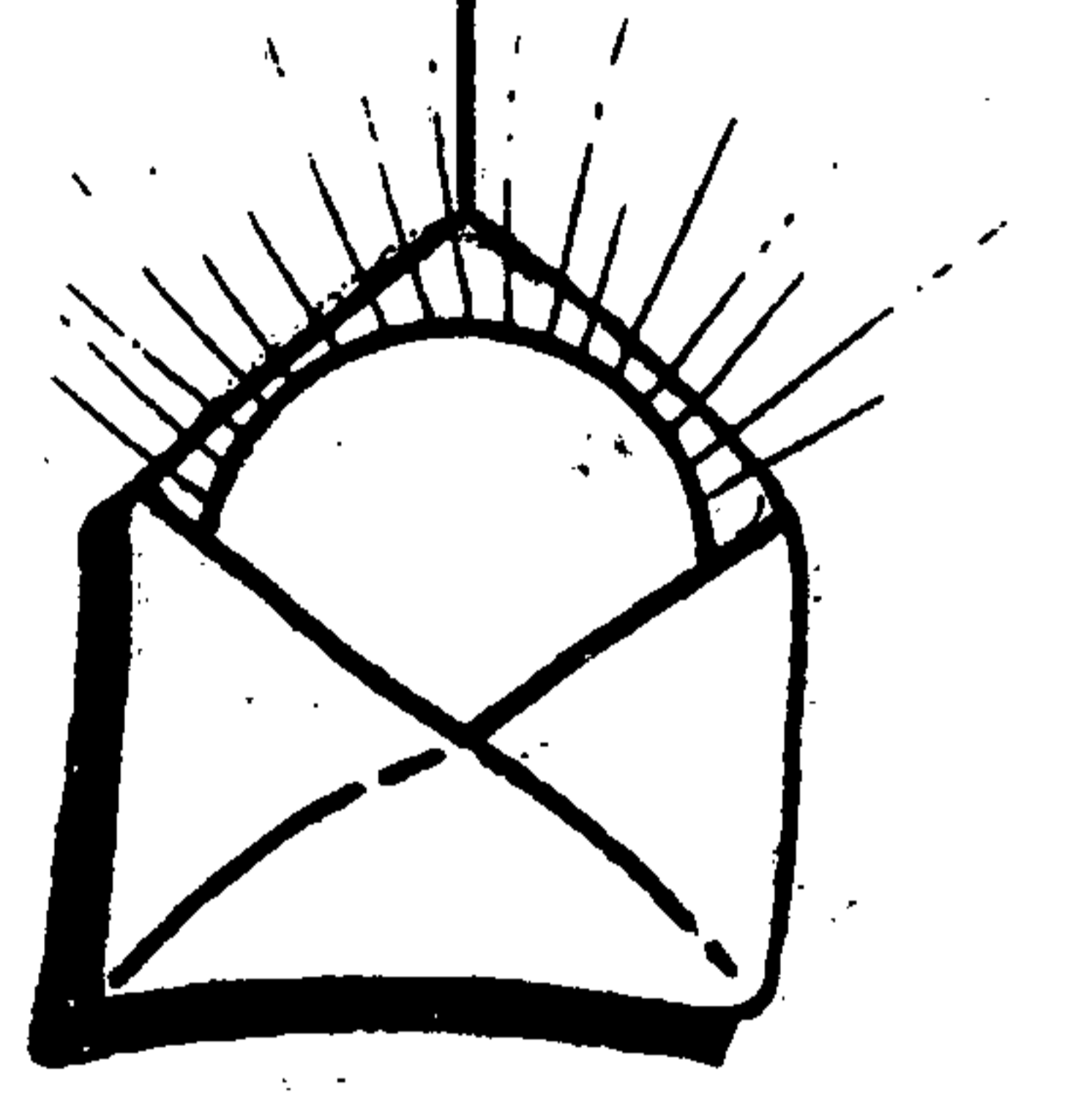
۱۷۱

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

ارض بشوند. این مطلب وعده خداست و تخلف ندارد؛ منتها آیا مادرک کنیم یا نکنیم. آن به دست خدا است. ممکن است در یک برهه کمی وسایل فراهم شود و چشم ما روشن بشود به جمال ایشان. این چیزی که مادر این وقت، در این عصر وظیفه داریم، این مهم است...»<sup>۳۸</sup>

### هشت. جهانی شدن اندیشه «مهدویت»

در عصر اخیر، نه تنها، ایده «نجات بخشی» و «انتظار منجی مصلح»، جهانی شده و بیشتر ادیان بزرگ، توجه وافری به آن داشته اند؛ بلکه اندیشه «مهدویت» نیز در حال «جهانی شدن» است و مسلمانان جهان، توجه و علاقه زیادی به آن نشان داده و آن را وارد «گفتمان های دینی و عقیدتی» خود کرده اند. برخی از اندیشمندان و متفکران غیر مسلمان نیز، بحث ها و نگارش های مختلفی درباره «مهدویت» و آثار و پیامدهای جهانی آن داشته اند. به هر حال «اندیشه اصلاح طلبانه مهدویت» در حال حاضر، جهانی شده و اگر تا چند دهه پیش مورد غفلت مسلمانان و اندیشمندان قرار گرفته بود، اینک رویکرد استقبال آمیزی به آن شده است. آمار و بررسی های انجام شده - به خصوص در موسم حج و یا در انتفاضه فلسطین - نشانگر تغییر و تحولی عمیق در اندیشه های مسلمانان درباره «حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)» است و پرسش ها و جست و جوهای علمی برخی از مسلمانان نیز حاکی از این تحرک و تحول عظیم است.



انظار

۱۷۲

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

### نه. ساختار نظام سیاسی مهدوی (علیه السلام)

مهم ترین بحث در مورد حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، مربوط به ساختار کارآمد و منحصر به فرد نظام سیاسی مهدوی است؛ یعنی، برخلاف «جهانی شدن» - که امری کاملاً غیر منسجم، مبهم، پراکنده و ناکارآمد است - حکومت فاضله حضرت مهدی (عج)، دارای ویژگی ها و ساختاری واحد، منسجم، کارآمد، مقتدرانه و تحت مدیریت کامل و با کفایت ایشان است. در این ساختار به همه ابعاد زندگی بشری، توجه شده و در تمامی زمینه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، برنامه و راه کار ارائه گشته است. هیچ بعدی از زندگی بشری، مورد غفلت واقع نشده و ریزترین و جزئی ترین مسائل حیات اجتماعی و فردی روی زمین، در این حکومت دارای اهمیت و ارزش است. پس ساختار نظام سیاسی مهدوی، کاملاً جهانی، فراگیر و عام شمول است و ساز و کارهای اجرایی و اداری آن، بر اساس مدیریت «همه عرصه های جهانی» تنظیم شده است.



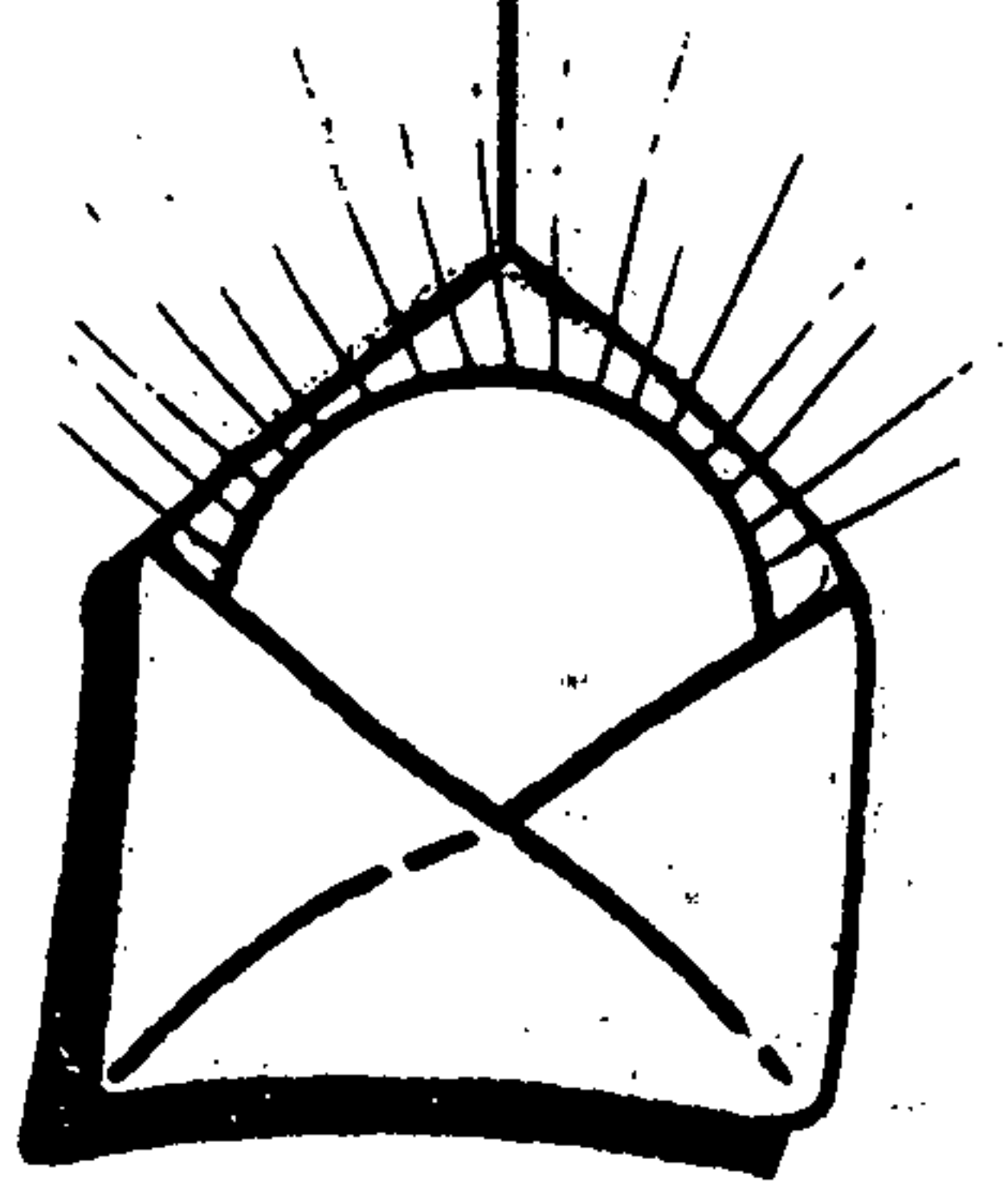
## ۲. مبانی و اهداف «حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)»

«اعتقاد به مهدویت»، اعتقاد به فراگیری نیکی‌ها و مکارم انسانی، عدل و قسط گستری، پایان خوب تاریخ، استقرار حکومت و دین واحد جهانی و... است. «اندیشه مهدویت»، همان خواسته اصیل مسلمانان و امید و آرزوی یکتاپرستان، در دستیابی به «حکومت جهانی عدل» و از بین رفتن «ظلم، ستم، بی‌دینی و فساد» است. «اندیشه مهدویت»، اندیشه شورآفرین و تعالی بخش انسان‌های آزاده‌ای است که منتظر «پایان خوش تاریخ» با پیروزی صالحان و نیکان هستند و به «کرامت و عزت انسان‌ها» اعتقاد دارند. نقطه اوج و حساس این اندیشه، پایان یافتن حکومت‌های زور و زور دنیایی و تأسیس «حکومت واحد جهانی مهدوی» است. حکومتی که با امدادهای معنوی، یاری صالحان و خواست قلبی مردم، تأسیس خواهد شد و با ظهور منجی بشریت، قیامی فراگیر علیه ظالمان و ستمگران روی خواهد داد.

این حکومت جهانی، ریشه‌ها و مبانی خاص خود را دارد که تمایز و ویژگی خاصی به آن بخشیده است. در رابطه با مبانی این «حکومت صالحان»، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. امامت و بایستگی حکومت امام معصوم؛ بنای اصلی اندیشه «مهدویت» و «تشکیل حکومت جهانی عدل»، ضرورت وجود امام در جامعه و لزوم تشکیل حکومت از سوی او برای هدایت، راهنمایی، برنامه‌ریزی و نظام‌دهی جامعه دینی است. لذا امام شئونی دارد که از جمله آنها، پیشوایی و رهبری جامعه است. امامت - که همان پیشوایی و جلوداری است - طرح سیاسی شیعه برای اداره جامعه است. در نگاه شیعه، آدمی همان گونه که مضطر به «وحي» است، مضطر به «امام معصوم» نیز هست... اگر اهداف حکومت را هدایت انسان در تمامی ابعاد وهم، حس، فکر، عقل، قلب و روح او بدانیم؛ آن وقت باید به کسی روی بیاوریم که به همه اینها آگاه است و از تمامی کشش‌ها و جاذبه‌ها آزاد است و ترکیب آگاهی و آزادی، همان عصمتی است که در فرهنگ سیاسی شیعه (امامت معصوم) مطرح است...<sup>۳۹</sup>

۲. غایت و پایان تاریخ (فلسفه تاریخ)، حاکمیت صالحان است؛ این وعده حتمی خداوند به انسان‌ها - به خصوص مستضعفان، ستم‌دیدگان و نیک‌کرداران - است. این حاکمیت به دست پر توان حضرت ولی عصر (عج) تحقق خواهد یافت. گفتنی است که تشکیل حکومت عدل جهانی، از ویژگی‌های امام زمان است و چنین کاری را هیچ پیامبر و یا امام دیگری انجام



انظار

۱۷۳

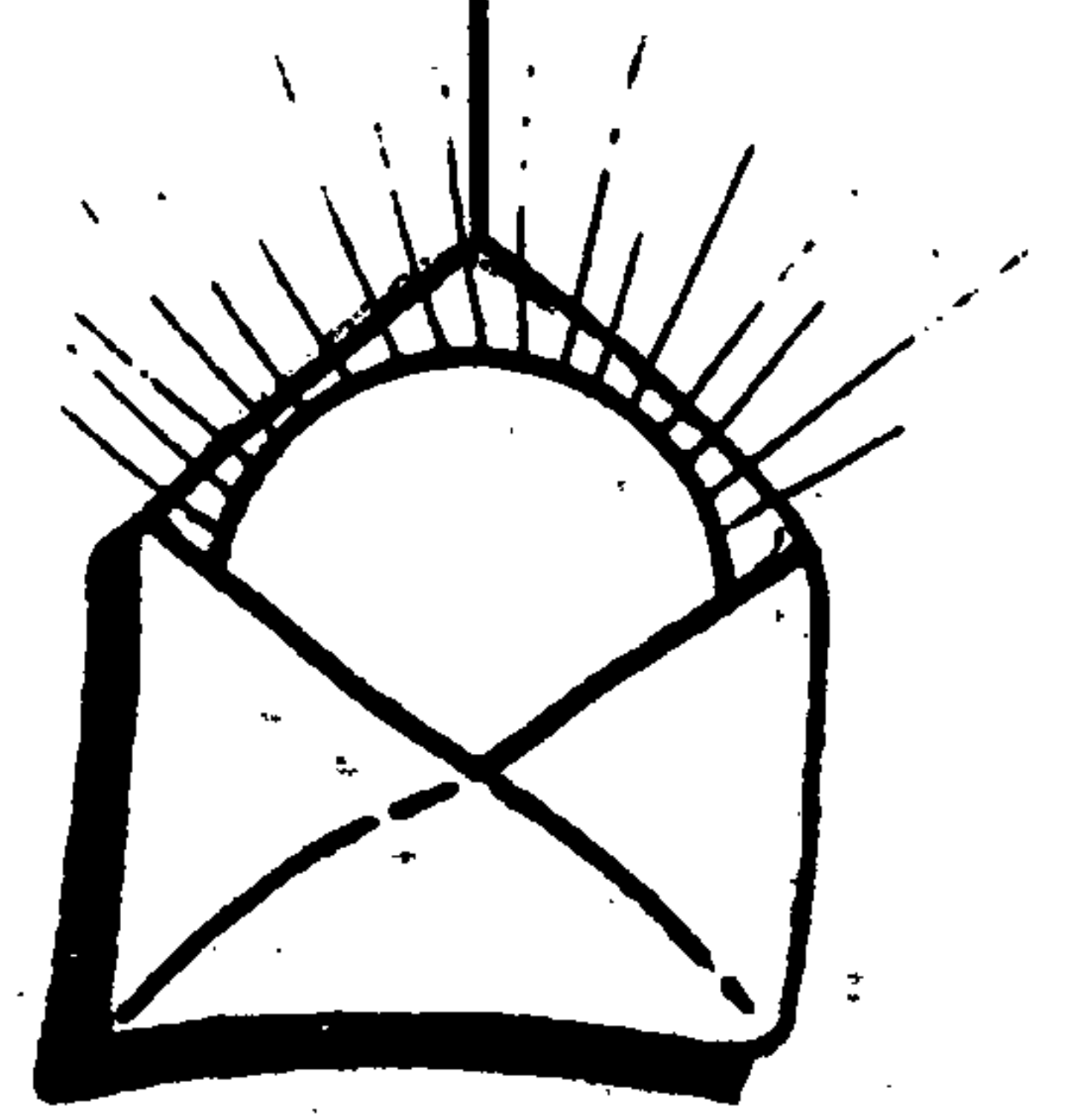
سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

نداده است. از برخی آیات قرآن و روایات استفاده می شود که بالاخره زمانی خواهد رسید که یک حکومت عدل الهی، بر جهان گسترده می شود. در روایات صاحب این حکومت، مهدی موعود (عج) معرفی شده است؛ چنان که قرآن می فرماید: «ان الارض یرثها عبادی الصالحون»<sup>۴۰</sup> و «نرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین»<sup>۴۱</sup>.

**۳. ضرورت تشکیل حکومت جهانی؛ وضعیت و نمای کلی جهان، نشانگر این است که خطر جنگ، فقر، نابرابری، پرخاشگری، سودجویی، ظلم و فساد و انحراف فراگیر، به شدت آن را تهدید می کند و واحدهای مستقل سیاسی و بازیگران اصلی عرصه بین الملل، هر یک اقدامات خطر آفرین و بحران زا از خود بروز می دهند. این اضطراب و التهاب و نیاز انسان ها به صلح و امنیت - به خصوص در جوامع اسلامی - زیربنای تشکیل حکومت جهانی اسلام، به رهبری مهدی موعود (عج) است. «حالت کنونی جامعه اسلامی - که با ترس و التهاب به سر می برد - کانون اساسی فکری است برای تشکیل حکومت واحد جهانی و مایه از بین رفتن هر نوع اختلاف و... و زایل شدن اسباب جنگ های خانمان سوز و در سایه چنین حکومتی است که جهان بشریت، به سعادت و عزت می رسد و مردم جهان از نعمت های الهی و موهبت های طبیعی، به طور مساوی استفاده می کنند»<sup>۴۲</sup>.**

**۴. سرشت و گوهر واحد انسان ها؛ از آن جایی که انسان ها همه، دارای فطرت و سرشت واحد بوده و دارای یک مبدأ و منشأ یگانه هستند؛ بنابراین نمی توانند همواره جدا از هم و دشمن یکدیگر باشند و به جنگ و ستیزه جویی علیه هم پردازند. این سرشت واحد، خود می تواند مبنای ریشه اساسی برای تشکیل یک حکومت واحد جهانی باشد. صاحب اصلی این حکومت نیز باید کسی باشد که به درستی و بدون سودجویی شخصی، بتواند انسان ها را به هم نزدیک سازد و از اختلاف، تفرقه، تشتت و جدال نجات شان دهد. پس جهانی شدن حکومت حضرت مهدی، با سرشت و فطرت مردم متناسب و منطبق است و چیزی بر خلاف خواسته و علاقه آنان نمی باشد.**

**۵. رشد و تعالی انسان ها؛ انسان ها، همواره در جهت رشد و تعالی خویش تلاش می کنند و در صدد کمال یافتن و بالندگی افکار و اندیشه های خویش هستند؛ منتها کمال و رشد واقعی تحقق نخواهد یافت؛ جز با تشکیل یک حکومت آسمانی و ظهور «انسان کامل» و «هادی بشر» که بتواند با مدد جستن از غیب و قدرت ملکوتی، به حرکت و تلاش انسان ها جهت دهد و زمینه های رشد، بالندگی، تکامل و تعالی آنان را فراهم سازد. این مبنای عامل، می تواند یکی از**



انظار

۱۷۴

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

پایه های اساسی تشکیل حکومت جهانی مهدی موعود (عج) تلقی گردد.

۶. **ضرورت عدالت و قسط فراگیر؛** در آرا و افکار همه انسان ها - به خصوص دانشمندان و متفکران - عدالت و قسط، جایگاه مهم و اساسی دارد و آنان همواره در صدد یافتن راه کارهایی برای دست یافتن به این نیاز و آرزوی اصیل آدمی بوده اند؛ اما تا کنون این امر، به وقوع نپیوسته و انسان ها همواره از بی عدالتی و ظلم و ستم در رنج و سختی بوده اند و ۸۰٪ امکانات مادی و دنیایی در اختیار ۲۰٪ افراد غنی و ثروتمند بوده است. این مبنای بایستگی حکومت عدل جهانی را به خوبی اثبات و روشن می کند و بر درستی و صحت مدعای شیعیان، صحه می گذارد. پس بر این مبنای تشکیل دولت کریمه مهدوی، تمامی چیزها، برای همه انسان ها خواهد بود.

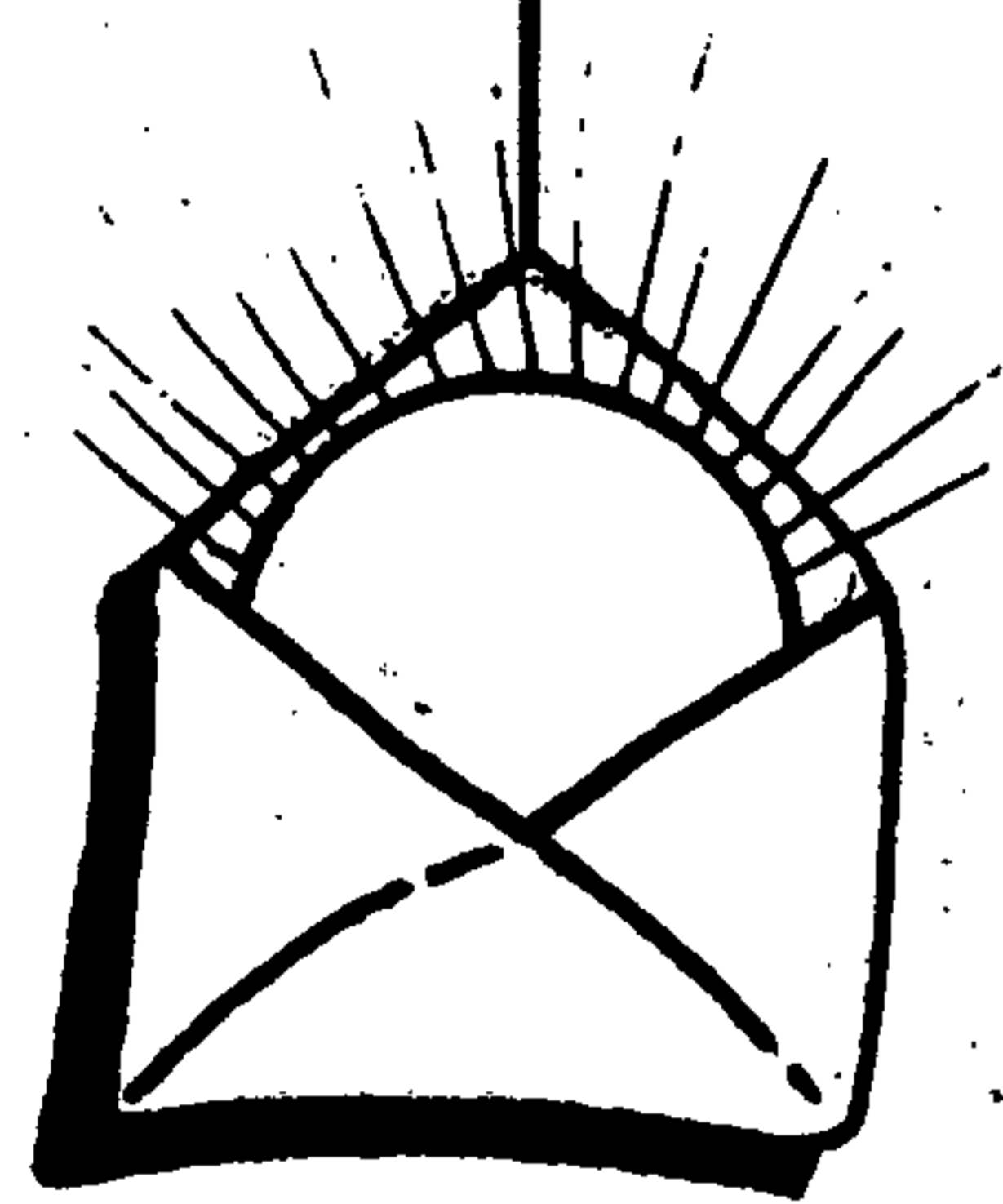
۷. **دین محوری یا انسان محوری؛** بر اساس این مبنای، اگر ما دین و آیین درست الهی را اساس و ریشه اعمال و افکار خود بدانیم؛ به این نتیجه خواهیم رسید که تنها راه برتری یکتاپرستی و دین داری در جهان، تشکیل یک حکومت واحد جهانی دینی است که عمده ترین برنامه و راهبرد آن، فراگیر ساختن آیین الهی بر روی زمین و از بین بردن ادیان و مکاتب ساختگی و منحرف شده بشر است. در این صورت انسان، فعالیت ها و استراتژی های خود را بر اساس دین محوری تنظیم خواهد کرد.

با توجه به این مبانی و ریشه ها، به خوبی می توان اهداف و آرمان های «حکومت جهانی مهدی (عج)» را ترسیم نمود و با استفاده از آیات و روایات، به خواسته ها و ایده های مصلح آسمانی پی برد.

### ۳. اهداف حکومت جهانی مهدی (عج)

مهم ترین و اصلی ترین اهداف و خواسته های حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) - که عمدتاً با اهداف جهانی شدن و جهانی سازی فرق دارد - عبارت است از:

۱. رساندن جامعه بشری به کمال مطلوب و رشد و بالندگی؛
۲. برقراری عدالت اجتماعی و گسترش قسط و عدل در سراسر گیتی؛
۳. اداره و ساماندهی نظام جهان بر اساس ایمان به خدا و احکام دین اسلام؛
۴. تثبیت و گسترش صلح و امنیت جهانی و از بین بردن جنگ ها، ستیزه جویی ها، کینه ها، زیاده خواهی ها و خود پرستی ها؛
۵. نجات دنیا و مردم، از چنگال ستمکاران، جباران و مفسدان و اهتزاز پرچم یکتاپرستی و



دین خواهی در پهنه زمین خاکی؛

۶. زنده و احیا کردن آیین توحیدی و تعمیق برابری و مساوات اسلامی؛

۷. تأسیس حکومت جهانی اسلام و تشکیل دولت کریمه؛

۸. بسط و گسترش دین اسلام و غلبه آن بر کلیه ادیان باطل و منحرف (لیظهره علی

الدین کله)؛

۹. به کمال نهایی رساندن علم و دانش بشری و رشد و شکوفایی اندیشه‌ها و افکار انسان‌ها؛

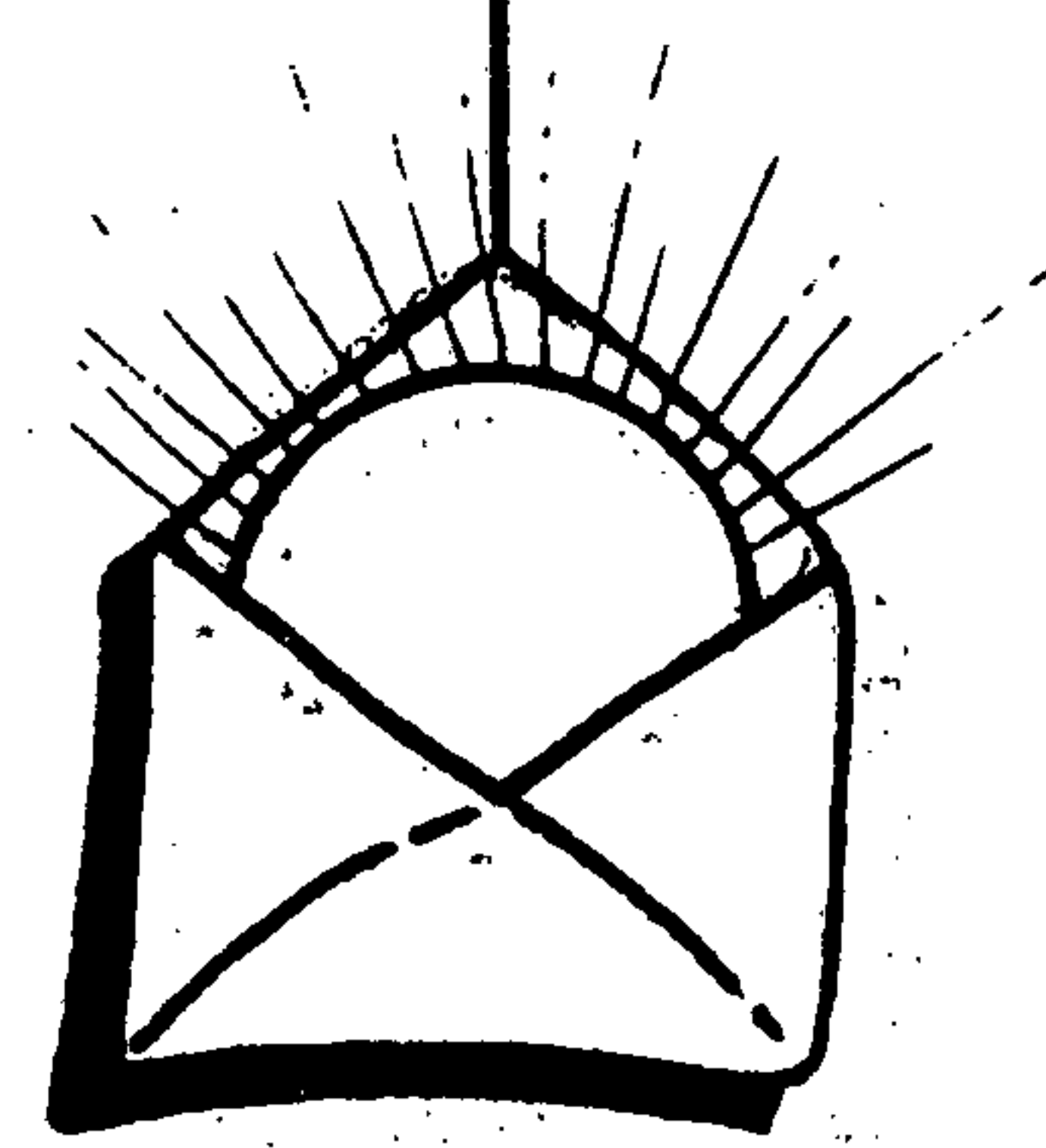
۱۰. تصحیح امور و کارهای زندگی بشری و استفاده صحیح از امکانات و منابع مادی و

معنوی جهان؛

۱۱. از بین بردن امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقه‌ای (جهان برای همه جهانیان).

#### ۴- ویژگی‌ها و برنامه‌های حکومت جهانی قائم (علیه السلام)

هر حکومتی که داعیه دار هدایت و رهبری جهان است، باید برنامه‌ها و راه کارهای متناسب با این ادعا را ارائه و میزان پایبندی و التزام خود را به آنها نشان دهد. یکی از مشکلات اساسی «جهانی شدن» این است که هیچ اعتماد و اطمینانی به برنامه‌ها و راه کارهای ارائه شده در آن وجود ندارد و سازمان ملل و کارگزاران نظام جهانی و سایر نهادهای بین‌المللی نیز، نشان داده‌اند که لیاقت و توان اجرای این برنامه‌ها را ندارند و دولت‌ها و شرکت‌های چند ملیتی نیز تنها در صدد بهره‌برداری و کسب سود و منفعت بیشتر از این پدیده هستند. اما برنامه‌ها و راه کارهای ارائه شده در «حکومت عدل اسلامی» ضمانت اجرایی قوی دارد و رهبر آن، «مدیری صالح، عادل، آگاه، شجاع و دانشمند» است. تمامی برنامه‌های او در جهت تأمین سعادت و بهروزی مردم و جلب رضایت و خشنودی آنان می‌باشد. پاره‌ای از ویژگی‌های این حکومت جهانی، عبارت است از:



انطوار

۱۷۶

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

#### ۱. تشکیل حکومت فراگیر جهانی

حکومت و دولت حضرت مهدی (عج)، فراگیر و جهانی خواهد بود و قدرت و سلطه او از شرق تا غرب دنیا را فرا خواهد گرفت؛ چنان که محدث نوری می‌نویسد: «از صفات و ویژگی‌های مهدی (عج)، فراگرفتن سلطنت آن حضرت تمام روی زمین را از شرق تا غرب، بر

و بحر، معموره و خراب و کوه و دشت است. نماند جایی که حکمش جاری و امرش نافذ نشود و اخبار در این معنا متواتر است». آری مهم‌ترین ویژگی حکومت جهانی حضرت مهدی، قرار گرفتن جهان تحت یک مدیریت واحد و کارآمد است؛ به طوری که خود رأیی‌ها، مقام پرستی‌ها و خود محوری‌ها از بین خواهد رفت و همه بر اطاعت از یک حاکم مقتدر جهانی، اتفاق خواهند داشت. با توجه به بعضی از روایات، به دست می‌آید که جهان در آن زمان به ۳۱۳ بخش تقسیم شده و آن حضرت، ۳۱۳ تن از یاران نزدیک خود را بر آنها حاکم خواهد ساخت.

۱. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب»<sup>۴۳</sup>؛ دولت و سلطنت مهدی (عج) همه شرق و غرب جهان را در بر می‌گیرد».

۲. «ولا یكون ملک الا للاسلام»<sup>۴۴</sup> در آن روز حکومتی جز حکومت اسلامی نخواهد بود».

۳. امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: «حضرت مهدی (عج) شرق و غرب جهان را تحت سیطره خود در آورد... شرّاز جهان رخت بر بندد و تنها خیر باقی بماند»<sup>۴۵</sup>.

۴. امام باقر (علیه السلام): «حضرت قائم (علیه السلام) ۳۰۹ سال حکومت می‌کند؛ چنان که اصحاب کهف مدت ۳۰۹ سال در غار ماندند؛ زمین را پر از عدالت می‌کند، آن چنان که پر از جور و ستم شده باشد. خداوند شرق و غرب جهان را برای او فتح می‌کند»<sup>۴۶</sup>.

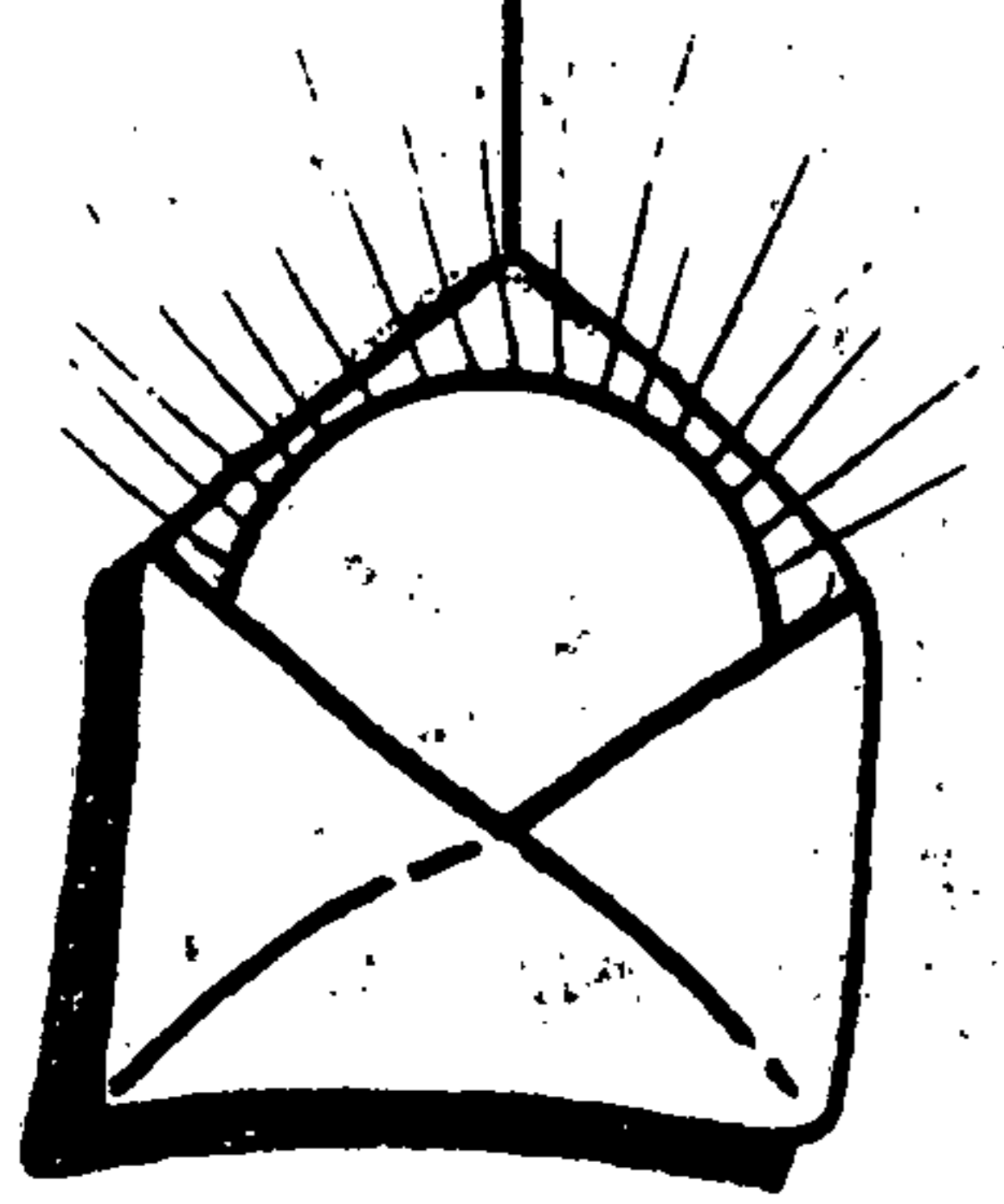
۵. «هنگامی که قائم (عج) قیام کند، برای هر کشوری از کشورهای جهان فرمان‌روایی بر می‌گزیند...»<sup>۴۷</sup>.

۶. امام سجاد (علیه السلام): «وقتی که قائم قیام می‌کند، خداوند آفت را از شیعیان دور می‌کند و قلب آنان را همچون قطعات آهن، محکم و نیروی هر مرد را به اندازه چهل مرد می‌سازد. آنان حکومت و ریاست تمامی مردم جهان را به دست خواهند گرفت»<sup>۴۸</sup>.

۷. «حضرت مهدی (علیه السلام) یارانش را در همه سرزمین‌ها پراکنده می‌کند و به آنها دستور می‌دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنان را فرمانروایان کشورهای جهان می‌گرداند و به ایشان فرمان می‌دهد که شهرها را آباد سازند»<sup>۴۹</sup>.

## ۲. دین و آیین واحد جهانی

در حکومت جهانی واحد، دین برتر و آیین پذیرفته شده مردم، اسلام خواهد بود و این نشان می‌دهد که برنامه حضرت مهدی (عج) جهان شمول و فراگیر بوده و مردم با رغبت و



انتظار

۱۷۷

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

علاقه دین اسلام را اختیار خواهند کرد و نجات و سعادت خود را در پیروی از آن خواهند دانست. در نتیجه فضایل اخلاقی و مکارم انسانی، در جوامع حاکم شده و فساد، الحاد و بی دینی از بین خواهد رفت.

۱. رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «تا هر کجا که تاریکی شب وارد شود، این آیین مقدس نفوذ خواهد کرد»<sup>۵۰</sup>.

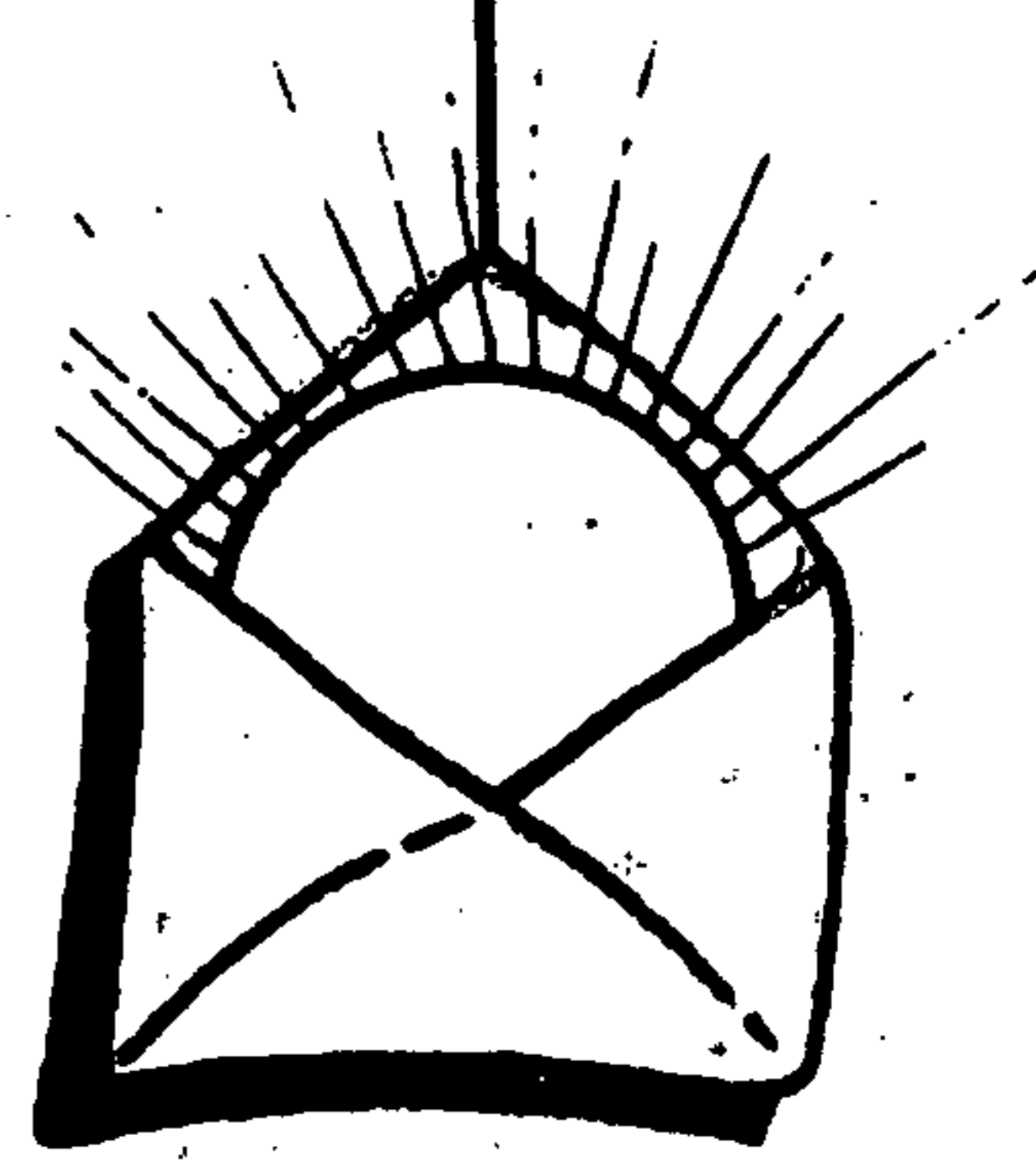
۲. امام حسن مجتبی (علیه السلام)، درباره از بین رفتن کفر و بی دینی از جهان و پذیرش آیین واحد از سوی مردمان می فرماید: «خداوند در آخر الزمان و دوران شدت روزگار و عصر جهل مردم، مردی را برانگیزد و او را با فرشتگان خود، یاری دهد... و او را بر تمام زمین چیره فرماید تا این که [مردم] از روی میل و یا از روی اکراه، دین را بپذیرند. او زمین را از عدل و داد و نور و برهان پر کند. شرق و غرب زمین از آیین او پیروی کنند. تا آن که کافری نماند، مگر این که ایمان آورد و گناه کار و فاسدی نماند، مگر این که نیکو کار شود. در حکومت او، درندگان با هم صلح می کنند...»<sup>۵۱</sup> پس از ویژگی های برجسته این جامعه جهانی، این است که همگان در آن یکتاپرست اند و خدا را به یگانگی می پرستند و شریکی برای او قرار نمی دهند و از گناهان و مفسد دوری می جویند.

۳. امیر مؤمنان (علیه السلام): «هیچ آبادی ای نخواهد ماند، مگر آن که در آن جاهر صبح و شام، به یکتایی خدا، شهادت داده خواهد شد»<sup>۵۲</sup>.

۴. امام باقر (علیه السلام): «هیچ یهودی و مسیحی و هیچ پرستش کننده غیر خدایی باقی نمی ماند، مگر این که به او ایمان می آورد و او را تصدیق می کند»<sup>۵۳</sup>. این روایات، به خوبی نشان می دهد که ایده مذهب واحد جهانی، در زمان ظهور، به واقعیت خواهد پیوست و این بشارت و مژده الهی محقق خواهد شد.

### ۳. عدالت فراگیر جهانی

«عدالت» - عدالت اقتصادی، قضایی، اخلاقی و سیاسی - یکی از آرمان ها، خواست ها و آرزوهایی است که بنی آدم در طول تاریخ، به آن توجه داشته و در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی خود، به آن نیازمند بوده است. این نیاز دائمی انسان تنها در «حکومت جهانی مهدوی (عج)» برآورده خواهد شد و «عدالت» تنها با آمدن «منجی موعود»، تحقق خواهد یافت و عدل و قسط و مساوات، نماد اصلی حکومت او خواهد بود.



انظر

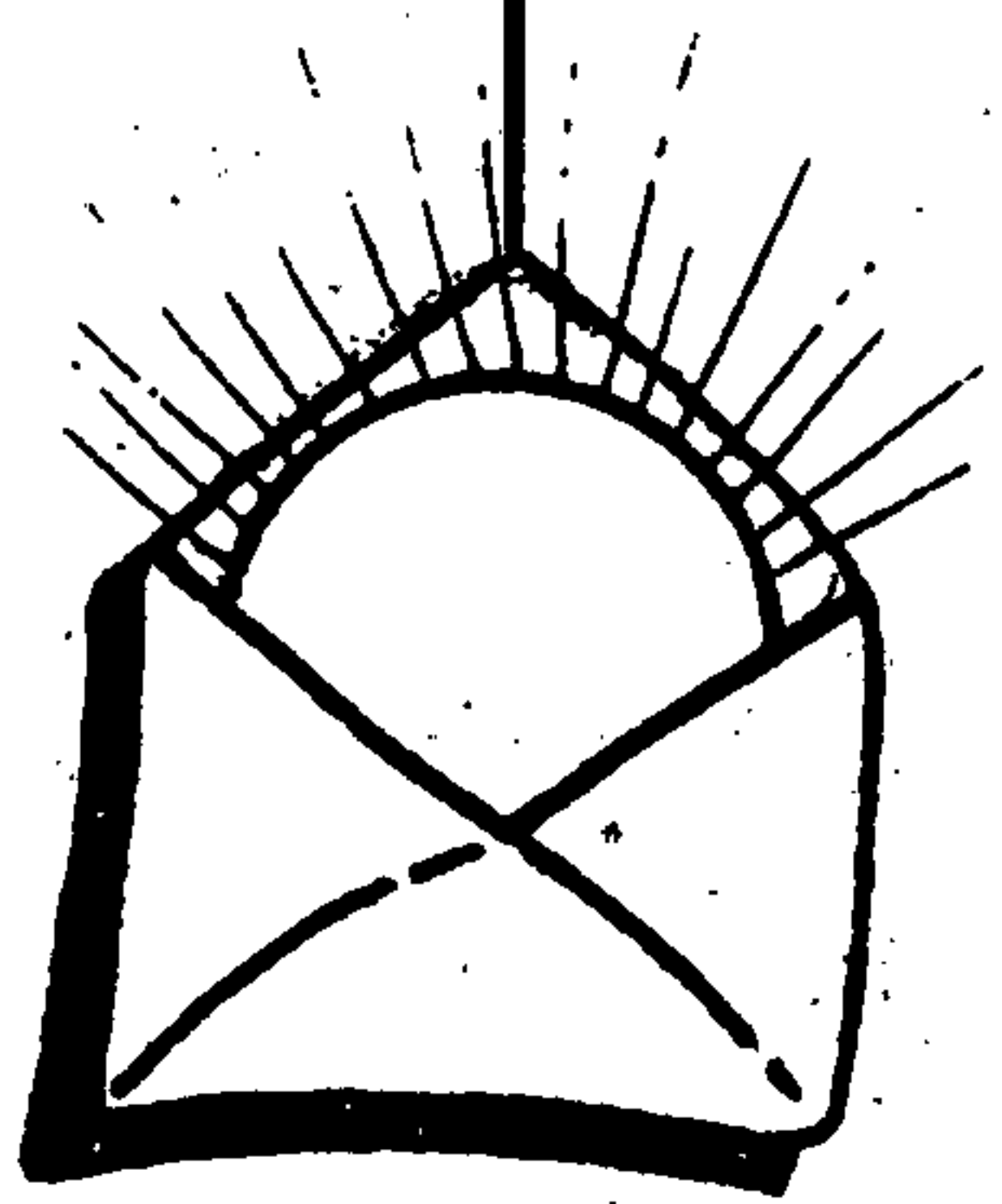
۱۷۸

۱. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در باره اوضاع زمین پس از ظهور حضرت ولی عصر (عج) در روایت مشهوری می فرماید: «فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا»؛ «پس زمین را از عدل و داد لبریز می کند، پس از آن که از ستم و بیداد لبریز شده است»<sup>۵۴</sup>.
۲. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم): «يَسْعَهُمْ عَدْلُهُ»؛ «عدالتش فراگیر شود»<sup>۵۵</sup>.
۳. امام صادق (علیه السلام): «به خدا سوگند! عدالت او (مهدی (علیه السلام)) در خانه هایشان وارد می شود؛ همچنان که گرما و سرما وارد می گردد»<sup>۵۶</sup>.
۴. «چون مهدی (عج) قیام کند، مال را به طور مساوی تقسیم می کند و عدالت را در میان رعیت اجرا می کند. هر کس از او اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است»<sup>۵۷</sup>.
۵. امام رضا (علیه السلام): «هرگاه [قائم اهل بیت] خروج کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود و ترازوی عدالت میان مردم برقرار می گردد. پس کسی به کسی ستم نخواهد کرد»<sup>۵۸</sup>.

#### ۴. امنیت و صلح جهانی

امنیت و صلح واقعی و آرامش - که گوهر نایاب زندگی انسان ها است - از ویژگی های جهانی و فراگیر امام زمان (عج) است. در آن عصر، خوف ها زایل می شود و جان و مال و آبروی اشخاص در امان قرار می گیرد و در سراسر جهان امنیت عمومی حاکم می شود و اختناق، استبداد، استکبار و استضعاف - که همه از آثار حکومت های غیر الهی است - از جهان ریشه کن می گردد و حکومت های طاغوتیان - به هر شکل و هر عنوان - برچیده می شود. از اخبار روایات استفاده می شود که:

۱. «به واسطه حضرت ولی عصر (عج) راه ها آن قدر امن می شود که شخصی - حتی ضعیف ترین مردم - از مشرق به مغرب سفر می کند، از احدی به او آزار و اذیت نمی رسد»<sup>۵۹</sup>.
۲. امیر مؤمنان درباره رفع کینه ها و دشمنی ها از جهان می فرماید: «اگر قائم ما قیام کند، آسمان باران خود را فرو می ریزد و زمین نباتات خود را بیرون می افکند و کینه ها و ناراحتی ها، از دل بندگان خدا، زایل می گردد»<sup>۶۰</sup>.
۳. و نیز فرمود: «هرگاه قائم ما قیام کند، کینه توزی از دل های همه مردم، رخت برمی بندد و چهار پایان رام می گردند تا آن جا که زنی از عراق تا شام، مسیر را می پیماید، در حالی که هیچ درنده ای او را نمی آزارد...»<sup>۶۱</sup>.



اخبار

۱۷۹

سال دوم / شماره ششم / زمستان ۸۱

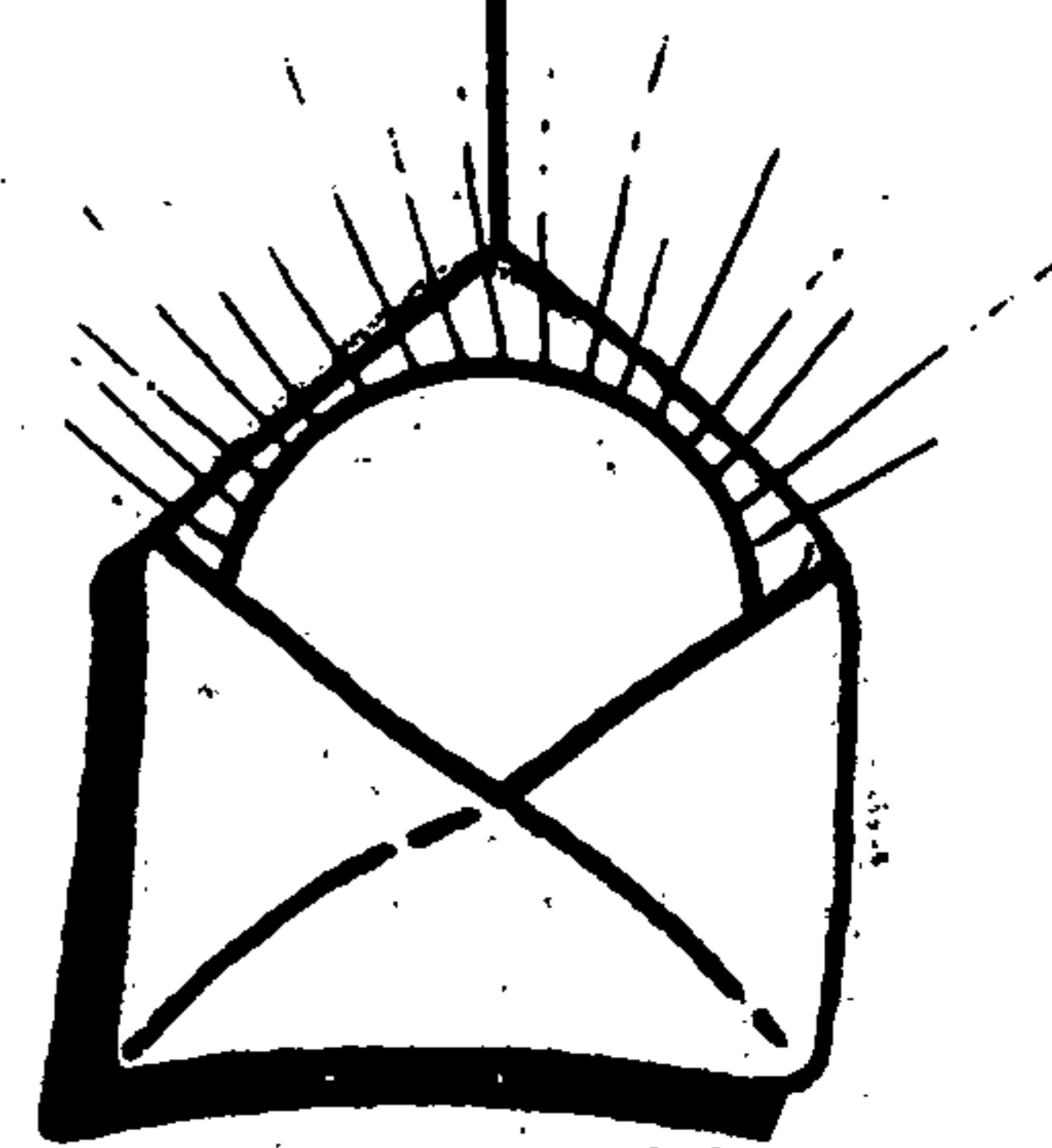
۴. امام باقر (علیه السلام): «مهدی آن چنان رفع ستم از ستمدیدگان می کند که اگر حق شخصی، زیر دندان کسی باشد، آن را باز می ستاند و به صاحب حق بر می گرداند»<sup>۶۲</sup>.

## ۵. ملت واحد جهانی

ایجاد همبستگی و یکپارچگی در میان انسان ها و نزدیک کردن دیدگاه ها، افکار و آمال آنها به یکدیگر، خواسته و آرزوی دست نیافتنی در وضعیت کنونی جهان است. اما با ظهور مصلح کل و بالا رفتن بینش و آگاهی مردم و از بین رفتن منیت ها و خودخواهی ها، همبستگی و اتحاد شگرفی در میان انسان ها به وجود خواهد آمد. وقتی که امت واحد جهانی، شکل بگیرد، تمامی اختلاف ها، کینه ها، ستیزه جویی ها، تجاوزها و... از بین خواهد رفت و همگان یکدل و یکرنگ، اطاعت از آن حضرت را پیشه خود خواهند ساخت.

۱. امام باقر (علیه السلام): «تمام جهان، ملت واحد می شوند و آن ملت اسلام است و هر چه معبود غیر خدا در زمین باشد، به آتش فرود آینده از آسمان، خواهد سوخت»<sup>۶۳</sup>.

۲. «به هنگام خروج حضرت مهدی (عج)، خطاب و ندای عامی به همه مردم جهان می شود و آنها به اطاعت از او فرا خوانده می شوند.»



انظار

۱۸۰

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

## ۶. پیشرفت و رفاه جهانی

در دولت کریمه مهدی موعود (عج)، وضع اقتصاد و معیشت عمومی، خیلی خوب خواهد شد و اوضاع اقتصادی و مالی مردم، سامان خواهد یافت. در آن عصر، نعمت های الهی افزون، آب ها مهار، زمین ها حاصل خیز و معادن ظاهر خواهد شد. هیچ فقیری باقی نخواهد ماند تا از بیت المال، کمک مالی دریافت کند. رونق و شکوفایی اقتصادی، باعث خواهد شد که همگان از برکات و آثار دولت او، برخوردار شوند و چهره کریه فقر، نابرابری، فساد مالی و... از جهان رخت بر خواهد بست.

۱. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم): «خداوند به وسیله مهدی، از امت رفع گرفتاری می کند»<sup>۶۴</sup>.

۲. «امت من در دوزان مهدی، چنان متنعم شود که بسان آن، بهره وری را ندیده باشد. آسمان پیوسته باران (رحمت) خود را بر ایشان فرو می فرستد و زمین رویدنی های خود را بیرون می ریزد. ثروت در آن روز بر روی هم انباشته می شود. [وقتی] مردی برپا خیزد و بگوید:



ای مهدی! بر من عطا نما؛ گوید: بگیر»<sup>۶۵</sup>.

۳. امام باقر (علیه السلام): «مهدی (عج)، اموال را میان مردم چنان به مساوات تقسیم می کند که دیگر محتاجی دیده نمی شود تا به او زکات دهند»<sup>۶۶</sup>.

۴. و نیز فرمود: «آن چنان میان مردم، مساوات برقرار می سازد که حتی نیازمند به زکات را هرگز نخواهی دید»<sup>۶۷</sup>.

۵. «امت اسلامی در عهد او آن چنان از فراخی معیشت برخوردار می شود که هرگز نظیر چنین نعمت و آسایشی دیده نشده است»<sup>۶۸</sup>.

## ۷. کمال علم و عقل

یکی دیگر از آرمان های بشری، رسیدن به قله های کمال علم و عقل است که این مهم - جز در حکومت مهدوی - تحقق نخواهد یافت. دانش و علم بشری، به حد نهایی و کامل خود خواهد رسید و دریچه های حکمت و دانش ها به روی بشر گشوده خواهد شد. عالم اندیشمند سید جعفر کشفی می نویسد: «بدان که زمان ظهور دولت آن جناب - که زمان ظاهر شدن دولت ثانیة حق است - زمان ظهور و غلبه عقل است از روی باطنی آن که مقام ولایت است و به منزله روح است از برای روح ظاهری که آن مقام نبوت است»<sup>۶۹</sup>.

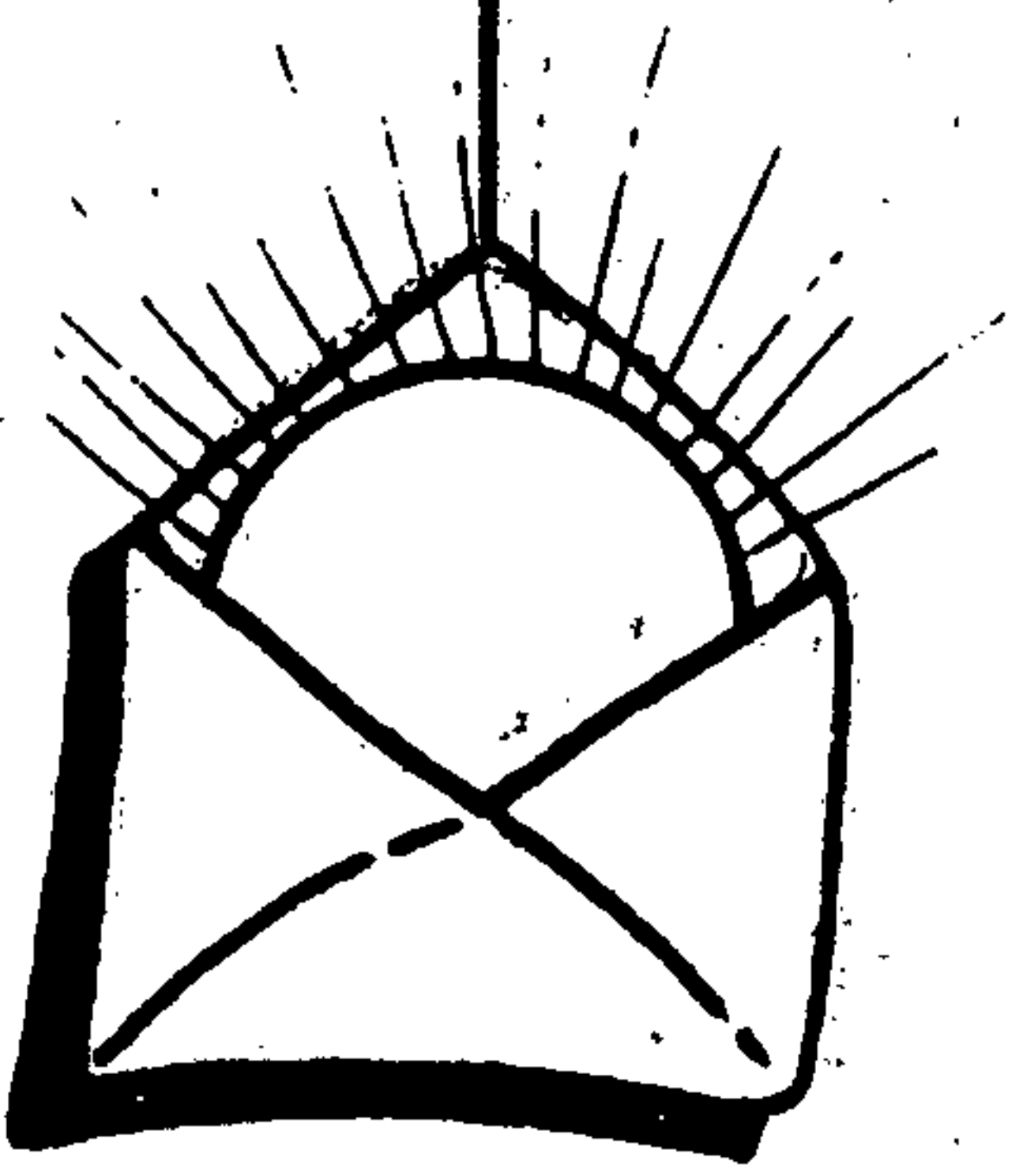
در آن عصر هیچ نکته مجهول و غیر قابل حلی باقی نخواهد ماند و سطح آگاهی و علم و اندیشه مردم بالا رفته، قدرت عقل و خردورزی آنان فزونی خواهد یافت. اختراعات، اکتشافات، ارتباطات و فن آوری به نهایت کمال خود خواهد رسید و مردم آن عصر، در بهترین و دلپسندترین برهه از زمان، زندگی خواهند کرد.

۱. امام باقر (علیه السلام): «هنگامی که قائم (عج) قیام می کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و بدین وسیله، عقل های آنان را جمع و افکار آنها را کامل می کند»<sup>۷۰</sup>.

۲. حضرت علی (علیه السلام) به نقل از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «خدای عز و جل به وسیله او (قائم) زمین را از نور آکنده می کند، پس از تاریکی آن و از داد پر می کند پس از ستم آن و از دانش مالا مال می کند، پس از جهل آن»<sup>۷۱</sup>.

۳. امام باقر (علیه السلام): «در زمان آن حضرت، حکمت و دانش، بدیشان ارزانی می شود تا جایی که زنان در خانه خود، به کتاب خدا و سنت پیامبر حکم کنند»<sup>۷۲</sup>.

۴. امام صادق (علیه السلام): «علم و دانش ۲۷ حرف است. تمام آنچه پیامبران الهی آوردند،



انظار

۱۸۱

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱

دو حرف بیش نبود و مردم تا کنون جز دو حرف را شناخته‌اند. اما هنگامی که قائم ماقیام کند، ۲۵ حرف دیگر را آشکار می‌سازد و در میان مردم منتشر می‌کند و دو حرف دیگر را به آن ضمیمه می‌کند تا ۲۷ حرف کامل و منتشر شود<sup>۷۳</sup>».

## ۸. نوسازی و احیاءگری

یکی از نظریات قابل توجه در «علوم سیاسی»، توسعه و نوسازی است. این دیدگاه در صدد ارائه راه کارهای توسعه و پیشرفت در کشورهای عقب مانده و جهان سوم است که تا به حال نتایج و آثار قابل توجهی نداشته است. یکی از برنامه‌ها و راه کارهای مهم حکومت جهانی مهدی (عج)، احیاءگری، نوسازی و دگرگونی در بسیاری از امور اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جهان است.

۱. امام صادق (علیه السلام): «اِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ يَقُومُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ...»؛ «هنگامی که قائم خروج کند، امر تازه، کتاب تازه، روشی تازه و داوری تازه با خود می‌آورد...»<sup>۷۴</sup>.

کتاب تازه به معنای آوردن قرآنی دیگر نیست؛ بلکه آن حضرت اهداف و برنامه‌های اصیل قرآن را پیاده خواهد کرد و تفسیر واقعی آیات آن را بیان خواهد نمود.

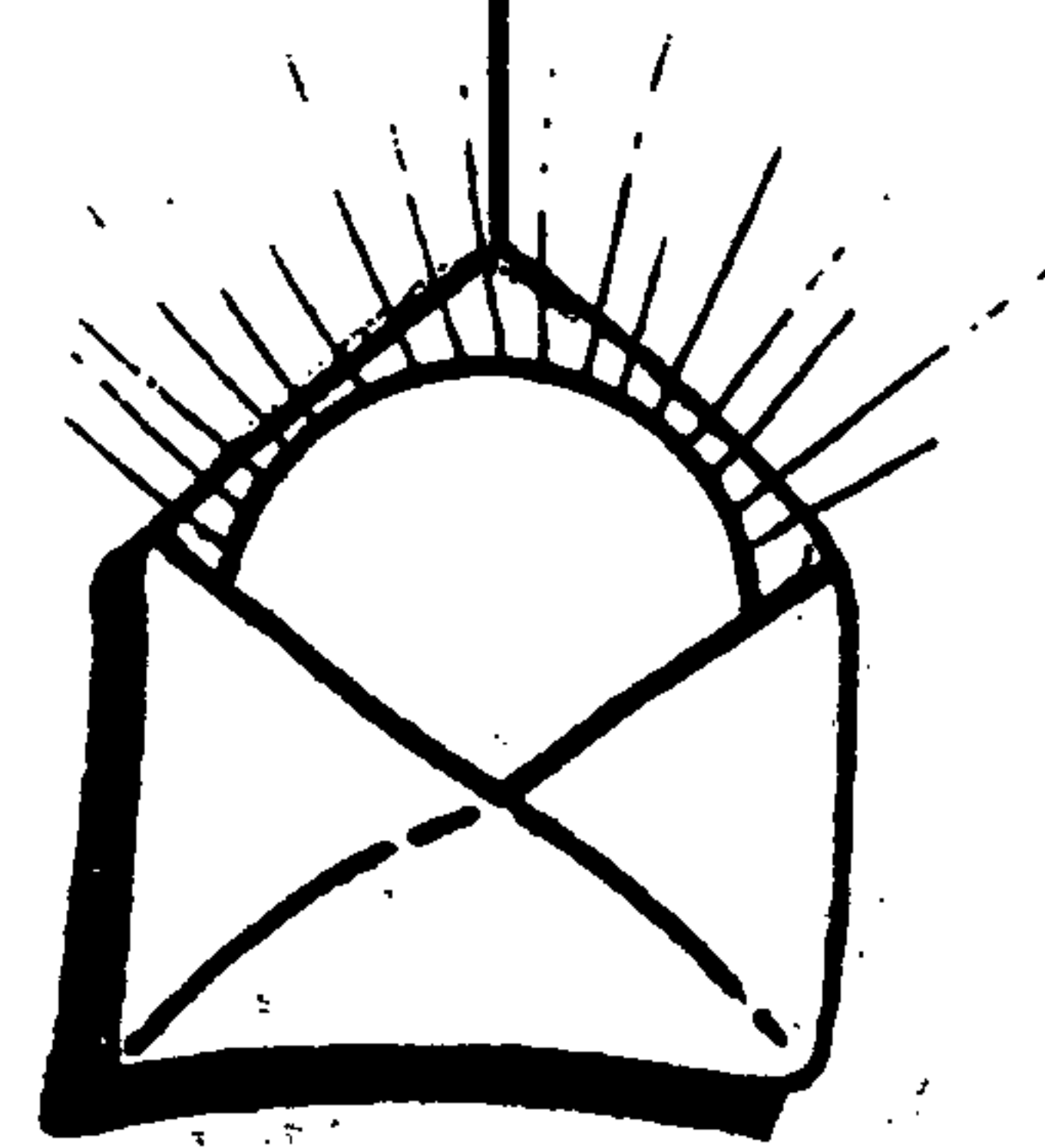
۲. امام صادق (علیه السلام) در پاسخ یکی از یارانش در باره سیره مهدی (عج) می‌فرماید: «همان کاری که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) انجام داد، انجام می‌دهد. برنامه‌های [نادرست] پیشین را از بین می‌برد؛ همان گونه که رسول خدا، امر جاهلیت را از بین برد و اسلام را نوسازی می‌کند».

۳. «به خدا سوگند! گویی او را در میان رکن و مقام با چشم خود می‌بینم که از مردم برای امری تازه، کتابی تازه و حکومت آسمانی تازه، بیعت می‌گیرد»<sup>۷۵</sup>.

## ۹. رضایت و خشنودی جهانی

یکی از ویژگی‌های مهم حکومت مهدوی، تأمین خشنودی و رضایت همه ساکنان زمین و آسمان است. از آن جایی که دولت او، دولت عدالت گستر، فقیر ستیز، دانش گستر، رفاه آور، ظلم ستیز و مردم دوست است، همگان از آن راضی خواهند بود و در آرامش و شادی زندگی خواهند کرد. در روایات آمده است:

۱. «زمین را پر از عدالت می‌کند، آن چنان که پر از ستم شده است. در خلافت او اهل



انظار

۱۸۲

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

آسمان و زمین، حتی پرندگان آسمان خشنود می شوند».<sup>۷۶</sup>

۲. «اهل آسمان و ساکنان آن برای ظهور او خوشحال می شوند؛ او زمین را پراز عدالت می کند، آن سان که پراز جور و ستم شده باشد».<sup>۷۷</sup>

۳. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «شمارا به مهدی، مردی از قریش بشارت می دهم که ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروایی او خشنودند».<sup>۷۸</sup>

۴. «ساکنان زمین و آسمان به او عشق می ورزند».<sup>۷۹</sup>

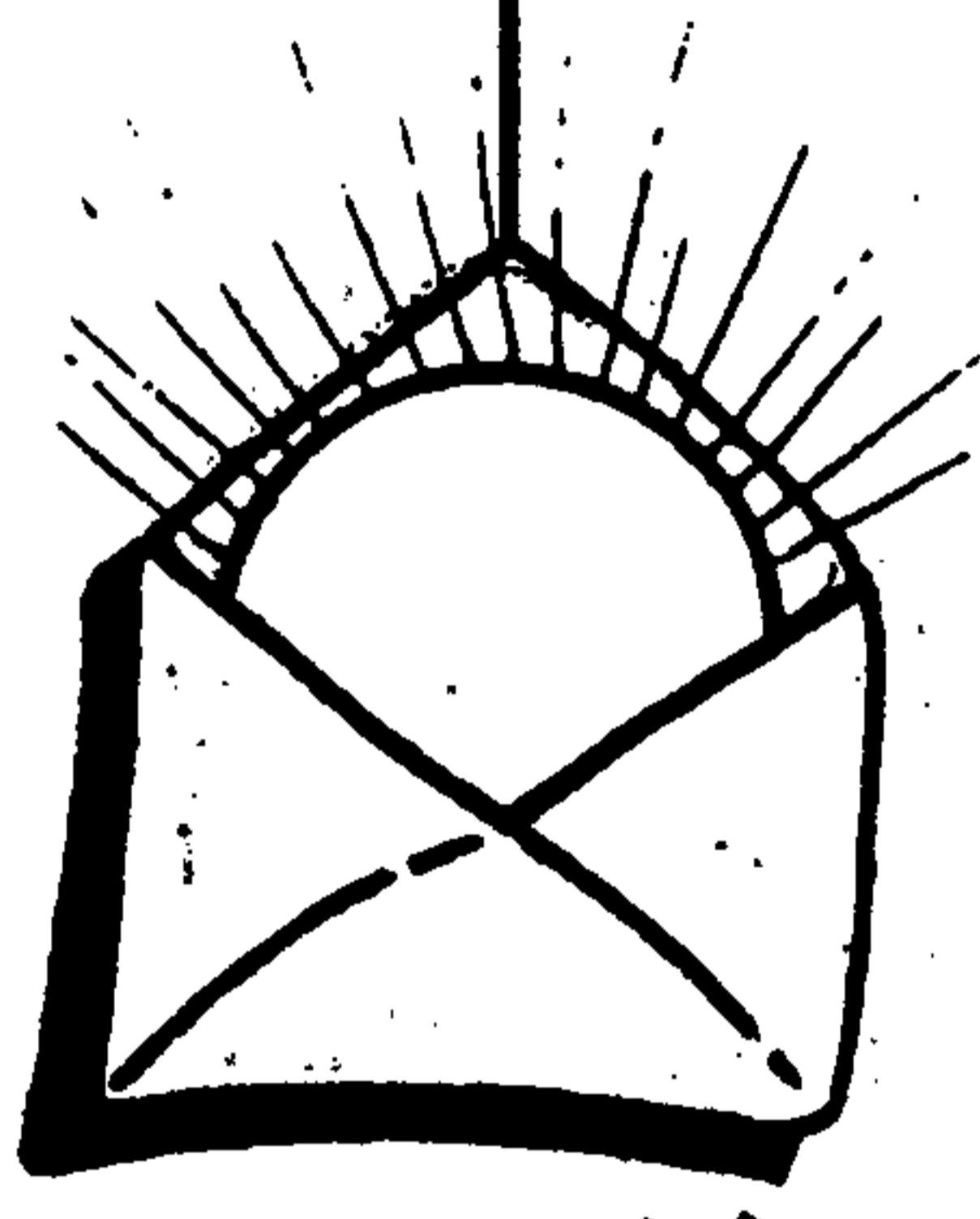
### بخش سوم. مقایسه و نتیجه

امروزه پدیده «جهانی شدن»، امری فراگیر، گسترش یابنده، پیچیده و دارای آثار و پیامدهای گوناگون در زندگی بشری است؛ به طوری که شرایط زندگی انسان ها را در بیشتر جنبه های آن، دستخوش دگرگونی های ژرف کرده است. از این رو نمی توان گسترش نوآوری های اقتصادی در سرتاسر جهان، انطباق های فرهنگی و سیاسی ملازم این گسترش، تغییر و تحولات ارتباطاتی و تکنولوژیکی، در هم تنیدگی روابط، افکار و اندیشه های بشری، پیچیدگی انگاره های اقتصادی، مالی و اعتباری و... را نادیده گرفت و نسبت به آن بی تفاوت بود.

از طرفی به علت تنوع، پیچیدگی و نبودن مباحث و موضوعات آن، نمی توان موضع گیری مثبت یا منفی قاطعی در مورد آن داشت؛ هر چند جنبه ها و پیامدهای منفی و آثار نگران کننده آن، رو به فزونی است. همچنین به علت این که در پس پرده این روند، عوامل و کارگزاران متعدد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قرار دارند؛ باید به دقت و هوشمندانه آن را مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

به هر حال روشن است که: مبانی، اهداف، ویژگی ها، آثار و پیامدهای «جهانی کردن» و «جهانی سازی» و حتی «جهانی شدن»، تفاوت و تباین اساسی با مبانی، اهداف، ویژگی ها و خصوصیات «حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)» دارد. هدف و مبنای اصلی این «جهان گستری» سودجویی و تأمین منفعت بیشتر برای دولت های بزرگ، شرکت ها و نهادهای فراملی و... و نیز برتری طلبی و سلطه جویی قدرت هایی چون ایالات متحده است.

حتی می توان قائل شد که «جهانی شدن» - به رغم مبانی قابل توجه آن - به نوعی با سرمایه داری جهانی پیوند خورده است. به هر حال در این دو پروژه، شاهد گسترش و هژمونی سیاسی و فرهنگی غرب و ایالات متحده هستیم که نقطه تلاقی و نزدیکی آنها نیز به شمار

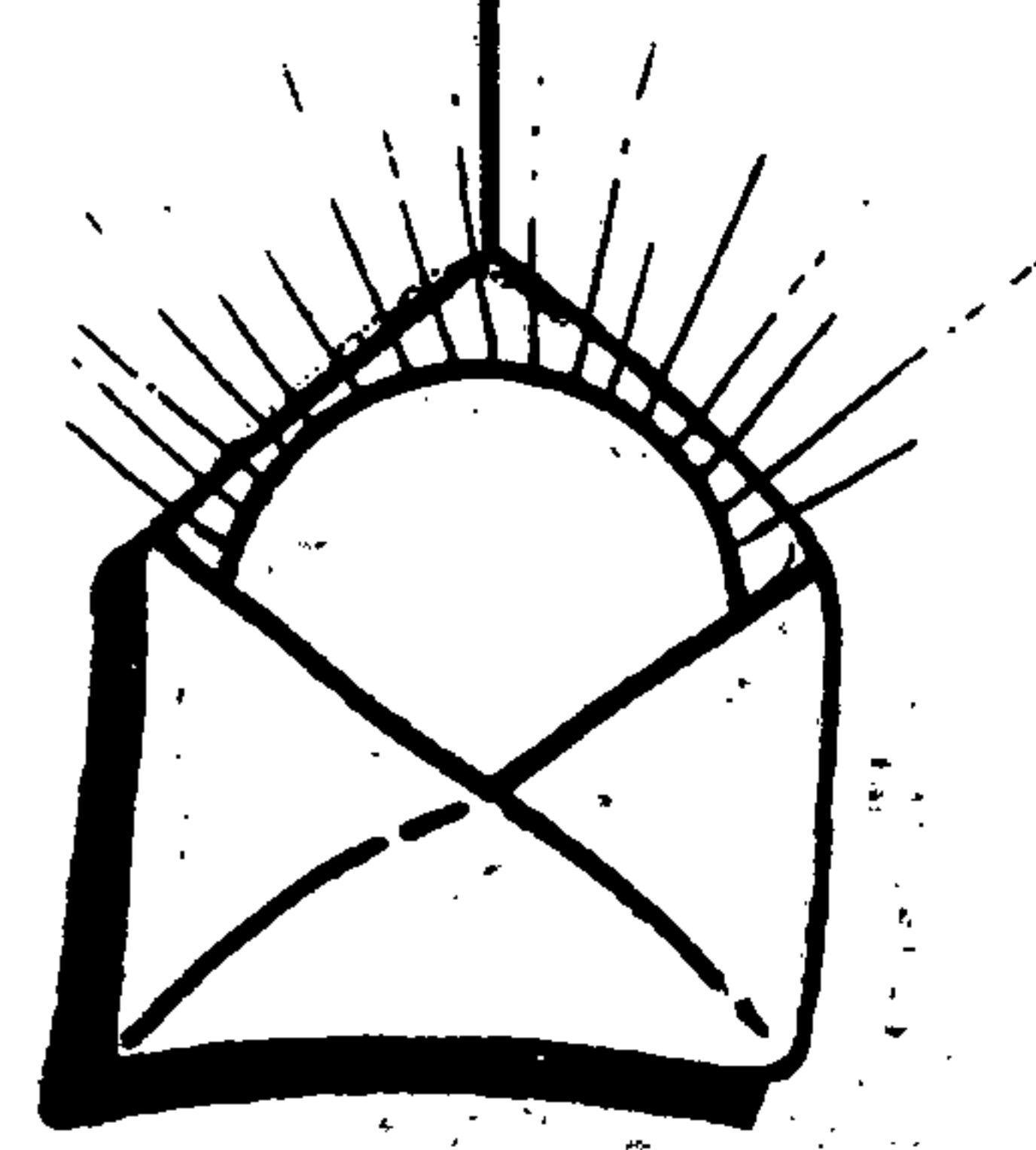


می رود. گفتنی است که آنچه در این دو وجود ندارد، تلاش برای تأمین نیازهای اساسی جهانیان، چون برابری، عدالت، معنویت، اخلاق، رفاه همه جانبه و... است؛ برعکس در سایه آنها جهان اینک با اباحی گری و بحران معنویت، هویت و اخلاق رو به رو است؛ بلکه بحران ناامنی، فقر، بهره کشی و نابرابری نیز به طور فزاینده ای گسترش می یابد.

«جهانی شدن» با داشتن ابعاد و اشکال مختلف و مبهم و پیامدهای سوء، نمی تواند وجه مشترکی با «حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)» داشته باشد؛ هر چند پاره ای از ویژگی ها و نشانه های آن، با بعضی از ویژگی های حکومت آن حضرت مشابهت دارد و به خوبی می تواند نشانگر این باشد که زمینه تشکیل حکومت جهانی فراهم شده و سطح آگاهی، علم، پیشرفت و بالندگی جوامع به حدی رسیده است که بتوان به طور علمی و استدلالی، صحبت از آن حکومت جهانی و قریب الوقوع بودن آن نمود و ویژگی های والا و برتری های بی بدیل آن را مطرح کرد. «جهانی شدن»، به روشنی نیاز انسان ها را به نزدیکی و اتحاد با هم و تشکیل «جامعه جهانی واحد» آشکار می سازد و راه کارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن را به گونه ای مدرن نمایان می کند. گسترش سریع ارتباطات و نزدیکی جوامع به یکدیگر، امکان گفت و گو و تبادل آرا و افکار، استفاده مردم جهان از آخرین اخبار و یافته های علمی و پزشکی، تعامل و هم فکری در مورد مسائل سیاسی (جنگ، صلح و...) جهان، بالا رفتن سطح سواد و معلومات، جهانی شدن فن آوری و صنعت و... برخی از وجوه مثبت و قابل قبول جهانی شدن است که مدل کامل و مطلوب آنها در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) وجود خواهد داشت.

وقتی جامعه بشری به مرحله ای از رشد و شکوفایی علمی، صنعتی و فکری می رسد که در آن نیاز شدیدی به اتحاد و نزدیکی احساس شده و بشر در بیشتر جنبه های زندگی، رفتارها و گفتارهای فراملی و جهانی از خود بروز می دهد؛ در این صورت می توان تئوری «تشکیل دولت کریمه جهانی» را به جهانیان ارائه داد و نکات مثبت و ارزنده آن را بیان نمود. از آنجایی که انسان ها نمی توانند موانع، کاستی ها و کمبودهای حرکت رو به رشد خود را، به طور کامل از بین ببرند؛ در این صورت نیاز به قدرتی برتر و فوق بشری بیشتر احساس می شود و قلب ها و افکار بدان سو متمایل می گردد. البته حکومت حضرت ولی عصر (عج) نه تنها حکومتی آرمانی و الهی است؛ بلکه حکومتی کاملاً عقلانی و علم گرا است و با وضعیت پیشرفته جهان، سازگار و متناسب است.

به هر حال شیعه با دیدگاهی روشن نسبت به آینده تاریخ بشری، همواره منادی و بشارت



دهنده «زندگی مطلوب جمعی» و تشکیل «حکومت صلح و عدل جهانی» بوده است و با اتکا به همین اعتقاد، خود را در تمامی سختی‌ها و بحران‌ها حفظ کرده و منتظر پایان خوش تاریخ بوده است.

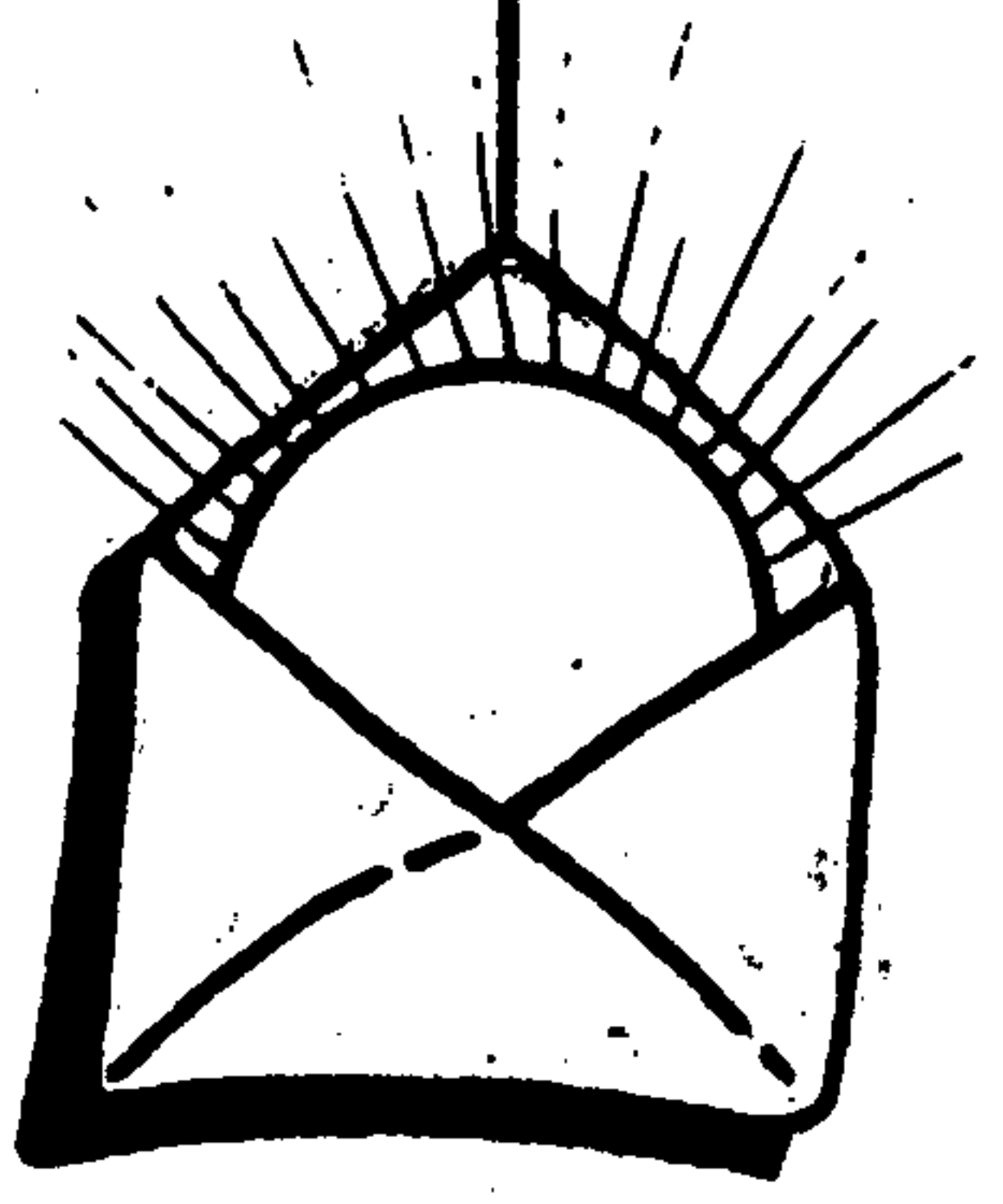
مدعای اصلی ما در این نوشتار این است که «جهانی کردن» و «جهانی سازی» دنیا را در ورطه انحراف، جنگ، ناکامی و اباحی‌گری قرار داده است و پیامدها و آثار نامطلوب و ناگواری با خود به همراه دارد که هیچ‌یک در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) وجود نخواهد داشت. با توجه به انحرافات به وجود آمده، می‌توان گفت که «جهانی شدن» نیز لزوماً پیشرفت طبیعی زندگی بشری نیست و اکنون یک سیر طبیعی را طی نمی‌کند. به گفته پروفیسور مولانا: «این چه جهانی سازی است که ۱۴٪ مردم دنیا گرسنه به خواب می‌روند؟! ۲۵٪ مردم افریقا زیر محور فقر زندگی می‌کنند؟! ۱٪ مردم دنیا، ۹۵٪ تسلیحات جهان را در دست دارد؟! عدالت اجتماعی هنوز در تئوری‌های روابط بین‌الملل مطرح نشده است؟ جهانی سازی، جهان را به نفع عده‌ای تغییر می‌دهد و...؟»

بر این اساس الان جهان - به خصوص دنیای غرب و مدرن - از چند بحران بزرگ، رنج می‌برد: ۱. بحران مشروعیت، ۲. بحران فساد، ۳. بحران اخلاق، ۴. بحران هویت، ۵. بحران مشارکت، ۶. بحران اشتغال و صادرات و... غرب تلاش می‌کند با انتقال این بحران به خارج از مرزهای خود، کمی از آثار و نتایج سهمگین آن بکاهد و به عبارت روشن‌تر، در صدد جهانی کردن این مشکلات و بحران‌ها آمده است. بر این اساس جهانی کردن، جهانی سازی و حتی جهانی شدن - در بعضی از وجوه آن - دارای اختلافات و تفاوت‌های اساسی با حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) است.

## تفاوت‌ها و برتری‌ها

در این قسمت به طور مختصر، بعضی از ویژگی‌ها، چالش‌ها و کاستی‌های فراروی جهانی شدن - در هر سه چشم‌انداز پیشین - ذکر و تفاوت آن با حکومت جهانی حضرت مهدی (علیه السلام) روشن و آشکار می‌گردد.

۱. این پدیده جهانی، هر چند به سرعت در حال گسترش و پیشروی در عرصه‌های مختلف جهانی است و نظرات و دیدگاه‌های بسیار زیادی درباره آن ارائه می‌شود؛ اما در عین حال امری مبهم، نارستا و پیچیده است. ژان ماری گینو در این باره می‌نویسد: «وضعیت اجتماعات



انظر

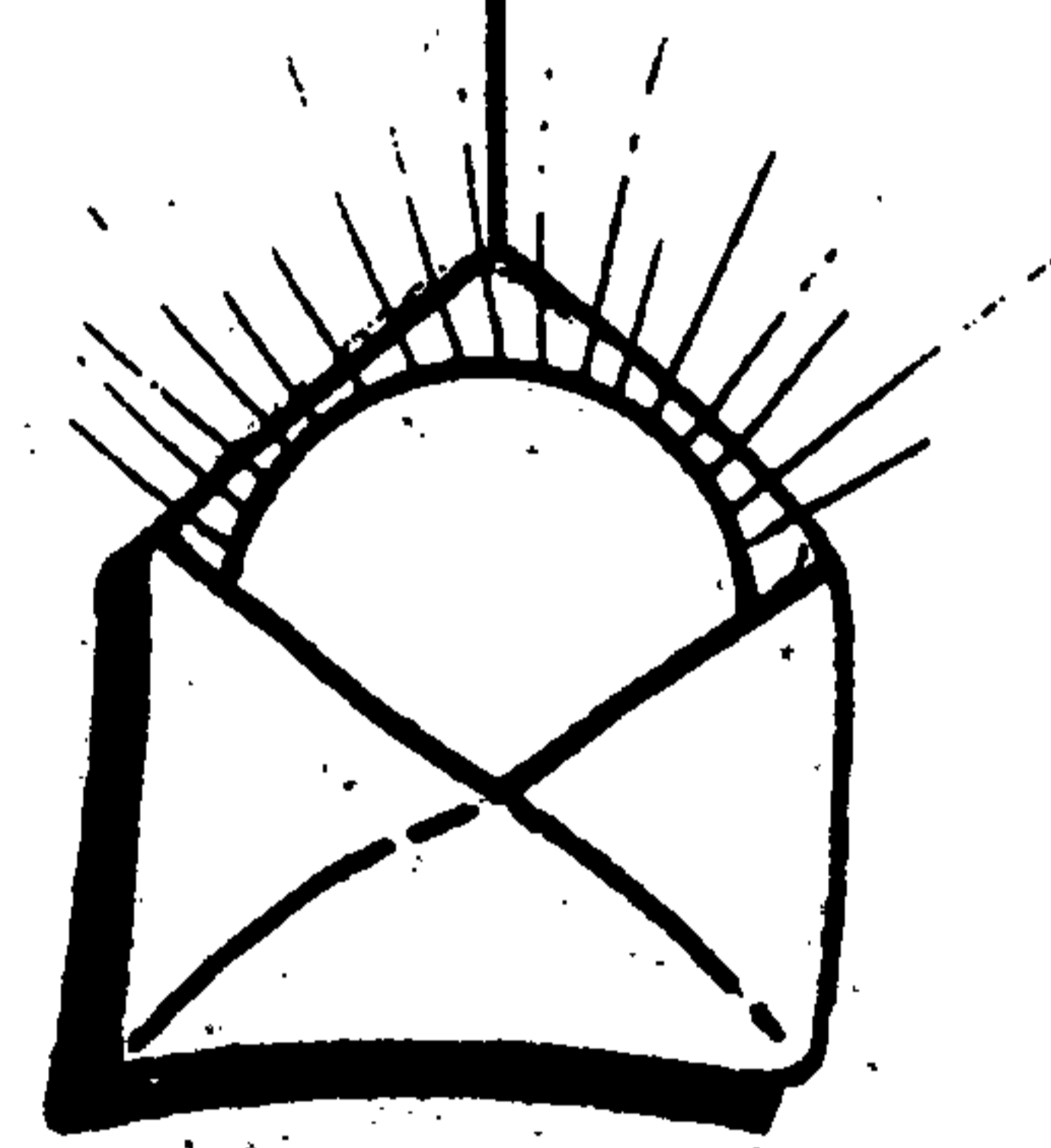
۱۸۵

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

انسانی در تجربه جهانی شدن، با وضعیت شخص نابینایی قابل مقایسه است که ناگهان بینایی اش را به دست می آورد و فقط یک اسطوره از عهده شرح هیجانانی برمی آید که این دگر دسی بر خواهد انگیخت... رویارویی بی واسطه فرد با جهانی شدن دنیا «سکر آور» است؛ منتها شرایط دموکراسی را از ریشه دگرگون می کند...»<sup>۸۰</sup>

در حالی که تصویر حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) به روشنی در روایات و احادیث بیان شده و ویژگی ها و ساختار کارآمد و جامع نگر این حکومت، با دقت هر چه تمام تر، ترسیم و تبیین گشته است و هیچ گونه ابهام و کاستی در آن وجود ندارد. در عین حال، وی به دنبال «حکومت خوب» می گردد و آرمان درونی خود را در نوشته اش به این شکل ابراز می دارد: «راهی که این کتاب نشان می دهد باریک است. سیال بودن جهانی شدن را می پذیرد. حتی از نوع دموکراتیک آن قداست زدایی می کند و با این وصف از تقلیل دادن نهادهای سیاسی به جریان های ساده کارکردی امتناع می ورزد. راهی که ترسیم می کند، متواضعانه است: جلوس «حکومت خوب» - خوب به این سبب که بیان عقلایی اجتماع انسانی، خواهد بود که آرزوی تشکیل دادن آن را داریم؛ اجتماعی از انسان های آگاه و خردورز - بلکه خیلی ساده تر، توزیع محتاطانه قدرت که با تقسیم آن، امکان سوء استفاده از آن را محدود می کند... اجتماعات دموکراتیک آینده، اجتماعاتی در عین حال خردورز و تاریخی خواهند بود، دستاوردهای بلندپرواز آزادی ما و میراث پیوسته ناپایدار تاریخ ما»<sup>۸۱</sup>. ما نیز معتقدیم که «حکومت خوب» در تمامی عرصه ها و جنبه ها فقط حکومت کامل و بی بدیل حضرت ولی عصر (عج) است که همه بشر، باید منتظر چنین روزی باشند. این حکومت، هم آسمانی و الهی است و هم علم دوست و افرادی خردورز و آگاه، عالم، متعهد و موحد زمام آن را در دست دارند.

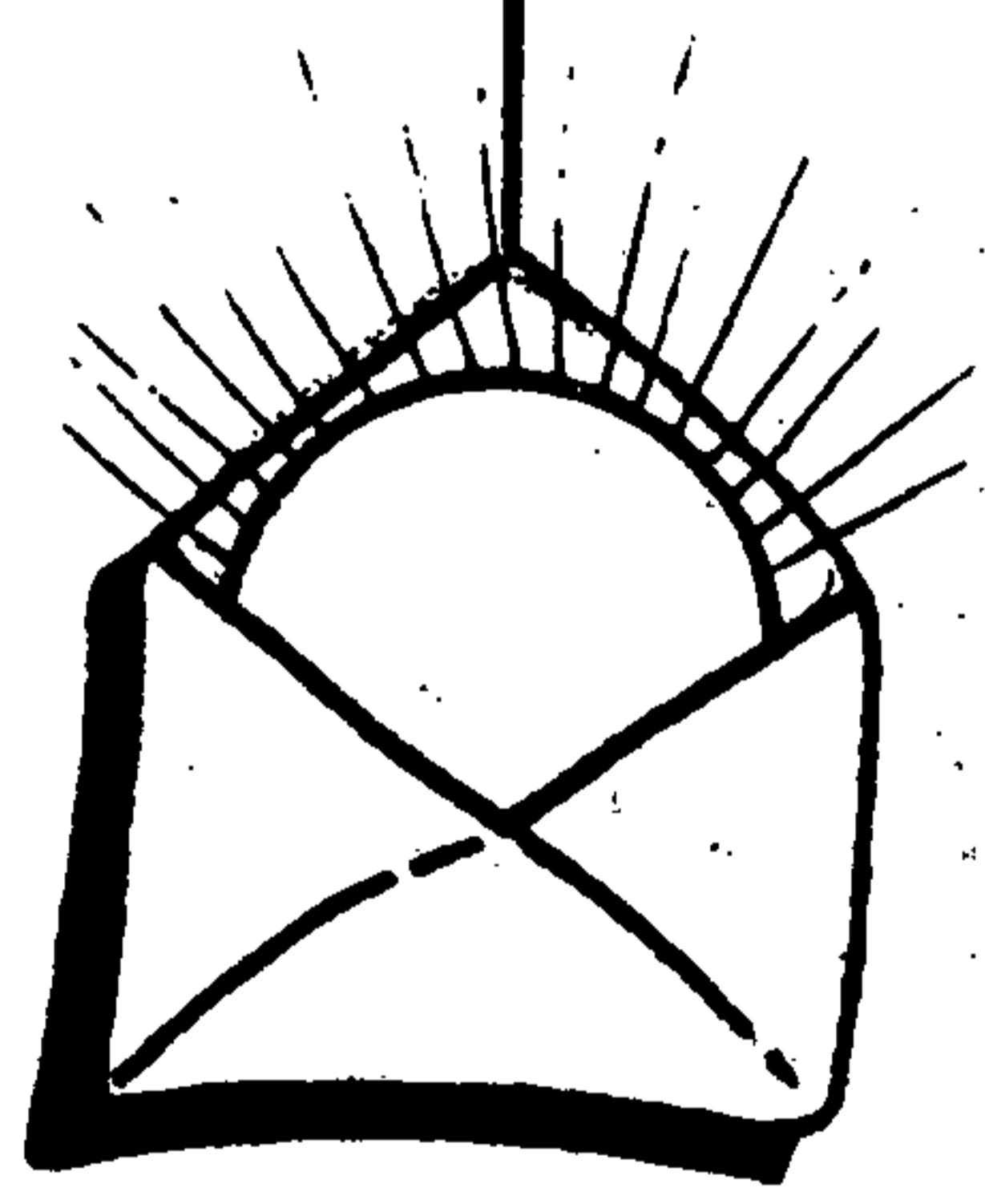
۲. جهانی شدن در عرصه اقتصادی، در صدد رفع موانع و کاستی های پیشرفت و توسعه اقتصادی، اتکا به بازار و تجارت آزاد و رفع بی کاری و بحران های اقتصادی است؛ اما با این حال مشکلات جهان (فقر، نابرابری، بهره کشی، استثمار، بی کاری و...) همچنان پابرجا است. جهان شمولی اقتصاد، به معنای جهانی شدن مشکلات و نارسایی های برخاسته از لیبرال - دموکراسی و اقتصاد گرایی غربی است. چون سرمایه داری غربی با طرح مسأله «جهانی شدن»، سعی در انتقال مشکلات و بحران های اقتصادی و مالی به خارج دارد که این امر تبعات سختی برای کشورهای جهان سوم در پی دارد. در حالی که برنامه و استراتژی اصلی حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، رفع فقر، نابرابری، کاستی ها و مشکلات از سراسر جهان و از بین بردن



ظلم، اجحاف، تبعیض و حق‌کشی است. از آن جایی که مواهب و منابع طبیعی جهان، به طور عادلانه مورد استفاده همگان قرار خواهد گرفت و علم و تکنولوژی بشر نیز رشد فراوانی خواهد یافت، مشکلات و نگرانی‌های بشر برطرف گشته و مدینه فاضله موعود تحقق خواهد یافت.

۳. جهانی سازی، باعث تسلط و یگه تازی آمریکا در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی می‌گردد و به دنبال خود ناامنی و رفتارهای خصمانه به همراه دارد. چیزی که هیچ دولت و کشوری حاضر به پذیرش آن نیست. آلن دوبنوآمی نویسد: «سده بیست و یکم، سده افول آمریکا و قدرت یابی کشورهای نو خواهد بود: چین، روسیه، هند، ایران و مصر. اروپا که در شرایط دشواری به سر می‌برد، بار دیگر ناگزیر است با سرنوشت خود روبه‌رو شود و جنگ‌هایی روی خواهد داد که تاکنون مانندشان دیده نشده است. هیچ کس را از رویارویی جهانی - که به فروکاستگی ادعای «جهان شمولی» ارزش‌های غربی خواهد انجامید - گریزی نیست.»<sup>۸۲</sup> در حالی که اساس و برنامه اصلی حضرت مهدی (عج) گسترش و برقراری صلح و امنیت و آسایش و ریشه‌کنی ظلم و ستم، جنگ و خونریزی از جهان است. در حکومت آن حضرت جایی برای گردن‌کشان و ستمگران باقی نمانده، ریشه تمامی جنگ‌ها و ستیزه‌جویی‌ها - که همان خواستارهای فزون‌تر مادی و اقتصادی است. از بین خواهد رفت و همان طور که قرآن می‌فرماید، ترس مردم، به امنیت و آسایش مبدل خواهد شد (ولیبذلنهم من بعد خوفهم اماناً).

۴. جهانی شدن از نظر فرهنگی و اجتماعی، ادعای نزدیکی و پیوند جسمانی فرهنگ‌ها و جوامع را دارد؛ اما روشن است که - بر خلاف نظر مدعیان غربی - در جهان آینده، یکپارچگی به وجود نخواهد آمد و پس از تقابلی بنیادین، تمدن‌ها و فرهنگ‌هایی نوین سر بر کشیده و چهره جهان را متحول خواهند ساخت. اروپا در این شرایط می‌تواند هویت جدیدی یابد و سرنوشت خود را از لیبرال - دموکراسی جهان‌گرای آمریکایی جدا کند. آلن دوبنوآمی نویسد: «ملت‌ها و فرهنگ‌ها عوامل راستین تاریخ هستند. سرمایه‌داری دموکراتیک، اینک صاحب بلامنازع میدان است. اما اشتباهی بزرگ است که فکر کنیم، برای همیشه می‌تواند صحنه را کنترل کند و با پیروزی تاریخ متوقف خواهد شد.»<sup>۸۳</sup> این برخورد و تضاد تمدن‌ها، جهان را آبدستن التهاب، تنش و ناامنی می‌کند؛ در حالی که در «عصر ظهور»، نشانی از اختلاف و کشمکش فرهنگی و سیاسی و حتی سلطه‌جویی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها نخواهد بود و مردم با گزینش و انتخاب خود، آیین و فرهنگ واحدی را پذیرا خواهند شد و در سایه آن با آرامش و آسودگی خیال، زندگی خواهند کرد.



انظار

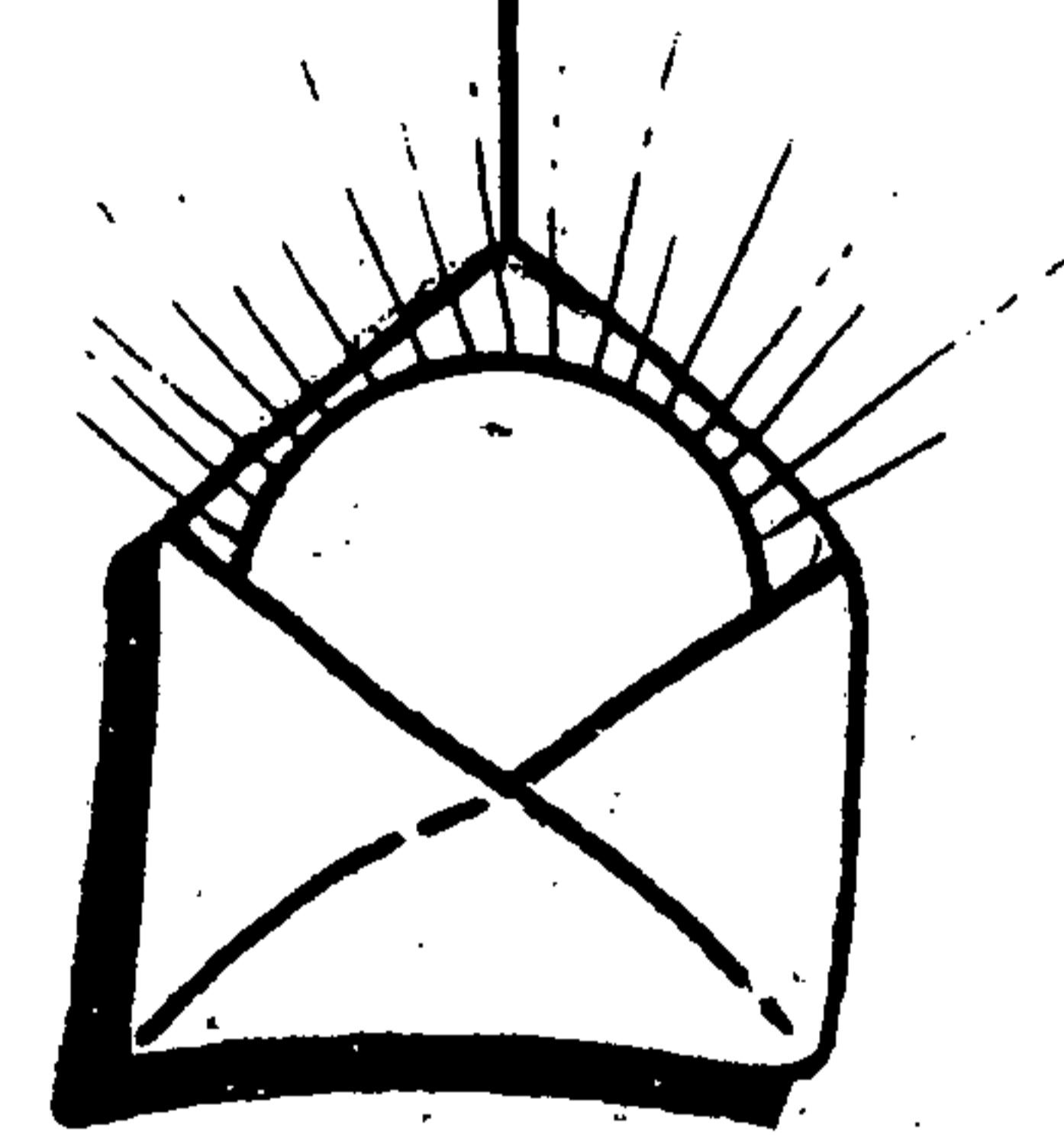
۱۸۷

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

۵. از دیگر معایب و نقص‌های بزرگ جهانی شدن، عدم مدیریت واحد در جهان، ظهور بلوک‌های قدرت و گسترش واحدهای سیاسی قدرتمند و متنازع با هم است. این مشکل اساسی، در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) به خوبی حل شده و جهان در تحت فرمان و ید با کفایت آن حضرت قرار خواهد گرفت. کشورهای جهان تحت رهبری واحد، اداره و مدیریت خواهند شد و کارگزاران و یاران نزدیک ایشان، حکومت بر واحدهای سیاسی را برعهده خواهند گرفت. چنان که امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید: «مهدی، اصحاب خویش را به تمامی شهرها و بلاد اعزام می‌کند و آنان را به عدالت و احسان فرمان می‌دهد»<sup>۸۴</sup>.

۶. یکی از مباحث جهانی شدن، کم‌اهمیت شمردن مرزها و ترغیب کردن مردم به ابراز هرگونه موضعی و تولید هرگونه محصولی است که بازار بتواند آن را جذب کند و به عبارتی ترویج اباحی‌گری و بی‌مبالاتی است. انفجار بازی‌های ویدیویی و بازی‌های مهمل در اینترنت و... ترویج‌گر فروترین کارهای رایج و بدترین نوع میانه‌مایگی است.<sup>۸۵</sup> اینترنت، با هجمه وسیعی از اطلاعات و دنیایی از اطلاعات که بر سر ما می‌ریزد، امکان این را می‌گیرد که به عمق پناه ببریم و با حقایق و واقعیات به طور جدی آشنا شویم و... رسانه‌های صوتی و تصویری، فیلم‌ها، عکس‌ها و... نیز عامل مخرب‌تری بر زندگی معنوی بشر بوده و اخلاق و رفتار او را به شدت در جهت ترویج مفاسد و ناهنجاری‌ها سوق داده است. اما عصر ظهور، عصر حاکمیت فضیلت، اخلاق، علم، دانش و انسانیت خواهد بود. مردم به کرامت ذاتی خود پی برده، از رفتارها و گفتارهای پوچ و پلید، دوری خواهند گزید. امام باقر - علیه السلام - می‌فرماید: «هنگامی که قائم ماقیام کند، خداوند دستش را بر سربندگان می‌نهد و عقول آنان را با آن جمع می‌کند و افکار آنها با آن تکمیل می‌شود»<sup>۸۶</sup>.

۷. از نظر برخی، جهانی شدن باعث ایجاد تعامل و برابری فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جوامع می‌شود و همگان از محصولات فرهنگی و ارتباطات استفاده کرده و در نتیجه تفاوت‌ها و نابرابری‌ها از بین می‌رود. اما از نظر دیوید هلد، رشد ارتباطات جهانی یا افزایش جریان‌های فرهنگی، ارتباط چندانی با هموارسازی زمینه فعالیت‌ها و کاهش نابرابری‌های جهانی ندارد؛ بلکه این امر - برخلاف آنچه معمولاً تبلیغ می‌شود - باعث تشدید نابرابری‌ها در عرصه تولید و توزیع کالاها، خدمات و امتیازات شده است و به نوبه خود، میان کسانی که از مجموعه رو به تزایدی از منابع و وسایل ارتباطی برخوردار هستند و آنان که فاقد الکتریسیته، فناوری ارتباطات و یا قدرت دسترسی به اطلاعات هستند، فاصله و شکافی ایجاد کرده است که به



انظر

۱۸۸



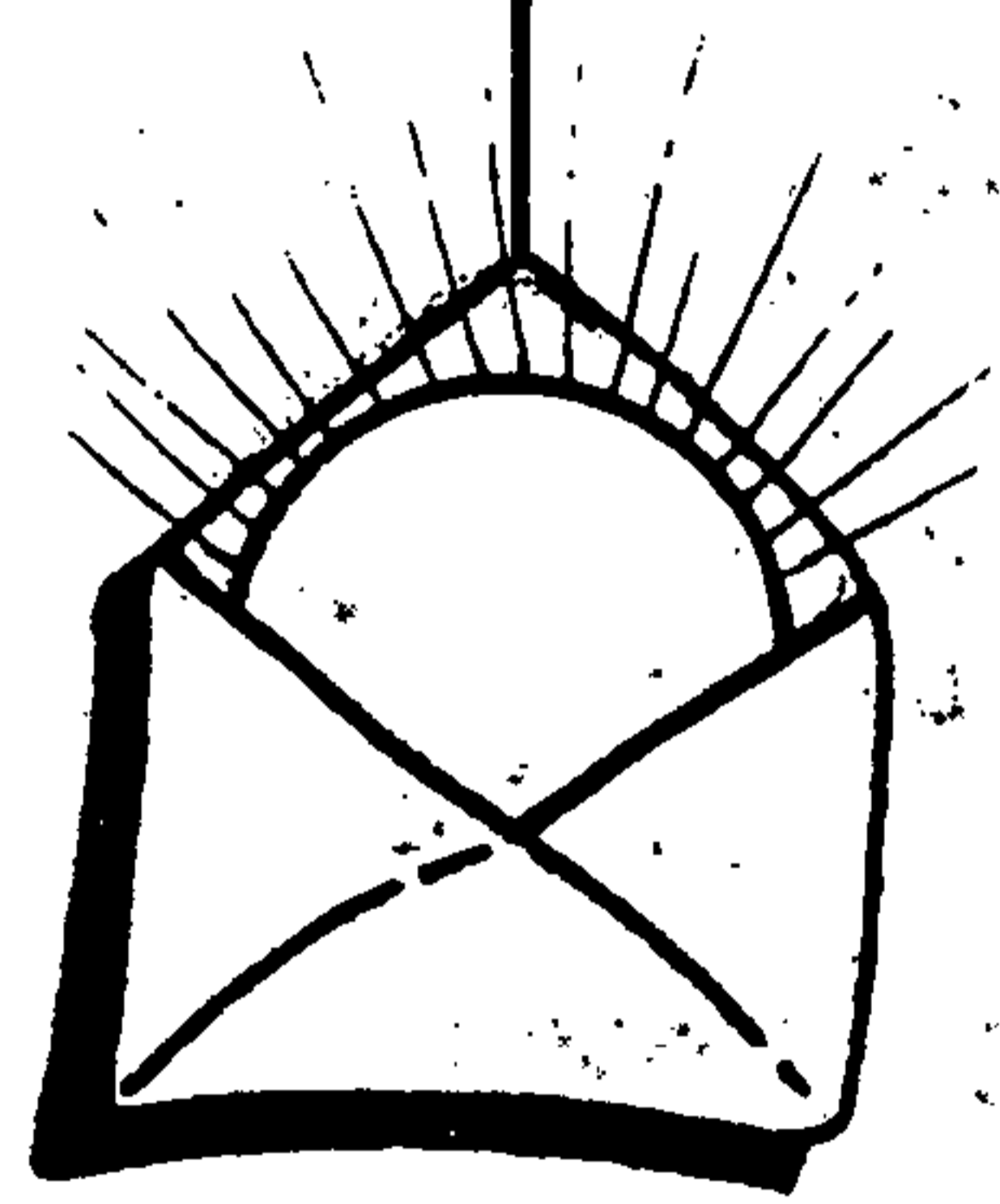
طور روز افزون در حال گسترش است. دار ندورف نیز ادعا می کند: تعداد فزاینده ای از مردم - به ویژه نسل جوان تر - از بازار کار طرد خواهند شد.<sup>۸۷</sup>

همان گونه که پیش تر گذشت، رکن اساسی حکومت حضرت مهدی (عج) رفع نابرابری و تبعیض و استفاده کامل و بهینه از منابع طبیعی جهان خواهد بود. او اموال را میان مردم چنان به مساوات تقسیم خواهد کرد که دیگر محتاجی دیده نخواهد شد تا زکات بگیرد. همگان به طور برابر از نعمت های الهی برخوردار شده و بیکاری و فقر ریشه کن خواهد شد. امام باقر - علیه السلام - می فرماید: «... در روی زمین خرابی باقی نمی ماند، مگر آن که [پس از پیروزی قائم ما] آباد شود».<sup>۸۸</sup>

۸ جهانی شدن در عین حال که خدمات مثبت و مفیدی برای جوامع انسانی دارد؛ اما آلودگی های سیاسی و اخلاقی، گسترش تروریسم و سوء استفاده از آن، فزونی قاچاق مواد مخدر و کلاهبرداری های مالی، مشکلات زیست محیطی، گسترش بیماری های جمعی، سوء استفاده های جنسی، فروش کودکان و زنان و... نیز جنبه جهانی پیدا کرده است. این مسائل و مشکلات، به علت باز شدن مرز کشورها بر روی یکدیگر، گسترش مبادلات بین المللی و... به مشکلات و جرایم فرامرزی و جهانی تبدیل شده است؛ یعنی، با گسترش «جهانی شدن»، این مشکلات نیز فراگیر و گسترده می شود.<sup>۸۹</sup>

در حالی که در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، مجال و امکانی برای بروز این گونه مشکلات نخواهد بود. افراد فاسد و تباهاگر از بین خواهند رفت و افراد صالح، جانشین آنان بر روی زمین خواهند شد. زمینه های فکری و اعتقادی مردم تغییر خواهد یافت و رذایل اخلاقی و آلودگی های جنسی، ریشه کن خواهد شد. مردم به نحو شایسته و به اندازه نیاز از طبیعت بهره خواهند برد و امنیت روانی بر جامعه حاکم خواهد شد.

مشکلات و ناگواری های زیادی که اینک گریبانگیر جوامع جهانی است و در آینده نیز بشر از آن رهایی نخواهد یافت؛ در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) وجود نخواهد داشت و همه مردم در امنیت، رفاه، آسایش و راحتی جمعی خواهند بود و همگان از ثروت، عدل، برابری، علم و دانش جهانی بهره مند خواهند شد. این وعده حتمی خداوند به همه مستضعفان و یکتاپرستان جهان و نقطه اوج و متعالی تاریخ بشری خواهد بود. اصولاً حکومت جهانی امام مهدی (عج)، برای رفع و ریشه کنی مشکلات، ناهنجاری ها، کاستی ها، نابرابری ها، فسادها و انحرافات تشکیل خواهد یافت و جنگ و ستیزه جویی، ناامنی، ظلم و برتری طلبی و... ریشه



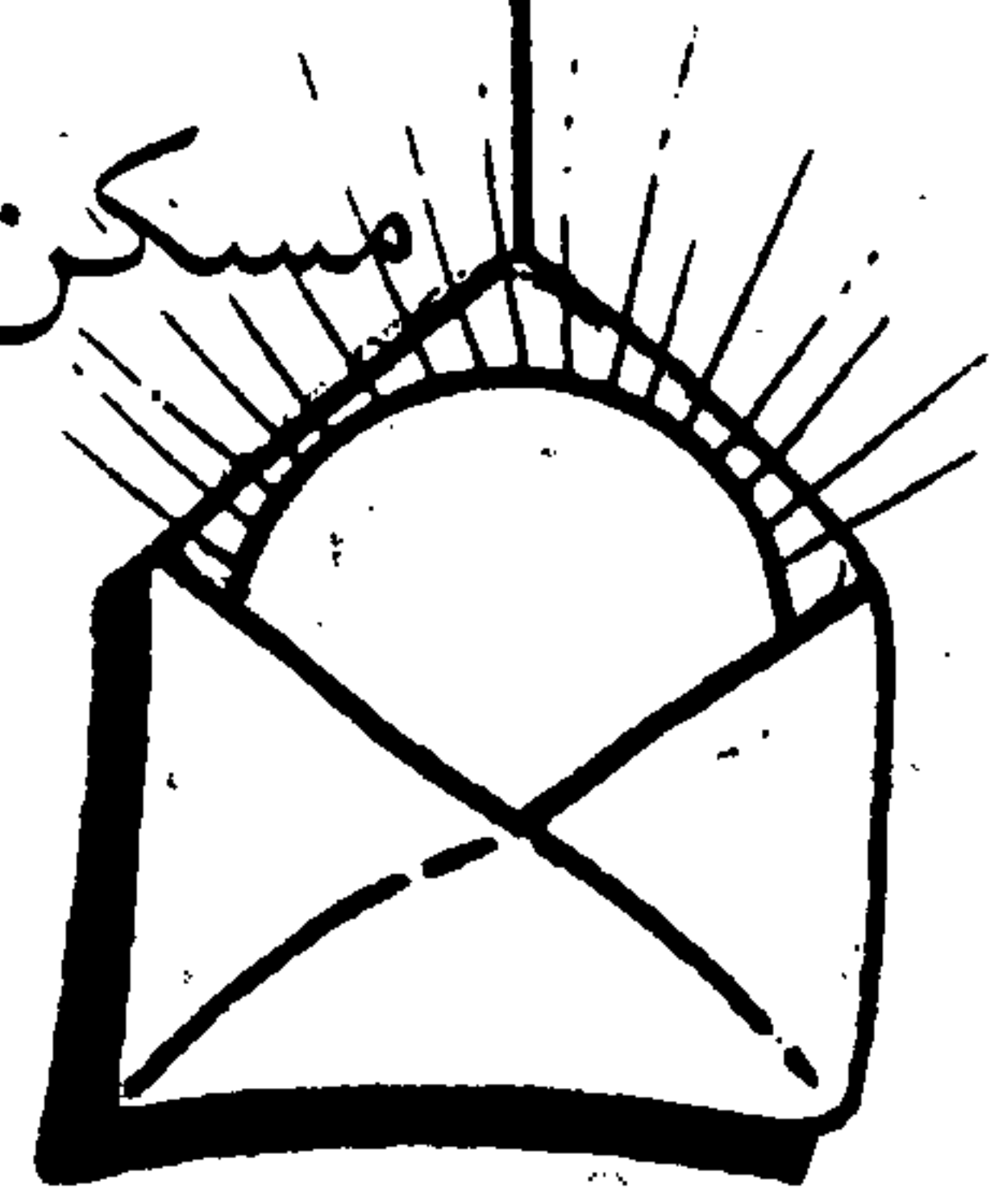
انظار

۱۸۹

پال دوم / شماره ششم / زمستان ۸۱

کن خواهد شد. در این صورت امنیت یک تن، امنیت همه و رفاه یک تن، رفاه همه خواهد بود. رفاه و تنعم بدان سان خواهد بود که دیگر نیازمند و صاحب حاجتی در سطح جامعه پیدا نمی شود؛ زیرا ثروت و منابع عادلانه در میان مردم تقسیم خواهد شد. حکومت حضرت مهدی (عج) برای مردم و به جهت هدایت و نجات آنان است؛ از این رو نوید بخش دوستی، یکرنگی، یکدلی و نوع دوستی در میان همگان خواهد بود.

جهانی شدن این حکومت، به معنای جهانی شدن فضیلت ها، عدالت ها، نیکی ها، برابری ها و معنویت ها خواهد بود و مردم فرصتی خواهند یافت که خوب بیندیشند؛ خوب زندگی کنند؛ حکمت و دانش واقعی بیاموزند؛ یکدیگر را دوست بدارند؛ به حق همدیگر تجاوز نکنند؛ توحید محور و اخلاق گرا باشند؛ جامعه ای عاری از فساد و تباهی تشکیل دهند و... در مدینه فاضله مهدوی، همه جا سخن از عدالت و قسط است و مردم شاهد لبریز شدن زمین از عدل و داد خواهند بود. دامنه عدالت او، تا اقصا نقاط منازل و زوایای ناپیدای جامعه گسترده خواهد شد؛ حتی عدالت و دادگری، همچون گرما و سرما در درون خانه های مردمان نفوذ کرده و مامن و مسکن وجود آنان را سامان خواهد بخشید. ■



انظار

۱۹.

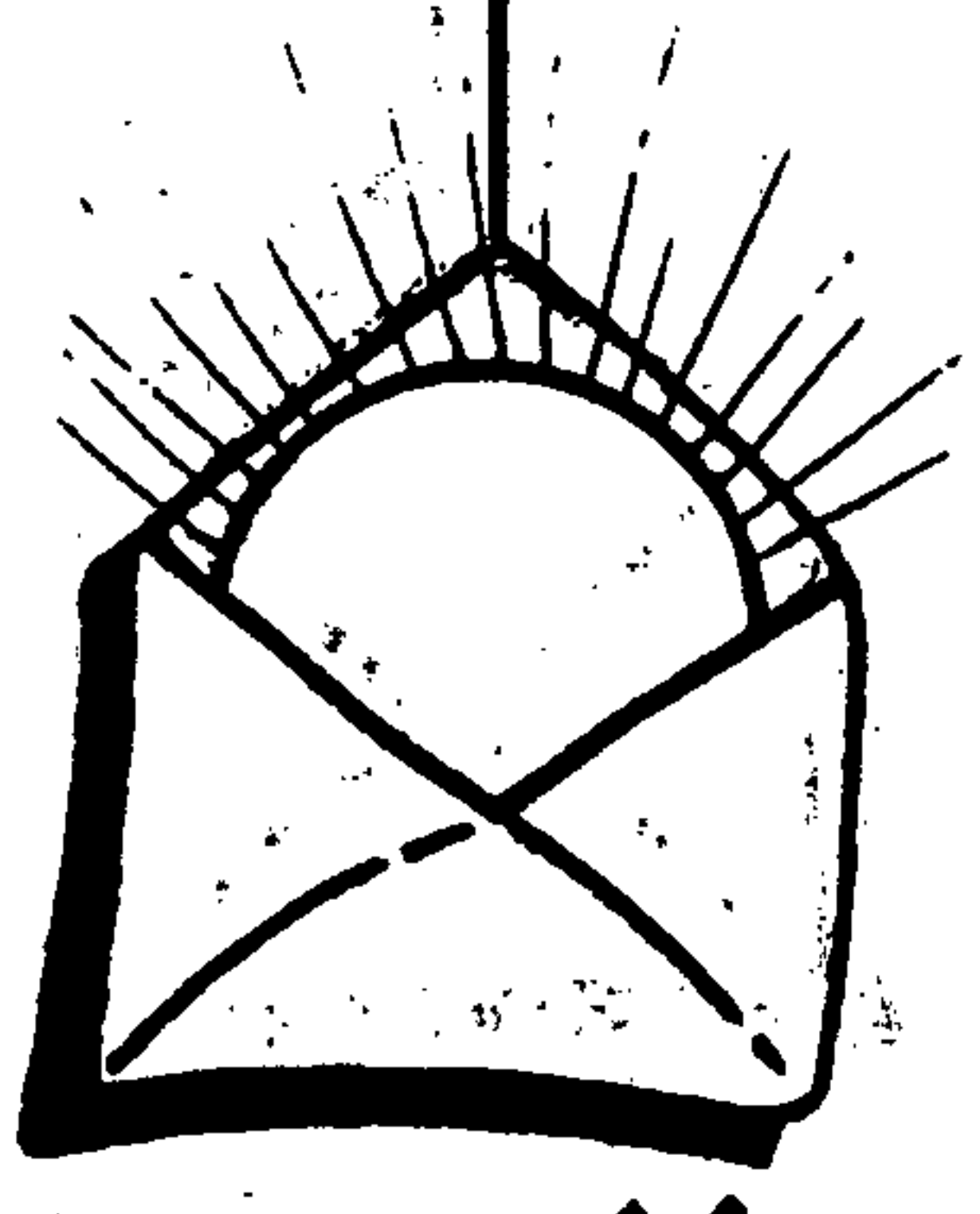
سال دوم / شماره ی ششم / زمستان

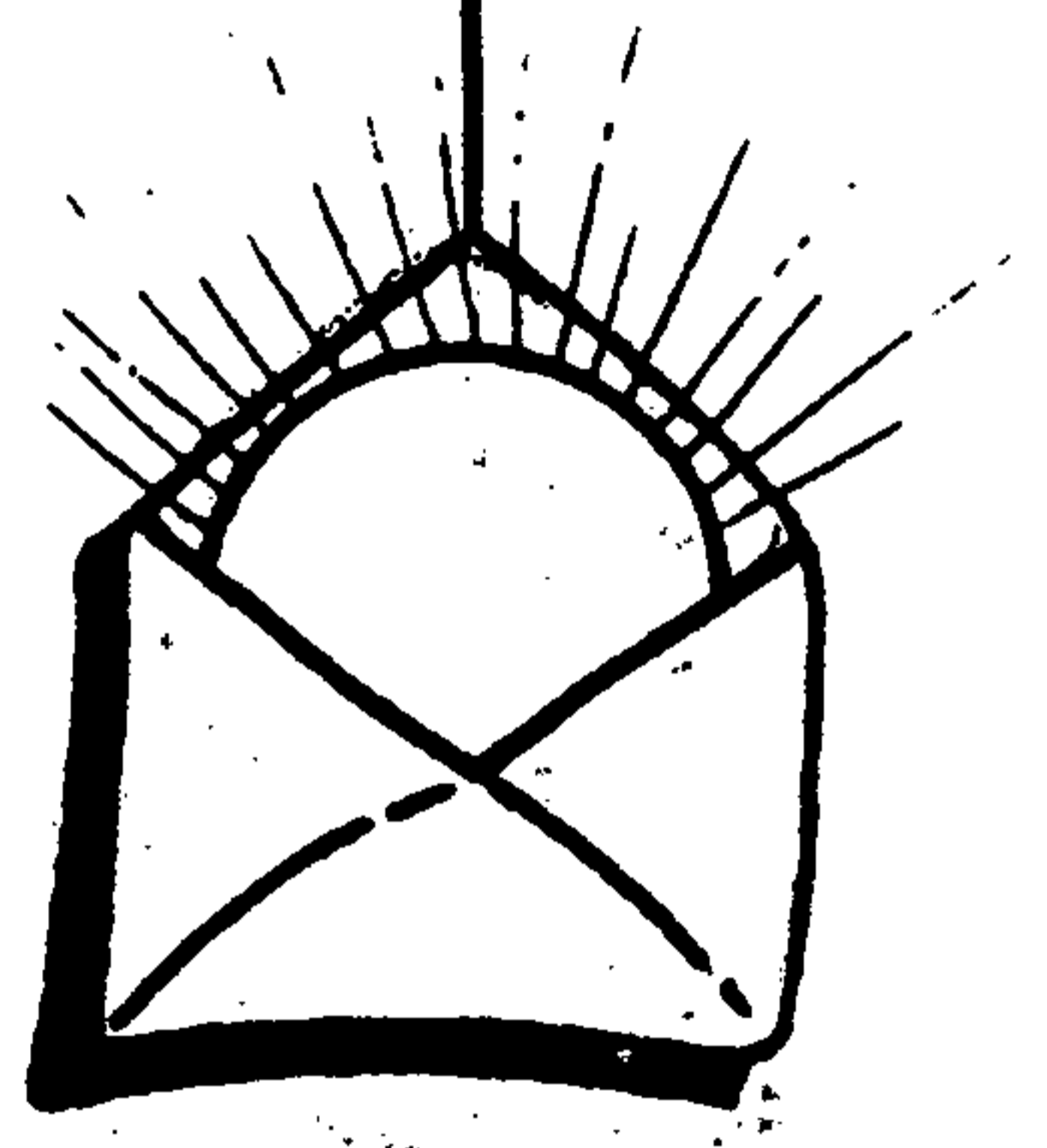
۹. رونالد رابرتسون، جهانی شدن (تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی)، ترجمه کمال پولادی، نشر ثالث، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.
۱۰. جیمز ان، روزنه نا، پیچیدگی ها و تناقض های جهانی شدن، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴، ص ۱۰۲۲.
۱۱. جان تاملینسون، جهانی شدن فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، دفتر پژوهش های فرهنگی، ص ۷۲.
۱۲. آنتونی گیدنز، گفتارهایی درباره یکپارچگی جهان (جهان رها شده)، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی، نشر علم و ادب، ص ۱۳.
۱۳. جهانی شدن و جهان سوم، ص ۲۳۹.
۱۴. همان، ص ۲۳۸.

۱. قصص (۲۸)، آیه ۴.
۲. ری کیلی و فیل مارفلیت، جهانی شدن و جهان سوم، ترجمه حسن نورایی و محمد علی شیخ علیان، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ص ۲۴۳.
۳. روزنامه جام جم، شماره ۶۳۵.
۴. دکتر علی اصغر کاظمی، جهانی شدن فرهنگ و سیاست، نشر قومس، ص ۸ و ۱۴.
۵. غیبت نعمانی، ص ۲۷۴.
۶. ینابیع الموده، ص ۴۴۷.
۷. پل سوئیزی و...، جهانی شدن با کدام هدفه نشر آگه، ص ۷.
۸. ماکلوم واترز، جهانی شدن، ترجمه مردانی و مریدی، نشر سازمان مدیریت صنعتی، ص ۳۱.

۱۵. فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۵، ص ۱۲۳.
۱۶. ز.ک: فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۵، ص ۲۱۹ و ۲۲۰.
۱۷. حجرات (۴۹)، آیه ۱۳.
۱۸. ر.ک: دام جهانی شدن (تهاجم به دموکراسی و رفاه)، نشر اندیشه معاصر، ص ۱۵ (مقدمه مترجم با کمی تغییر و خلاصه).
۱۹. فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۵، ص ۲۱۱.
۲۰. باری اکسفورد، نظام جهانی: اقتصاد، سیاست و فرهنگ، ترجمه مشیرزاده، ص ۱۵۱.
۲۱. جهانی شدن، ص ۱۴۹ و ۱۳۷.
۲۲. حسین سلیمی، فرهنگ گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۱۲۹.
۲۳. روزنامه جام جم، شماره ۶۹۳، ص ۸.
۲۴. مالکوم واترز، جهانی شدن، ص ۵۸.
۲۵. جهانی شدن و جهان سوم، ص ۲۴۱.
۲۶. هاری مگداف...، جهانی شدن با کدام هدفه ص ۷۲.
۲۷. جان تاملینسون، جهانی شدن و فرهنگ، ص ۲۵.
۲۸. همان، ص ۲۹.
۲۹. کنث نش، جامعه شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی شدن سیاست و قدرت، ص ۱۰ (مقدمه).
۳۰. فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۵، ص ۱۰۶ و ۱۰۷.
۳۱. فرهنگ گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر، ص ۱۸۶.
۳۲. جهانی شدن و جهان سوم، ص ۲۴۲.
۳۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: پگاه حوزه؛ مقاله جهانی شدن از منظر مذهب، شماره ۶۱، ص ۱۱ و ۱۲.
۳۴. فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۵، ص ۲۲۵.
۳۵. مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴، ص ۱۰۲۹.
۳۶. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۱.
۳۷. پگاه حوزه، شماره ۶۱، ص ۱۳.
۳۸. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۵۴.
۳۹. مسعود پورسید آقایی، مبانی اعتقادی مهدویت (۱) فصلنامه انتظار، شماره ۱، ص ۵۸ و ۵۹.
۴۰. انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.
۴۱. قصص (۲۸)، آیه ۵.
۴۲. جعفر سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، انتشارات توحید، ص ۳۷۰.
۴۳. کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۹۷ (از امام باقر (علیه السلام)، کمال

- الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.
۴۴. الملاحم و الفتن، ص ۶۶.
۴۵. منتخب الأثر، ص ۴۷۴.
۴۶. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.
۴۷. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵؛ غیبت نعمانی، ص ۷۲.
۴۸. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۷.
۴۹. الامام المهدی، ص ۲۷۱.
۵۰. منتخب الأثر، ص ۱۶۰.
۵۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.
۵۲. مجمع البیان، ذیل آیه ۹ سورة صف؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶۰.
۵۳. منتخب الأثر، ص ۴۳۶.
۵۴. همان، ج ۳۶، ص ۳۱۶؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۷.
۵۵. همان، ج ۵۱، ص ۷۵.
۵۶. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.
۵۷. غیبت نعمانی، ص ۱۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹؛  
منتخب الأثر، ص ۳۱۰.
۵۸. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱؛ کمال الدین، ج ۳، ص ۳۷۲.
۵۹. منتخب الأثر، ۳۰۸ (مامت و مهدویت، بخش آخر، ص ۴۳).
۶۰. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.
۶۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۰۴.
۶۲. منتخب الأثر، ص ۳۰۸.
۶۳. منتخب الأثر، ص ۴۳۶.
۶۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۵؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۴.
۶۵. عقد الدرر، ص ۱۷۰.
۶۶. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۴.
۶۷. اعلام الوری طبرسی، ص ۴۳۲.
۶۸. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۴؛ منتخب الأثر، ص ۴۷۳.
۶۹. تحفة الملوك، ج ۱، ص ۷۸.
۷۰. منتخب الأثر ص ۴۸۳؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹؛  
بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.
۷۱. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۵۳.
۷۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۵۲؛ غیبت نعمانی، ص ۲۳۹.
۷۳. موسوعة احادیث المهدی، ج ۴، ص ۵۳.
۷۴. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۸۳؛ غیبت نعمانی، ص ۲۵۳.
۷۵. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۵.





۷۶. لوائح الأنوار، ج ۲، ص ۷۰.
۷۷. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۶.
۷۸. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴.
۷۹. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۴.
۸۰. ژان ماری گنو، آینده آزادی، چالش های جهانی شدن دموکراسی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ص ۱۷ مقدمه.
۸۱. همان، ص ۱۵۰.
۸۲. فرهنگ گرایبی، جهانی شدن و حقوق بشر، ص ۱۲۵.
۸۳. همان، ص ۱۲۶.
۸۴. یوم الخلاص، ص ۳۹۵.
۸۵. ر.ک: پدیده جهانی شدن، ص ۱۵۳.
۸۶. بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۱۸۲.
۸۷. روزنامه جام جم، شماره ۷۵۴، ص ۸.
۸۸. منهاج البراعة، ج ۸، ص ۳۵۳.
۸۹. فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۵، ص ۲۱۰.
۱. قصص (۲۸)، آیه ۴.
۲. ری کیلی و فیل مارفلیت، جهانی شدن و جهان سوم، ترجمه حسن نورایی و محمد علی شیخ علیان، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ص ۲۴۳.
۳. روزنامه جام جم، شماره ۶۳۵.
۴. دکتر علی اصغر کاظمی، جهانی شدن فرهنگ و سیاست، نشر قومس، ص ۸ و ۱۴.
۵. غیبت نعمانی، ص ۲۷۴.
۶. ینابیع المودة، ص ۴۴۷.
۷. پل سوئزی و...، جهانی شدن با کدام هدف، نشر آگه، ص ۷.
۸. ماکلوم واترز، جهانی شدن، ترجمه مردانی و مریدی، نشر سازمان مدیریت صنعتی، ص ۳۱.
۹. رونالد رابرتسون، جهانی شدن (تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی)، ترجمه کمال پولادی، نشر ثالث، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.
۱۰. جیمز. ان، روزه نا، پیچیدگی ها و تناقض های جهانی شدن، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴، ص ۱۰۲۲.
۱۱. جان تاملینسون، جهانی شدن فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، دفتر پژوهش های فرهنگی، ص ۷۲.
۱۲. آنتونی گیدنز، گفتارهایی درباره یکپارچگی جهان (جهان رها شده)، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی، نشر علم و ادب، ص ۱۳.
۱۳. جهانی شدن و جهان سوم، ص ۲۳۹.
۱۴. همان، ص ۲۳۸.
۱۵. فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۵، ص ۱۲۳.
۱۶. ر.ک: فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۵، ص ۲۱۹ و ۲۲۰.
۱۷. حجرات (۴۹)، آیه ۱۳.
۱۸. ر.ک: دام جهانی شدن (تهاجم به دموکراسی و رفاه)، نشر اندیشه معاصر، ص ۱۵ (مقدمه مترجم با کمی تغییر و خلاصه).
۱۹. فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۵، ص ۲۱۱.
۲۰. باری اکسفورد، نظام جهانی: اقتصاد، سیاست و فرهنگ، ترجمه مشیرزاده، ص ۱۵۱.
۲۱. جهانی شدن، ص ۱۴۹ و ۱۳۷.
۲۲. حسین سلیمی، فرهنگ گرایبی، جهانی شدن و حقوق بشر، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۱۲۹.
۲۳. روزنامه جام جم، شماره ۶۹۳، ص ۸.
۲۴. مالکوم واترز، جهانی شدن، ص ۵۸.
۲۵. جهانی شدن و جهان سوم، ص ۲۴۱.
۲۶. هاری مگداف...، جهانی شدن با کدام هدف، ص ۷۲.
۲۷. جان تاملینسون، جهانی شدن و فرهنگ، ص ۲۵.
۲۸. همان، ص ۲۹.
۲۹. کنث نش، جامعه شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی شدن سیاست و قدرت، ص ۱۰ (مقدمه).
۳۰. فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۵، ص ۱۰۶ و ۱۰۷.
۳۱. فرهنگ گرایبی، جهانی شدن و حقوق بشر، ص ۱۸۶.
۳۲. جهانی شدن و جهان سوم، ص ۲۴۲.
۳۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: پگاه حوزه؛ مقاله جهانی شدن از منظر مذهب، شماره ۶۱، ص ۱۱ و ۱۲.
۳۴. فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۵، ص ۲۲۵.
۳۵. مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴، ص ۱۰۲۹.